

تغییرات خاورمیانه
و
پیامدهای آن برای افغانستان

فضل غنی المجددی

بسم الله الرحمن الرحيم

مشخصات کتاب

اسم کتاب:	خاور میانه در حال تغییر و پیامدهای آن برای افغانستان
مؤلف:	فضل غنی المجددی
ناشر:	فقه اسلامی
محل چاپ:	کلیفورنیا
سال چاپ:	۲۰۲۵ میلادی
حق طبع:	فقه اسلامی
دیزاین پستی:	ترین بیان

آدرس فقه اسلامی

201 Washington Blvd., #104

Fremont, California 94539

Tel (510) 673-5264

E-mail: fazlghanimogaddedi@yahoo.com

فهرست مطالب

5	مقدمه
8	اهمیت شرق میانه
16	احتمال درگیری بین اسرائیل و ترکیه در سوریه
17	آیا ولایات متحده در مبارزات جدید اشتراک میکند؟
20	ترامپ و شرق میانه
22	حل های پیشنهادی
26	اخراج اجباری «پاکسازی قومی» فلسطین های مقیم نوار غزه
29	موقف اردن، مصر، تنظیم های فلسطینی و کشور های غربی
44	دعوت رئیس ترامپ از معامله قرن تا دعوت برای اخراج
45	معامله قرن (صفقة القرن)
54	توضیحات مسئولین اداره رئیس ترامپ در مورد مهاجرت
58	تأثیر سقوط نظام بشار اسد بالای اسرائیل و شرق میانه
75	آیا اخوان سوریه در آینده سیاسی نقش مهم را خواهد داشت؟
77	مسیر شبه نظامیان فاطمیون

77	تأسیس و تشکیل فرقه فاطمی در سوریه
79	سناریوهای احتمالی
81	نقش کردها در تغییر شرق میانه
82	عراق:
83	ترکیه:
83	ایران:
84	نیروهای دموکراتیک سوریه (قسد)
87	سرنوشت قوای نظامی دیموکراتیک «قسد» در سوریه
92	آینده قوات دیموکراتیک سوریه «قسد»
94	فرصت ها و چالش های پیش روی افغانستان
96	شرق میانه از نظر جغرافیایی، سیاسی، دینی، مذهبی و
120	جنگ جهانی دوم و نتایج آن
122	معاهده سایکس پیکو
126	ظهور امریکا به عنوان ابر قدرت جهانی
134	روسیه و شرق میانه
149	نقش روسیه شرق اسلامی و افریقا

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على رسوله الكريم و بعد:
«و تلك الايام نداولها بين الناس» (آل عمران: 140). و این روزگار (و حالات)
را میان مردم می گردانیم (دست به دست می کنیم).

شرق میانه معهد ادیان سماوی، مرکز فرهنگ و ثقافت جهان از قدیم زمان
بود. در عصر حاضر موقعیت ممتاز را در جهان دارد. شرق میانه همیشه یکی
از مهم ترین مناطق جهان بود و نقش تعیین کننده ای را در تحولات سیاسی،
اقتصادی و فرهنگی و دینی داشت و دارد.

شرق میانه پل ارتباط بین آسیا، اروپا و افریقا میباشد و هر قوه که بالای این
منطقه تسلط داشته باشد، بالای دنیا تسلط و حاکمیت دارد. شرق میانه از
نظر منابع طبیعی، خصوصاً نفت و گاز که جهان به آن ضرورت بیشتر دارد
قابل اهمیت است.

حملات صلیبی که در تاریخ بنام جنگ های صلیبی یاد میشود، هدف اول آن
دینی نبود، هدف اصلی از جنگهای صلیبی تسلط بالای منابع اقتصادی و
تحکم بالای خط مواصلات بری بود.

شرق میانه با ضعف و ناتوانی نظامی، علمی و نداشتن نظامهای سیاسی
سالم و حکومت های استبدادی و با تمام چالش های سیاسی و بحران های
متعدد، همچنان نقش کلیدی و اهمیت استراتژیک فوق العاده دارد. نظر به

اهمیت آن است که استعمار جدید کوشش دارد بالای شرق میانه تسلط کامل داشته باشد.

استعمار قدیم شرق میانه را به کشورهای کوچک تقسیم نمود و زعمای فاسد و وابسته را در کشورهای کوچکی به قدرت رسانید. این روش تا امروز ادامه دارد. قوای بزرگ جهانی هر حرکت آزادی خواه و هر جنبش معتدل اسلامی را در شرق میانه اگر به روش دیموکراسی نیز به قدرت برسد سرنگون می کند.

شرق میانه از نظر جغرافیای طبیعی و سیاسی معنی بزرگتر را دارد و شامل کشورهای متعدد در افریقا و آسیا بشمول افغانستان میشود. مشکلات که امروز در شرق میانه به میان آمده ، ادامه سیاست های گذشته است که به مراحل متعدد و درازمنه های مختلف تطبیق میشود.

7 اکتوبر 2023، جنگ بین حرکت آزادی خواه فلسطین و اسرائیل، سقوط نظام بشار اسد و رسیدن اسلامگرایان بقدرت در سوریه را میتوان مرحله جدید در تاریخ محاصر شرق میانه حساب کرد.

در این تحقیق مشکلات شرق میانه و اهداف استعماری و نقشه جدید در منطقه که تأثیرات منفی بالای کشورما افغانستان و دیگر کشورهای اسلامی دارد، مورد بحث قرار میگیرد. کشورهای که از نقشه جغرافیایی بیرون و در بدل آنها اسرائیل بزرگ ساخته می شود، مهمترین موضوعات این تحقیق میباشد. بحث در مسائل روز، یکی از مشکل ترین کار برای محقق میباشد، خصوصاً در عصر حاضر که تکنالوجی سبب نقل معلومات و اخبار در هر دقیقه میباشد و محقق مجبور می شود تا کار یک هفته قبل خود را مراجعه کند. من هر بار که تحقیق را مراجعه نمودم، مجبور به اضافات

جدید شدم. راپور های جدید، سخنانی زعماء، مصاحبه های مطبوعاتی رؤسای دول، تحقیقات جدید، تبصره های روزنامه های مهم جهان سبب میشود تا نویسنده و محقق در تحقیق خود تجدید نظر کند. بحث در مسائل سیاسی همیشه در حالت تغییر است. خانم (مارگریت تاچر/ Margaret Thatcher) صدراعظم فولادی انگلستان می گفت که 24 ساعت در عمر سیاست بسیار طولانی است و ممکن در 24 ساعت واقعات مهم رخ دهد که در 24 سال پیش نشده باشد.

این تحقیق میتواند کلید و آغاز تحقیقات جدید دیگر باشد و محققین افغانستان نواقص تحقیق را اصلاح و معلومات بیشتر را برای هموطنان تهیه کنند. برای محققین افغانستان مطالعهٔ اوضاع سیاسی شرق میانه و تقسیمات جدید در منطقه اهمیت فوق العاده دارد، چون هر تغییر در نقشه شرق میانه مستقیماً تأثیر منفی و یا مثبت بالای نقشه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و مذهبی افغانستان وارد میکند.

فضل غنی المجددی / مارچ 2025

اهمیت شرق میانه

در طول تاریخ بشری، قوای بزرگ عرض اندام کردند، و متأسفانه از قوت خود و از ناتوانی دیگران استفاده نا مشروع نمودند. این روش تا زمانیکه دنیا باقی است، ادامه میداشته باشد. از روش الهی است که ظلم و استبداد دوامدار نیست و قوت بزرگ روزی ضعیف میشود و قوه کوچک و ضعیف قوی می گردد، بدین ترتیب چرخ زندگی ادامه دارد.

در این تحقیق تاریخ قدیم بحث نمی شود. بحث از جنگ جهانی اول آغاز می شود. مهمترین موضوع در بحث شرق میانه جدید میباشد. شرق میانه از ناحیه جغرافیایی، فرهنگی و دینی مرکز جهان از قدیم الزمان میباشد. مراکز تحقیقات استراتژی در آمریکا و اروپا باین نتیجه رسیده اند که هر قوه^۱ که بالای شرق میانه تسلط داشته باشد، بدون شک بالای دنیا تسلط دارد. در روشنی این نظریه قوای بزرگ جهانی هر کدام سعی دارند تا بالای شرق میانه تسلط پیدا کنند.

از جنگ جهانی اول تا امروز، قربانی از مسلمانان گرفته میشود و مسلمانان در طول تاریخ معاصر قیمت را می پردازند و کشور های اسلامی مرکز و میدان مبارزات سیاسی و نظامی بین قوای بزرگ است. استعمار غربی، استعمار ثقافتی و نظامی است. کشور های غربی سرمایه های مسلمانان را قبل از جنگ جهانی اول بسرقت بردند و سرقت سرمایه های شرق میانه تا حال ادامه دارد. برای سرقت سرمایه و ذخایر معدنی، کشور های غربی خصوصاً آمریکا از نظامهای استبداد عسکری در شرق میانه حمایت می کنند و هر حکومت دیموکراسی اگر به روش انتخابات آزاد نیز عرض اندام کند بزودی

سرنگون میشود. نظامهای دیموکراسی و نیمه دموکراتیک که توسط کودتاه و مداخلات خارجی سقوط داده شده اند ، زیاد است بطور مثال:

1. سرنگونی دولت دموکراتیک محمد مصدق در ایران (سال 1953).
2. سقوط دولت عبدالکریم قاسم در عراق (سال 1963).
3. کودتاه ها ترکیه در سالهای (1960/1971/1980/1997/2016).
4. لغو انتخابات و آغاز جنگ داخلی در الجزایر (سال 1992).
5. سرنگونی اولین نظام آزاد دیموکراسی در مصر (سال 2013).
6. انقلاب نظامی در سودان (سال 2021).
7. انقلاب قیس سعید در تونس (در 25 جولای 2021).
8. انقلاب در یمن و سقوط حکومت انتخابی بزعامت حزب اصلاح (شاخه اخوان المسلمین) توسط حوثی ها (انصار الله) به کمک عربستان سعودی و امارات متحده عربی (سال 2014).
9. انقلاب حزب بعث در سال 1963. بعضی ها نظام نیمه دموکراتیک را سقوط دادند. در 1970 حافظ اسد انقلاب نظامی ترتیب داد و حکومت دیکتاتوری خانوادگی را تأسیس کرد.
10. میتوان کودتا (26 سرطان 1352 / 17 جولای 1973) بزعامت سردار محمد داود خان را انقلاب علیه نظام نیمه دیموکراسی در افغانستان دانست.

تقسیم کشورهای اسلامی به کشورهایی کوچک و تحت حمایت و داخل جنگ ، مهمترین برنامه کشور های بزرگ در شرق میانه است . این روش بیشتر از یک قرن آغاز و تا امروز ادامه دارد.

استقرار سیاسی در شرق میانه و ایجاد حکومت های آزاد و دیموکراتیک ، مانع تسلط غرب و قوای بزرگ در شرق میانه است. به هدف جلوگیری از نظام

های دیموکراتیک و مردمی ، و بی ثبات ساختن شرق میانه کشور های استعماری کوشش دارند تا مسائل قومی، مذهبی، نژادی و افکار افراطی را در شرق میانه تقویت کنند و نگذارند شرق میانه مستقر و آرام و آزاد باشد. برای رسیدن به این اهداف تقسیم کشور های اسلامی بطور عموم و شرق میانه بصورت خاص از اهداف استراتژیک کشور های بزرگ و استعماری میباشد. تقویت حرکت های افراطی از نظر مالی و نظامی، ضعیف ساختن حرکت های اسلامی معتدل، و ایجاد حکومت های عسکری استبدادی وسیله فعال برای کشور های استعماری و بزرگ است و از این وسائل بصورت خوب برای تقسیم شرق میانه و استثمار اقتصادی و بهره کشی از منابع اقتصادی استفاده میشود.

تسلط بالای شرق میانه فکر جدید نیست، تاریخ قدیم دارد، اما در عصر حاضر بعد از جنگ جهانی اول و دوم و رسیدن امریکا به حیث قوه ُ بزرگ جهانی فکر تقسیم شرق میانه یکبار دیگر روی کار شد. در تقسیم جهان اسلام، و تقسیم شرق میانه در جریان جنگ جهانی اول ، شریف حسین ، شریف مکه بزرگترین خیانت را مرتکب شد. او با قوای انگلیس علیه سلطنت عثمانی که وحدت سیاسی و دینی مسلمانان را می ساخت متحد شد. متأسفانه بعد از سقوط سلطنت عثمانی به آنچه می خواست و به آنچه حکومت انگلستان برایش وعده داده بود نرسید. خلافت اسلامی در لباس

ترکی سقوط کرد و اما خلافت اسلامی در لباس عربی قسمیکه انگلیسها وعده داده بودند بوجود نیامد.¹

نفسه جدید شرق میانه، تقسیم شرق میانه به کشور های کوچتر با ساس مذهب و قومیت است. شرق میانه جدید تنها شامل کشورهای خلیج عربی نیست، شامل کشورهای زیاد بشمول افغانستان، ترکیه، پاکستان و ایران میباشد. اشغال افغانستان توسط قوای شوروی، نیز به هدف رسیدن به شرق میانه و آب های گرم و به عبارت دیگر تقسیم منطقه بود. اشغال افغانستان و عراق توسط امریکا به هدف ساختار جدید شرق میانه بود. اما هردو امپراطوری در جنگ با عراق و افغانستان به شکست مواجه شدند و تغییر سرحدات شرق میانه به تأخیر افتاد.

هفتم اکتوبر 2023 حادثه و واقعه خیلی با اهمیت در تاریخ شرق میانه به حساب می آید. هفتم اکتوبر زلزله عظیم در تاریخ معاصر میباشد. مبارزان فلسطین با دادن صدها هزار قربانی موفق شدند اجراء نقشه جدید شرق میانه

¹. تلگرام دولت بریتانیا به شریف حسین که در آن وعده خلافت عربی داده شده بود، به تلگرام مک ماهون — حسین معروف است. این مکاتبات بین هنری مک ماهون، نماینده بریتانیا در مصر، و شریف حسین بن علی، شریف مکه، در سال های 1915/1916 صورت گرفت.

در یکی از نامه ها، بریتانیا به طور کلی وعده حمایت از استقلال اعراب را در صورت قیام علیه امپراطوری عثمانی داد.

این تلگرام ها یکی از اسناد مهم در تاریخ خاورمیانه هستند، زیرا نشان دهنده بازی های دیپلماتیک قدرت های استعماری در قبال کشورهای عربی اند. ما در تاریخ معاصر شرق اسلامی بصورت مفصل این موارد را می خواندیم و امید است در برنامه های معارف افغانستان نیز اضافه شود.

را بتأخیر اندازند. اسرائیل مرکز شرق میانه جدید در بیشتر از یکسال نتوانست حرکت حماس را نابود کند.

هفتم اکتوبر 2023 اتحاد بین عربستان سعودی، امارات عربی، مصر و اسرائیل را به تعویق انداخت و پیمان نظامی (ناتوی عربی) بقیادت اسرائیل تشکیل نشد. اسرائیل و حامیانش در بیشتر از یکسال نتوانستند اراده ملت فلسطین را بشکافند و ملت فلسطین در غزه با دادن بیش از 50 هزار شهید که همه زنان و اطفال بودند بیرق سفید را برای اعلان از تسلیمی بلند نکردند، تا بلاخره اسرائیل و امریکا باین نتیجه رسیدند که با حرکت حماس که از نظر امریکا و اسرائیل حرکت و تنظیم تروریستی است صلح نمایند و حرکت اسلامی حماس را برسمیت بشناسند.

15 جنوری 2025 وزیر خارجه قطر اعلان کرد که طرفین (اسرائیل و حماس) برای آتش بس و آزادی زندانیان توافق کردند. مصر، قطر و امریکا ضامن اجراء توافقنامه شدند. مسلمانان در تمام جهان از پیروزی حماس و مجاهدین فلسطین استقبال و سجده شکر بجا آوردند و زعمای اکثر کشورهای اسلامی تبریکات شان را برای زعمای حماس فرستادند.

اسرائیل و حامیان اش در تصفیه مقاومت اسلامی حماس عاجز ماندند. پیروزی مقاومت فلسطین و حامیان شان برنامه ای تقسیم شرق میانه را برای فعلاً به تعویق انداخت تا دیده شود که زعامت جدید امریکا بریاست رئیس جمهور ترامپ چه نوع سیاست را در قبال شرق میانه روی دست دارد. رئیس ترامپ سیاست تسلط بالای شرق میانه را اعلان کرد و گفت که امریکا نوار غزه را تصرف میکند و فلسطینی ها باید از نوار غزه بیرون شوند.

دیده شود که آیا امریکا جنگ را بر صلح و دشمنی را بر دوستی ترجیح می دهد و سعی برای تقسیم شرق میانه می نماید و در تقویت نظامهای استبدادی و بزرگ شدن اسرائیل می کوشد ، و یا اینکه دست دوستی را به مسلمانان دراز می کند. همکاری مثبت و عدم مداخله به شئون کشورهای اسلامی بهترین وسیله برای استقرار و آرامش و صلح در جهان است و امریکا بحیث کشور بزرگ در جهان میتواند حامی صلح و دیموکراسی باشد و حرکت های آزادی خواه و دیموکراسی را در کشورهای خلیج عربی و شرق میانه تقویت و حمایت کند و دست از حمایت نظامهای استبدادی و نظامی بردارد ، این سیاست نه تنها به مصلحت جامعه اسلامی است بلکه برای امریکا ، و جهان نیز مفید می باشد.

پیروزی قوای آزادی خواه سوریه در اوایل ماه دسامبر 2024 ، ادامه و نتیجه هفتم اکتوبر 2023 میباشد. هیچ سیاستمدار و هیچ مرکز تحقیقات استراتژیک و استخبارات جهانی سقوط بشار اسد را بدین سرعت پیشبینی نکرده بودند و انتظار تشکیل حکومت ائتلافی بین نظام بشار اسد و چند گروهی از مخالفین نظام را داشتند. پیروزی مبارزان آزادی سوریه تغییرات بزرگ و بنیادی را در شرق میانه بوجود آورد و پلانهای اسرائیل و امریکا و کشورهای خلیج عربی بشمول مصر توقف یافت. حوادث و واقعات سوریه ، اتحاد بین کردها و شیعیان را در شرق میانه متضرر ساخت و قوای سنی مذهب جانشین پیروان شیعه مذهب در سوریه گردید. مرکز شرق میانه بعد از سقوط نظام بشار اسد و اخراج ایران و حزب الله و ملیشه های شیعه افغانی و عراقی ، بدست ترکیه افتاد. کشورهای عربی بسرعت طرف سوریه رفتند و کوشش دارند تا از نفوذ و تسلط ترکیه در شرق میانه جلوگیری کنند ، اما زمان گذشته و ترکیه بصفت قوه ای بزرگ اقتصادی ، سیاسی و

نظامی دست بالا را در حوادث بعدی شرق میانه دارد. ترکیه هم سرحد اسرائیل شد و هر لحظه می تواند اسرائیل را تهدید کند.

سقوط نظام بشار اسد، اخراج ایران و حزب الله از سوریه، پایان ائتلاف شیعه در شرق میانه به حساب می آید. از بین رفتن ائتلاف شیعه در سوریه را اسرائیل خیر مقدم گفت، اما بزودی متوجه شد که خطر ائتلاف سنی برای اسرائیل بیشتر از خطر ائتلاف شیعه است. روزنامه «پست اورشلیم / The Jerusalem Post» سه شنبه هفتم جنوری 2025، نوشت کمیته که حکومت اسرائیل برای بررسی وضعیت جدید بنام کمیته تاغل، (نسبت به نام رئیس آن یعقوب تاغل) تشکیل داده بود بروز دو شنبه ششم جنوری 2025 راپور مفصل رابه صدراعظم اسرائیل (بنیامین نتنیا هو) تقدیم نمود. در راپور آمده که اسرائیل باید آماده جنگ مستقیم با ترکیه باشد به دلیل اینکه ائتلاف ترکیه با نظام جدید در سوریه بعد از سقوط بشار اسد خطر بزرگ برای موجودیت اسرائیل است. در راپور آمده که خطر ائتلاف ترکیه با نظام جدید سوریه نسبت به خطر تهدید ایرانی بیشتر می باشد و رئیس جمهور ترکیه رجب طیب اردوغان برای احیای سلطنت عثمانی و تسلط بالای شرق میانه پلان گذاری دارد.

روزنامه «اول اسرائیل نیوز / Israel Hayom»¹ از قول صدراعظم اسرائیل می نویسد که گفت: توانستیم محور ایران را خنثی سازیم، اما قوه جدید ظهور کرد و باید استعداد کامل برای مقابله با قوه جدید در شرق میانه داشته باشیم.² کشورهای خلیج عربی و مصر بغیر از قطر با اسرائیل در مورد

¹. این روزنامه یکی از بزرگترین و پرخواننده ترین روزنامه های اسرائیل محسوب می شود.

². الجزيرة 2025/7/1

قوه ای جدید سنی بزعامت ترکیه اتفاق نظر دارند و با اسرائیل یکجا برای خنثی کردن سیاست ترکیه و اخراج ترکیه از سوریه و سقوط نظام جدید اسلامی سوریه اتفاق نظر دارند. خارج شدن ایران و حزب الله به شکل نظامی از سوریه، خطر ائتلاف و مقاومت شیعه را علیه اسرائیل ضعیف کرد، اما اسرائیل و کشورهای خلیج عربی و امریکا متوجه خطر ائتلاف سنی اسلامی بزعامت ترکیه شدند، و اقلاً ائتلاف اسلامی سنی قدرت تغییر را در شرق میانه نسبت به ائتلاف اسلامی شیعه بیشتر دارد.

ضعیف شدن ائتلاف شیعه در منطقه، سبب شد تا خلالی قدرت سیاسی و نظامی بوجود آید. ائتلاف شیعه شامل لبنان، سوریه، عراق و یمن بود. این ائتلاف با همکاری مقاومت فلسطین میتوانست اسرائیل و امریکا را مشغول سازد.

ضعف ائتلاف شیعه در منطقه و جنگ اسرائیل علیه فلسطینی ها در نوار غزه، سقوط نظام بشار اسد در سوریه و تشکیل دولت مؤقت ضعیف در سوریه و مشغول بودن نظام جدید به مشکلات داخلی و عدم قدرت نظام جدید به عمل سیاسی و نظامی در منطقه خلالی سیاسی و بی ثباتی سیاسی را بوجود آورد.

این مشکل یعنی خلالی سیاسی و ائتلاف نظامی جدید در بدل ائتلاف شیعه بزعامت ایران، از کشورهای عربی و اسلامی می خواهد بزودی تشکیل سیاسی و نظامی بدیل را بسازند. مهمترین کشورها در ائتلاف جدید عربستان سعودی، ترکیه و مصر میباشند. اگر این ائتلاف و تشکیل جدید بوجود آید تأثیر بزرگ را در منطقه میداشته باشد و میتواند در مقابل خطر خارجی ایستاده گی کند. ائتلاف جدید توانمندی حاکمیت بالای کانال سویس، تنگه بسفر «Bosphorus» (یک تنگه آبی استراتژیک که بین

استانبول موقعیت دارد و دریای سیاه را به دریای مرمره وصل می کند)، و باب المندب میداشته باشد. حاکمیت بالای راه های بحری میتواند مانع نفوذ امریکا و اسرائیل در منطقه شود. اما متأسفانه نظامهای سیاسی متفاوت با افکار متفاوت تأسیس ائتلاف جدید را به تأخیر می اندازد. عدم موفقیت برای تشکیل ائتلاف جدید، دست امریکا و اسرائیل در منطقه باز بوده و ائتلاف امریکا و اسرائیل در هر وقت میتواند کشور های منطقه را تهدید کند.

احتمال درگیری بین اسرائیل و ترکیه در سوریه

آیا احتمال درگیری مستقیم بین اسرائیل و ترکیه در سوریه است؟

این سؤال را مرکز استراتیژی روسیه برای فرهنگ ها « Russian Strategic Culture Center » مطرح کرده است. روزنامه عربی 21 خلاصه تحقیق مرکز استراتیژی روسی را به زبان عربی بتاریخ 15 جنوری 2025 به نشر سپرده است.¹

کمیته ای که بریاست رئیس سابق امنیت ملی اسرائیل « یعقوب ناغل / Yaakov Nagel » در ماه اگست 2024 تشکیل یافته بود، وثیقه Nagel برنامه استراتیژی اسرائیل را که برای ده سال آینده میباشد ترتیب می دهد. این وثیقه احتمال درگیری مستقیم با ترکیه را در مبارزه برای نفوذ و تسلط منطقوی بعد از سقوط نظام بشار اسد بحث می کند.

¹. برای دسترسی به مرکز از این آدرس استفاده کنید: Ruaaian Islamic World
روسیا - و العالم الإسلامی «مجموعة الرؤية الإستراتيجية»

منابع روزنامه «اورشلیم / The Jerusalem Post» می نویسند که صدراعظم اسرائیل بنیامین نتنیا هو به نزدیکی در مجلس که در مورد ترکیه دایر می شود اشتراک می کند ، در این اجتماع تأثیر انقاره در منطقه که تهدید و چالش مستقیم برای مصالح اسرائیل است بحث می شود. روزنامه قول نتنیا هو را بعد از اطلاع از وثیقه ، بدون اینکه اسم از ترکیه گرفته شود به این عبارت نقل میکند: تغییرات مهم در شرق میانه پیش شده ، ایران برای مدت طولانی تهدید بزرگ برای اسرائیل بود ، اما بعد از اینکه قوه های جدید در ساحه ظهور کرد ، ما باید آماده برای تهدید های غیر متوقع یا پیشبینی شده جدید باشیم . این وثیقه (وثیقه یعقوب غونل) برای ما نقشه و راه تأمین آینده اسرائیل را معرفی می کند.

در وثیقه پیشنهاد شده که مدت خدمت نظامی برای مردان به 36 ماه باشد و فابریکه های صنعتی عسکری تجدید شود ، اسلحه های جدید و مدرن و سیستم دفاعی پیشرفته خریداری شود. همچنان در وثیقه پیشنهاد شده که عقیده عسکری اسرائیلی از «رد دشمن» به «حملات. پیشگیرانه ضد دشمن تبدیل شود .

آیا ولایات متحده در مبارزات جدید اشتراک میکند؟

مرکز تحقیقات روسی در این مورد وضاحت بیشتر داده می نویسد: اسرائیل موقعیت نظامی خود را در مرتفعات جولان بعد از سقوط بشار اسد تقویت بیشتر کرد ، و مناطق جدید را در دو ولایت سوریه ، ولایت (القنیطره و دمشق) اشغال نظامی نمود.

کاهش نفوذ ایران در سوریه به عبارت دیگر تضعیف جایگاه ایران در سوریه ، نوع از موفقیت نظامی و سیاسی برای اسرائیل به حساب می آید ، اما این پیروزی فقط تکتیکی میباشد ، و تغییر ابعاد استراتژی و نظامی که در

سوریه رخ داده است مستفید اول آن ترکیه میباشد. ترکیه منافع ملی و اقتصادی و برنامه ریزی استراتژیک و حفظ قدرت ملی و نقشه‌هایی برای دستیابی به پیروزی در جنگ و دفاع از منافع ملی خود را در سوریه و حتی فلسطین حفظ خواهد کرد.

مرکز روسی در تحقیق خود اضافه میکند که با وجود قوه ای نظامی و استخباراتی و اشغال مناطق وسیع در خاک سوریه، اسرائیل نقص یا کمبود در موارد لازمه دارد تا بتواند با ترکیه درگیری نظامی داشته باشد. نقص در موارد لازمه از اسرائیل می‌خواهد تا واشنگتن را در مبارزات منطقوی خود برای کنترل و مهار کردن نفوذ ترکیه شریک سازد.

انتظار می‌رود واشنگتن قیام به یک عمل مقدماتی بوکالت از اسرائیل یعنی اقدام به فشار نظامی در شمال سوریه، با اینکه، رئیس ترامپ وعده داده بود که قوای نظامی اش را از منطقه (الفرات) خارج می‌کند انجام دهد، که نتیجه آن درگیر شدن ولایات متحده در یک جنگ طویل المدت دیگر به سبب تحقق اهداف دراز مدت یا بلند مدت که ارتباط به برنامه «اسرائیل بزرگ» دارد مشغول شود.

مرکز اضافه می‌نماید پابندی واضح رئیس ترامپ به برنامه «الصهیو- مسیحیه»¹، که ارتباط محکم با مؤسسات حاکمه «اسرائیل» دارد، اما

¹. اصطلاح «الصهیو - مسیحیه» ترکیبی از ایدلوزی های صهیونیستی و باورهای مسیحیت انجیلی (او انجلیستی) هستند که در زبان انگلیسی این اصطلاح به صورت Christian Zionism ترجمه می‌شود.

جنبشی مذهبی-سیاسی که حمایت از دولت اسرائیل و بازگشت یهودیان به سرزمین های تاریخی شان (فلسطین اشغال شده) را بخشی از تحقق

نظریات و آراء مشاورین ترامپ در متابعت از برنامه و پلان نتنیا هو مخالف به آراء و نظریات رئیس ترامپ می باشد .

این اقدام و برنامه نه تنها برای یک جنگ با ایران میتواند باشد ، همچنان درگیری مستقیم با ترکیه که همپیمان امریکا و عضو ناتو نیز است میباشد . ترکیه با پیشرفت در فابریکات نظامی خصوصاً طیارات بدون پیلوت تفوق بیشتر دارد .

بازگشت آقای ترامپ به قصر سفید با اجندای بسیار واضح نسبت به شرق میانه ، باید انتظار تغییر را در سیاست امریکا در قبال شرق میانه داشت . آقای ترامپ از نفاق به مقارنه با رؤسای سابق امریکا تفاوت دارد ، شخص واضح و سریع است و آنچه عقیده دارد بر زبان می آورد و آنرا عملی می کند .

برنامه رئیس ترامپ برای شرق میانه بسیار واضح است . در قدم اول میخواهد قلمرو اسرائیل به دلیل اینکه تعداد باشندگان یهود در اسرائیل زیاد شده است وسعت پیدا کند و مرتفعات جولان ، جنوب لبنان و جانب غربی نهر اردن به اسرائیل مدغم و یکجا شود . دوم باید عربستان سعودی اسرائیل را برسمیت بشناسد و در مقابل برسمیت شناختن ، اسرائیل و امریکا از خاک و نظام سعودی در مقابل تهدیدات ایران حمایت می کنند . سوم اینکه معاهده ابراهیمی را باید کشورهای خلیج عربی امضاء و عملی سازند¹ .

پیشگویی های کتاب مقدس می داند . این دیدگاه عمدتاً در میان برخی از مسیحیان انجیلی در ایالات محته و اروپا دیده می شود .

¹ . معاهده ابراهیمی (Abraham Accords) در سال 2020 بین اسرائیل و چند کشور عربی با میانجی گری ایالات متحده امریکا امضا شد . هدف اصلی این معاهده عادی سازی روابط دپلوماتیک ، اقتصادی و امنیتی میان اسرائیل و کشورهای عربی بود . امارات متحده

شرایط سیاسی و نظامی شرق میانه با مقارنه با دور اول ریاست آقای ترامپ و ریاست دور دوم آن تفاوت دارد و ایران در حالت قرار ندارد که کشورهای خلیج عربی و بخصوص عربستان سعودی را تهدید کند. خارج شدن ایران از سوریه و ضعیف شدن نفوذ آن در لبنان و حتی عراق، نقش ایران را در خاورمیانه تضعیف کرده و در مقابل نفوذ ترکیه بیشتر شده است. با اینکه نفوذ ایران در شرق میانه از ناحیه سیاسی و نظامی ضعیف شده است، اما تا هنوز برنامه اسرائیل و آمریکا از برداشتن پروگرامهای اتمی ایران برجا است و احتمال درگیری نظامی بین اسرائیل و آمریکا با ایران بسیار است.

ترامپ و شرق میانه

در مورد دوباره شکل دادن شرق میانه یا بازسازی آن توماس فریدمان سیاستمدار برجسته آمریکایی خطاب به رئیس ترامپ می نویسد: ترامپ شما فرصت دوباره شکل دادن شرق میانه را دارید.

توماس فریدمان «Thomas Friedman» در روزنامه نیویارک تایمز «The New York Times» در ستون خاص خود خطاب به رئیس ترامپ تحت عنوان «ترامپ و نقشه جدید خاورمیانه» می نویسد که بدیل در شرق میانه، تجزیه و تقسیم آن به اجزا یا بخش های کوچک تر به اساس کشورهای قومی است.¹

عربی، بحرین نخستین کشور های بودند که در 15 سپتامبر 2020 این معاهده را در کاخ سفید امضا کردند. سودان و مراکش بعداً به این توافقنامه پیوستند.

¹ توماس فریدمان، یک نویسنده، روزنامه نگار و تحلیل گر برجسته آمریکایی است. او از سال 1981 ستون نویس روزنامه نیویارک تایمز بوده و تا کنون چندین جایزه معتبر، از جمله سه جایزه پولیتزر برای روزنامه نگاری، دریافت کرده است.

توماس در مورد رسیدن آقای ترامپ بریاست امریکا می نویسد که ترامپ در شرایط مانند بعد از جنگ اول و دوم جهانی بریاست امریکا رسیده است. توماس رئیس ترامپ را مخاطب ساخته می گوید که چانس بازسازی منطقه به صورتی که صلح و ترقی را برای اسرائیل و فلسطینی ها و تمام مردم منطقه با حفظ مصالح و امنیت ملی امریکا بوجود آورد آماده می باشد. او اضافه می کند که ممکن است شرق میانه جدید بصفت منطقه قوی و با روابط طبیعی و تجارتی و همکاری مشترک برای اهداف محدود و یا تقسیم آن به کشورهای قومی و بی نظمی و ظهور امراء جنگ و تروریستان که از طیاره های بدون پیلوت استفاده شود.

توماس فریدمن در تحلیل مسائل خاورمیانه ، سیاست خارجی ایالات متحده ، جهانی شدن و تغییرات اقلیمی تبحر دارد. او مدتی به عنوان خبرنگار در خاورمیانه فعالیت کرد و تجربیات گسترده ای از این منطقه دارد. از توماس کتاب های زیادی به طبع رسیده است. روزنامه نیویارک تایمز از سال 1851 منتشر می شود و شهرت بین المللی دارد. این روزنامه تاکنون برنده ده ها جایزه پولیتزر شده است که یکی از معتبرترین جوایز روزنامه گاری در جهان است. برای دسترسی به متن کامل مقاله ، می توانید به وب سایت نیویارک نیویارک تایمز مراجعه کنید.

حل های پیشنهادی

فریدمان در نامه اش عنوان رئیس ترامپ پیشنهاد می کند که حل مشکل اسرائیلی-فلسطینی، تقسیم غزه مانند تقسیم کرانه باختری رود اردن که در معاهده اوسلو به منطقه (الف) و (ب) برای مدت انتقالی 4 سال بود، است.¹

به اساس این تقسیم 80٪ از منطقه (الف) زیر اداره قوای بین المللی/فلسطینی و 20٪ متباقی زیر تسلط نظامی اسرائیل تا زمانی که اسرائیل برای امنیت خود اطمینان حاصل کند. و بعد از مدت تعیین شده غزه را سلطه فلسطینی اداره کند.

فریدمان رئیس ترامپ را نصیحت میکند که از دیپلوماسی امریکا برای رسم سرحد بین لبنان و اسرائیل کار گیرد و موقعیت حزب الله را متزلزل کند.

در مورد ایران فریدمان رئیس را نصیحت می کند که باید برنامه اتمی ایران را خنثی کرد بامید اینکه ترامپ برای خنثی سازی برنامه اتمی ایران² از روش

¹ کناره غربی نهر اردن، بخشی از سرزمین های فلسطینی است که پس از جنگ 1948 و تشکیل اسرائیل، ابتدا تحت کنترل اردن قرار داشت و پس از جنگ 1967 (جنگ شش روزه)، به اشغال اسرائیل درآمد.

معاهده اوسلو (Oslo Accords) مجموعه ای از توافقات میان سازمان آزادی بخش فلسطین (PLO) و اسرائیل است که در دهه 1990 میلادی به هدف دستیابی به صلح میان دو طرف و ایجاد راه حلی برای مسأله فلسطین منعقد شد. معاهده اوسلو در مرور وقت به منفعات اسرائیل تمام شد.

² شرق ادنی، این اصطلاح در گذشته برای اشاره به مناطقی از شرق مدیترانه، شامل کشور های ترکیه، سوریه، لبنان، فلسطین، اردن و مصر استفاده می شد، در مقایسه با «خاور میانه» خاور نزدیک منطقه ای محدود تر است، بیشتر در متون تاریخی و جغرافیایی قدیمی به کار می رود.

سیاسی استفاده کند زیرا ممکن است با استفاده از قوه ای نظامی به نتیجه نرسد.¹

دینس روس «Dennis Ross» دیپلمات سابق در مقاله ای در روزنامه واشنگتن پست خطاب به رئیس ترامپ تحت عنوان «فرصت تاریخی برای ترامپ جهت بازسازی شرق میانه جدید» می نویسد:

اسرائیل در نتیجه ای حمله حرکت های حماس بتاریخ 7 اکتوبر 2023 صدمه بزرگ را دید. روس که فعلاً مشاور انستیتوت برای سیاست شرق ادنی (خاور نزدیک) است با پیروزی های اسرائیل در این اواخر، اسرائیل را هوشدار میدهد که در غیاب بدیل حماس که اسرائیل نمی تواند آنرا ایجاد کند، غزه بحیث یک مشکل بزرگ برای اسرائیل باقی می ماند و باقی ماندن اسرائیل در غزه پیروزی گفته نمیشود.

به سبب خسائر بزرگ که ایران در وقت حاضر متحمل شد، باشندگان ایران از دولت شان می خواهند تا کوشش کنند اسلحه اتومی ایجاد شود. اسلحه های اتمی بدست ایران خطر حقیقی است.

روس اضافه میکند که برای رفع خطر ایرانی، استراتیژی دارای دوهدف در سال 2025 لازم است. اول آن ختم جنگ اسرائیل در غزه و عقب نشینی عسکری بشرط آزادی تمام اسیران دوم. ضرورت است که ایران برنامه های

¹. برای مطالعه متن کامل به وب سایت نیویارک تایمز مراجعه کنید. من از ترجمه متن عربی آن در روزنامه الجزیره بتاریخ 2025/1/22 استفاده کرده ام. نظریات و پیشنهادات توماس برای اداره آمریکا قابل استفاده و اهمیت میباشد.

زیربنایی هسته ای خود را به گونه ای کاهش دهد که توسعه سلاح های هسته ای دیگر گزینه ای برای آن نباشد.

تصور نمی شود که اسرائیل برای تحقق این دو هدف برسد مگر از طریق اشتراک فعال ایالات متحده از راه تحول و تغییر جدید در شرق میانه. اگر ترامپ بتواند تهدید نووی ایران را از بین بردارد، در این صورت اشیاء زیاد تحقیق می آید.¹

مجله هفته وار اکونومیست (The Economist) بریتانیا تحت عنوان : ترامپ پس از اتفاق غزه چه برنامه ای دارد ؟ What is Trump plnning after the Gaza incident? ، همچنان تحت عنوان « توصیه اکونومیست به ترامپ در شماره (7) تاریخ 27 جنوری 2025). می نویسد: رئیس منتخب امریکا دونالد ترامپ قبل از اینکه رسماً بحیث رئیس جمهور امریکا معرفی شود پلان برای بازسازی و تشکیل شرق میانه داشت. آتش بس در لبنان و اتفاق بین اسرائیل و حرکت مقاومت اسلامی حماس سلطه ترامپ را بالای کشور های عربی و صدراعظم اسرائیل بنیامین نتنیا هو تقویت بیشتر می کند.

¹. ترجمه مقاله دینس روس بزبان عربی در روزنامه الجزیره بتاريخ 2025/17/1 به نشر رسیده است.

دینس راس یک سیاستمدار ، تحلیل گر و دیپلمات امریکایی است که بیشتر به دلیل فعالیت هایش در زمینه سیاست خارجی و مسائل خاورمیانه شناخته می شود. او در طول چندین دهه در دولت های مختلف ایالات متحده، از جمله در دوران ریاست جمهوری جوج بوش پدر ، بیل کلینتون و باراک اوباما ، نقش های مهمی ایفا کرده است. دینس راس چندین کتاب در باره مسائل خاورمیانه ، دیپلماسی و سیاست خارجی نوشته است. مطالعه کتب او برای محققین در ساحه شرق میانه ضروری میباشد.

مجله اضافه میکند که رئیس ترامپ و مشاورین او احتیاج به نفوذ قوی دارند تا فیصله های سیاسی و مشکل را نسبت به منطقه شرق میانه اتخاذ نمایند و به سؤالات مشکل جوابگو باشند.

بطور مثال کدام جهت درنوار غزه حکومت کند، و مشکل اختیار و انتخاب مسائل غیر نا سازگار یا نا هماهنگ برای آینده منطقه، آیا تحکم راست افراطی در اسرائیل و یا مقید ساختن راست افراطی و کوشش برای برسمیت شناختن کشور های عربی از اسرائیل، تا آسان شود محاصره ایران و ضعیف ساختن آن و مجبور شدن ایران برای مذاکرات.

مشاور امنیت ملی «مایکل والتز» می گوید که این توافق از اولویات بزرگ ما است. با برنامه توسعه طلبی اسرائیل که حامیان در داخل مشاورین ترامپ دارد، اما آتش بس در غزه نشان دهنده جهت دیگر نیز است. مشاورین ترامپ برنامه های بزرگتر و پلان های بزرگ دیپلوماسی را در منطقه شرق میانه دارند، قبول بر اینکه اسرائیل جانب غربی نهر اردن را ضمن خاک اسرائیل اعلان کند. یکجا کردن غرب نهر اردن ضمن قلمرو اسرائیل برنامه را متضرر می سازد و مبارزه را با فلسطینی ها تجدید می کند. مجله اشاره میکند که بعض مسئولین در واشنگتن و تل ابیب، تهدید برای یکجا شدن غرب نهر اردن را با اسرائیل وسیله برای فشار کشور های عربی می دانند.¹

¹. ترجمه عربی مقاله ایکونومیست در الجزيرة، تاریخ 2025/18/1. برای مطالعه متن انگلیسی به وب سایت مجله مراجعه شود.

اخراج اجباری «پاکسازی قومی» فلسطین های مقیم نوار غزه

دعوت رئیس ترامپ از اخراج اجباری فلسطینی ها از غزه اولین دعوت نمی باشد ، این دعوت را قبلاً مامورین عالی رتبه و خانواده رئیس نموده بودند.

جاوید کوشنر شوهر دختر رئیس ترامپ در اپریل سال گذشته در کنفرانس پوهنتون «هاروارد / Harvard University» ، گفت که اسرائیل غیر نظامیان را از غزه خارج و به صحراء النقب و یا مصر انتقال دهد و غزه را از مقاومت خالی کند. کوشنر اضافه می کند که ساحل بحری غزه منطقه فوق العاده با قیمت است ، و ممکن است از آن استفاده شود.¹

رئیس ترامپ نقش فعال و مثبت را برای آتش بس مؤقت بین حرکت اسلامی حماس و اسرائیل داشت و برای این منظور فشار بالای صدر اعظم اسرائیل وارد کرد.

رئیس ترامپ پیشنهاد جدید را جهت کسب رضای اسرائیل و فشار مستقیم بالای اردن و مصر برای تطبیق و اجراء آن وارد کرد. روزنامه تایمز اسرائیل به نقل از یک وزیر اسرائیل گزارش می دهد که اظهارات دونالد ترامپ، رئیس جمهور امریکا مبنی بر کوچ اجباری فلسطینی ها به مصر و اردن ، احتمالاً از قبل با بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل هماهنگ شده بود.² همچنان به نقل از روزنامه تایمز ، یک وزیر اسرائیلی گفت که بخشی از هدف دونالد

¹ صحرای النقب (Negev Desert) یک منطقه بیابانی وسیع در جنوب فلسطین اشغالی است که حدود 60 درصد مساحت این منطقه را در بر می گیرد. این صحرا از شمال به منطقه بئر السبع ، از غرب به صحرای سیناء از شرق به دره عربیه و از جنوب به خلیج عقبه متصل می شود.

² www.khabaronline.ir>news.

ترامپ در بیان سخنانش مبنی بر انتقال فلسطینی ها از غزه به مصر و اردن ، این بود تا برای جلوگیری از فروپاشی کابینه بنیامین نتانیاهو کمک کرده باشد.¹

رئیس ترامپ در سفر اول خود به ولایت کلیفورنیا بتاريخ 26 جنوری 2025 به خبرنگاران گفت : لازم است برای اردن و مصر تا بیشتر فلسطینی ها را بپذیرند و قبول کنند که جنگ اسرائیل در غزه مشکلات انسانی را خلق کرده است.

آقای ترامپ که با خبرنگاران در طیاره « ایرفورس وان / Air Force One » صحبت داشت اضافه کرد که بروز یکشنبه با 27 جنوری با پادشاه اردن عبدالله دوم صحبت داشت و او را خبر داد که بیشتر تعداد از آهل غزه را بپذیرد ، من وقتی که به غزه بشکل کامل نظرمی اندازم ، حالت بی نظمی حاکم است ، بی نظمی واقعی. رئیس ترامپ از اینکه اردن تعدادی از مهاجرین فلسطین را پذیرفته تقدیر نمود و گفت که شاه اردن باید تعداد بیشتر را قبول کند.²

رئیس ترامپ در جواب خبرنگاران که آیا پیشنهادش بصورت مؤقت است یا دائمی (یعنی اخراج آهل غزه بخارج مؤقتی است یا دائمی) ، جواب داد: ممکن است دائمی باشد و یا مؤقت.

رئیس ترامپ اضافه نمود که یک و نیم ملیون شخص از منطقه بیرون شوند ، نمی دانم و لیکن واجب است یک امر واقع شود. و بهتر است با تعداد

1. www.javanonline.ir/005Moa

2. عربی 21 ، 2025/26/1.

از کشورهای عربی تماس گرفته شود تا خانه و سرپناه در امکان و مناطق مختلف ساخته شود تا مهاجرین فلسطین زندگی با صلح در آنجا داشته باشند.

رئیس ترامپ در آخرین مصاحبه خود روز جمعه 2025/2/21 با تلویزیون «فاکس» گفت که پیشنهاد اخراج اجباری فلسطینی ها از نوار غزه در حال حاضر نصیحت و پند برای ملت فلسطین است. نقطه مهم در مصاحبه رئیس ترامپ عدم رضایت از موقف مصر و اردن بود. ترامپ گفت که ما میلیاردها دلار در یک سال برای این دو کشور کمک کردیم. دیده شود که رئیس ترامپ چه موقف در مقابل اردن و مصر در آینده خواهد گرفت.

هدف از اظهارات رئیس ترامپ در مورد نوار غزه، از اشغال و اخراج اجباری قرار دادن کشورهای عربی در تنگه و وضعیت دشوار بود. او میدانست که طرح اش قابلیت تطبیق را در وقت حاضر ندارد. رئیس ترامپ هدفش مجبور کردن کشورهای عربی برای یافتن راه حل مشکلات فلسطین و خصوصاً اعمار مجدد غزه، حل امنیتی و اداره نوار غزه قسمیکه متناسب به مصالح اسرائیل باشد است. اعمار غزه بین 20 میلیارد تا 52 میلیارد دلار ضرورت دارد و رئیس ترامپ میخواهد که کشورهای عربی مبلغ را بپردازند. به عبارت دیگر در بدل اسرائیل که سبب تمام مشکلات غزه است و غزه را ویران کرده اما کشورهای عربی مسئولیت اعمار مجدد آنرا دارند.

اداره جدید ترامپ از کمک های ثابت برای «اسرائیل» بدون اینکه تفصیل سیاست هایش را در شرق میانه بیان داشته باشد خبر داد. آقای ترامپ تأکید کرد که به وزارت دفاع امریکا روز شنبه 2025/1/26 امر نمود تا بمب های

دو هزار رطل که قبلاً رئیس سابق بایدن منع کرده بود به اسرائیل فرستاده شود.¹

وزیر امنیت ملی اسرائیل، آقای «ایتمار بن غفیر» و وزیر مالیات «آقای بتسلئیل سموتريتش» از پیشنهاد رئیس ترامپ استقبال کردند. وزراء راست افراطی اسرائیل نظریه مهاجرت اجباری ملت فلسطین را از غزه بشکل دستجمعی تأیید کردند و از برنامه ای رئیس ترامپ استقبال و وعده ای همکاری دادند. وزراء افراطی در حکومت اسرائیل فکر انتقال اهل غزه را در اماکن دیگر خارج سرزمین فلسطین بهترین راه حل می دانند و می گویند این مهاجرت برای مردم فلسطین زندگی بهتر را آماده می کند و نظروفکر رئیس ترامپ بهترین فکرو نظر است. وزراء بشکل جمعی آمادگی شانرا برای همکاری با صدراعظم ومجلس وزراء برای اجراء مهاجرت اجباری بصورت فوری اعلام داشتند.²

برنامه ای مهاجرت جمعی فلسطینی های مقیم غزه را تعدادی از سیاسیون، بعضی از اعضاء پارلمان در اردن وتنظیم های فلسطین داخل سرزمین های اشغالی بشدت رد کردند.

موقف اردن ، مصر، تنظیم های فلسطینی و کشور های غربی

چهارشنبه 29 جنوری 2025 ، شاه اردن ملک عبدالله دوم در اجتماع با «اورسولا فون دیرلاین / Ursula der Leyen» رئیس کمیسیون اروپا، رئیس پارلمان اورپا «روبرتا میتسولا / Roberta Metsola»، رئیس مجلس اروپا «انطونیو کوست / Antonio Costa» مهاجرت اجباری اهل نوار غزه را رد کرد

¹. 2 هزار رطل تقریباً برابر با 907.2 کیلو گرام.

². الجزيرة 27.2025/1.

و تثبیت حق فلسطینی ها را در سرزمین شان و حل سیاسی باساس قبول دو دولت دانست. شاه اردن تأکید برای وقف آتش بس در نوار غزه و ادامه آن ، و نقش و اهمیت اتحاد اروپا را برای تحقق صلح دائم در فلسطین مهم دانست.¹

ملک عبدالله در سفر به واشنگتن پسر خود را نیز همراه داشت. از اینکه در عقب دروازه های بسته با رئیس ترامپ و اداره آمریکا به چه نوع اتفاق رسیده است اعلان نشده است ، اما قسمیکه از جوابات به خبرنگاران در حضور رئیس ترامپ سه شنبه 11 فبروری 2025 گفت اردن دو هزار طفل مریض را با خانواده های شان استقبال میکند. این اشاره واضح برای قبول یکتعداد از فلسطینی ها بود ، باین معنی که اردن تحت فشار ایالات متحده حاضر شده تعداد از فلسطینی ها را قبول کند.

ملک عبدالله اضافه نمود که مجلس سران کشور های عربی در ریاض در مورد پیشنهادات رئیس ترامپ خصوصاً آنچه ارتباط به اخراج اجباری مردم غزه است تصامیم مشترک می گیرند.

از سخنان ملک عبدالله دوم استنباط می شود که اردن و مصر و عربستان سعودی در تصمیم گیری در باره نوار غزه ، با خواسته ها و اراده رئیس ترامپ همکاری می کنند.

آقای ترامپ به جواب خبرنگاران اظهار داشت که مصر مانند اردن یک تعداد را قبول میکند و اضافه نمود که کشور هایی دوست زیاد هستند که آماده قبول باشند گان نوار غزه هستند.

¹. الجزيرة 29 جنوری 2025.

رئیس ترامپ یکبار دیگر تأکید نمود که امریکا غزه را می گیرد. در جواب خبرنگاران که آیا می خرد ، گفت نه خیر می گیرم و من تجربه زیاد در امور ساختمانی و سرمایه گذاری دارم. غزه را آباد می کنم و فرصت کاری برای تمام مردم شرق میانه بوجود می آید و همچنان جنگ خاتمه می کند و صلح و آرامش در شرق میانه در بدل جنگ ایجاد می شود و مردم فلسطین در جا های دیگر زندگی بهتر می داشته باشند.

یکشنبه 26 جنوری وزیر خارجه اردن پیشنهاد رئیس ترامپ مبنی به اخراج اجباری فلسطینی ها را از غزه بشدت رد کرد. آقای «ایمن الصفدی» وزیر خارجه اردن ، در کنفرانس مطبوعاتی با اشتراک خانم « سیگرید کاگ / Sigrid Kaag¹ هماهنگ کننده سازمان ملل متحد برای روند صلح در خاورمیانه » United Nations Coordinator for the Middle East « Peace Process » صریح و آشکار رئیس ترامپ را در مورد اخراج اجباری اهل غزه بشدت رد و تقبیح کرد. الصفدی ادامه داد و اظهار داشت که حل قضیه فلسطین ، حل قضیه فلسطین است و اردن برای اردنی ها و فلسطین برای فلسطینی ها می باشد و حل حقیقی و صلح، قبول دو دولت (دولت فلسطین و اسرائیل) است.

الصفدی اضافه نمود که اولویت تثبیت وقف جنگ در غزه و داخل شدن کمک ها برای باشندگان غزه بدون توقف و آغاز برای آبادی غزه است. وزیر

¹. سیگرید کاگ « Sigrid Kaag » ، یک دیپلمات و سیاستمدار هلندی است که سابقه برجسته ای در سازمان ملل و دولت هلند دارد. او در رشته های مطالعات خاورمیانه ، علوم سیاسی و روابط بین الملل در دانشگاه های مختلفی از جمله دانشگاه امریکایی قاهره ، دانشگاه اکسفورد و دانشگاه اکستر تحصیل کرده است. کاگ بزبان های عربی ، انگلیسی ، فرانسوی ، آلمانی و هلندی تسلط دارد.

خارجہ اردن ضمناً بیان داشت کہ اردن با ادارہ جدید امریکا مشترکاً در حل قضیہ فلسطین کار می کند.

خانم سیغرید کاگ، گفت کہ فرصت و چانس حقیقی برای تحقق حل این قضیہ، دو دولت می باشد و ملل متحد پابندی کامل برای حل قضیہ بہ اساس دو دولت را دارد.¹

نائب صدر اعظم اردن دکتور ممدوح العبادی پلان رئیس ترامپ را کہ شامل مهاجرت جمعی اہل غزہ است، برنامه ناکام می داند. ممدوح العبادی تأکید دارد کہ اردن برنامه مهاجرت جمعی اہل غزہ را بشدت رد و آنرا پلان زشت امریکا برای تصفیہ قضیہ فلسطین میداند.

سیاسیون اردن بصورت جمع پلان و برنامه رئیس ترامپ را علیہ امنیت اردن تفسیر کردند و گفتند کہ مهاجرت جمعی اہل غزہ امن و صلح و سلامت اردن را بہ مخاطرہ می اندازد. قابل تذکر است کہ نزدیک بہ 40٪ باشندگان اردن را فلسطینی ها تشکیل میدهند.

نویسنده و تحلیلگر سیاسی اردن «عرب الرتناوی» در برنامه تلویزیون الجزیرہ گفت کہ امریکا فشار اقتصادی بالای مصر و اردن وارد میکند، ادارہ ای جدید امریکا تهدید می کند کہ اگر اردن و مصر اہل غزہ را استقبال نکنند کمک های اقتصادی امریکا بہ حالت تعلیق می افتد.

صدر اعظم سابق اردن «طاهر المصری» تأکید می کند کہ مهاجرت فلسطینی ها برنامه امریکا است، چہ حزب دیموکرات و یا جمهوری حاکم باشد.

¹. الجزیرہ 2025/26/1

المصري در برنامه ای الجزیره تأکید داشت که آقای ترامپ اعتقاد دارد که فرصت و وقت آن رسیده تا قضیه فلسطین خاتمه یابد و هجرت فلسطینی ها از خاک شان یک فرصت تاریخی می باشد.¹

با اینکه مضمون مکالمه تلیفونی بین پادشاه اردن و رئیس ترامپ نشر نشده است ، اما تحلیلگران سیاسی باین باور اند که اردن بدون کمک مالی امریکا مشکلات زیادی را متحمل خواهد شد ، از جانب دیگر پادشاه اردن قدرت مخالفت با رئیس ترامپ را ندارد . روز شنبه 26 جنوری ، وزارت خارجه امریکا کمک های خارجی را برای 90 روز به تعلیق آورد. در بیانیه وزارت خارجه آمده که تعلیق مساعدات خارجی شامل تمام کشور ها بشمول اردن است و فقط مصر و اسرائیل شامل این تعلیق نمی باشند. مصر بعد از اسرائیل بزرگترین کمک اقتصادی را از امریکا دریافت می کند. شرط ادامه کمک مالی به مصر ، حمایت مصر از دولت اسرائیل می باشد و این کمک ها از تاریخ امضاء صلح بین اسرائیل و مصر از زمان ریاست محمد انور السادات تا امروز ادامه دارد.²

¹. الجزیره 2025/17/1 / 2025/18/1 / 2025/26/1.

². معاهده کمپ دیوید (Camp David Accords) ، توافق نامه ای تاریخی بود که در سال 1978 بین مصر و اسرائیل با میانجی گری ایالات متحده به امضا رسید. این معاهده نخستین توافق نامه صلح بین یک کشور عربی و اسرائیل بود . به عنوان بخشی از این توافق ، ایالات متحده برای تقویت صلح تعهد به ارائه کمک های اقتصادی و نظامی به مصر و اسرائیل داد. امریکا سالانه حدود 1.3 میلیارد دلار کمک نظامی و حدود 250 میلیون دلار کمک اقتصادی به مصر ارائه می کند. مجموع کمک های امریکا به مصر از زمان امضای معاهده تا به امروز به ده ها میلیارد دلار رسیده است.

اردن بعد از امضاء تفاهم نامه با دولت امریکا در سال 2022 سالانه (1.45) میلیارد دلار امریکایی بشکل مساعدت مالی دریافت میکند.¹ بلا شک قطع مساعدات امریکا مشکلات بزرگ را برای دولت اردن به بار خواهد آورد. اگر کشورهای خلیج عربی و ترکیه اردن را کمک مالی نکنند، پادشاه اردن با رئیس ترامپ در برنامه مهاجرت اجباری همکاری خواهد نمود.²

اردن اولین قربانی تغییرات و تجزیه شرق میانه می باشد. روزنامه ایتالوی «انساید اوفر / Inside Over»³ وضعیت اردن را در تحولات جیوسیاسی شرق میانه به بحث گرفته می نویسد که اردن به سبب سقوط نظام سوریه و ظهور گروه های افراطی در سرحدات شمالی اش مواجه به چالش های امنیتی و اقتصادی بزرگ است.

اردن در منطقه حساس استراتژی قرار دارد که از هر جانب محاصره بین تحولات جیوسیاسی بزرگ در شرق میانه می باشد و امنیت داخلی اردن نظر به موقعیت حساس اش در خطر بزرگ است.

از جانب سوریه تهدیدات امنیتی متوجه اردن است، گروه های افراطی ها میتوانند امنیت اردن را به مخاطره اندازند. از جانب اسرائیل به خاطر

1. در سپتمبر 2022 ایالات متحده و اردن یک یادداشت تفاهم (MoU) امضا کردند. این توافقنامه که از سال 2023 تا 2029 معتبر است، به منظور حمایت از ثبات اقتصادی و امنیتی اردن و تقویت مشارکت استراتژیک بین دو کشور طراحی شده است.

2. لندن، عربی 21، 2025/26/1.

الجزیره 2025/2/1.

3. انساید اوفر، یک پلتفرم خبری ایتالویی است که به تحلیل های عمیق و گزارش های تحقیقی در زمینه های مختلف از جمله سیاست، اقتصاد، فرهنگ و مسائل بین المللی می پردازد.

سیاست توسعه‌ی اش و اشغال منابع آب تهدید می‌شود. اشغال منابع «نهر یرموک» مشکلات بزرگ آب را برای اردن بوجود آورده است. اسرائیل در نقشه‌های جدید قسمت بزرگ خاک اردن را خاک میراثی خود می‌داند. اسرائیل سرپرستی اردن را از مقدسات اسلامی در فلسطین مورد سؤال قرار داده و قدس را بحیث پایتخت ابدی خود میداند.

بازگشت ترامپ به ریاست ایالات متحده، عامل خطر بیشتر برای استقرار و تمامیت ارضی اردن به حساب می‌آید. حضور ترامپ بیشتر سبب افزایش ابهام و بی‌ثباتی در صحنه اسلامی و شرق میانه می‌باشد. در دوره اول ریاست خود آقای ترامپ به قدس بحیث پایتخت اسرائیل اعتراف نمود و سفارت امریکا را به قدس انتقال داد. فیصله‌های او تأثیر عمیق در میزان قوا در منطقه وارد کرد.

در دوره ای دوم، همکاری و حمایت بیشتر امریکا از سیاست‌های توسعه‌ی اسرائیل خصوصاً در غرب کناره نهر اردن سبب انفجار و بروز یک بحران جدید جمعیتی و اجتماعی که اردن را تحت فشار قرار می‌دهد می‌باشد. مهاجرت بیشتر فلسطینی‌ها از کناره نهر غرب اردن، میزان قوای اجتماعی را در اردن تغییر و مشکلات امنیتی و قوت بیشتر اسلام‌گرایان می‌گردد.

حکومت اردن در یک علامیه بیان داشت که کشیدن فلسطینی‌های کناره غرب اردن از فلسطین و فرستادن شان به اردن معنی اعلان جنگ را می‌دهد. حکومت اردن توضیحات بیشتر داده و می‌گوید که مردم اردن سرحدات را بروی مهاجرین بسته می‌کنند و اگر اسرائیل از فشار نظامی کار بگیرد بدون شک اردن با اینکه ضعیف است با اسرائیل داخل جنگ می‌شود.

روزنامه «میدل ایست آی» Middle East Eye «بریتانی تاریخ 4 فبروری 2025 خبر می دهد که اردن آماده جنگ در حالت اجبار فلسطینی ها بالقوه برای هجرت از وطن شان باشد است. میدل ایست آی به نقل از مصادر مطلع در عمان و قدس نقل میکند که اردن آخرین چیزی که بخواهد جنگ است و اردن خواهان حل مسالمت آمیز برای قضیه فلسطین میباشد. اما اصرار دارد در صورتی اخراج فلسطینی ها مردم اردن سرحدات را مسدود می کنند ، و اگر اسرائیل با استفاده از قوت بخواهد سرحدات را باز کند ، این عمل سبب جنگ می شود.¹

جبهه عمل اسلامی، شاخه از حرکت اخوان المسلمین، از موجودیت مهاجرین جدید و عاطفه اسلامی مردم اردن نسبت به فلسطین و مقدسات اسلامی و عداوت مردم نسبت به اسرائیل سود بیشتر میبرد و میتواند در آینده نقش مهمتر را در سیاست اردن بازی کند.

اردن احتیاج و ضرورت ایجاد توازن بین مصالح ملی اش با ولایات متحده و رابطه با اسرائیل و پاسخگویی به مطالب فزاینده مردم خود دارد. در حالت تجزیه خاورمیانه و تنش های منطقه ای ، اردن اساساً به توانایی خود در مانور بین چالش ها وابسته خواهد بود. بدون اینکه کنترل بر ثبات داخلی را از دست بدهد. فشار اسرائیل بالای اردن ، خطر تغییر نظام سیاسی اردن را در پیش دارد ، سقوط نظام شاهی اردن ، ساحه را برای جنبش های آزادی خواه و گروه های جهادی آماده می کند و اردن در بدل استقرار منطقه مرکزی امنیتی نه تنها برای اسرائیل ، بلکه برای نظام سعودی و نظام جدید سوریه خواهد شد.

¹. عربی 21 ، 4 فبروری 2025 نقل از میدل ایست آی.

در نتیجه تجزیه شرق میانه و عدم استقرار اقلیمی ، آینده اردن بشکل اساسی ارتباط به قدرت سیاستمداران و دولت اردن برای حفظ امنیت داخلی دارد.

سه شنبه 29 جنوری ، مارشال السیسی رئیس مصر طی یک برنامه مستقیم تلویزیونی در مورد مهاجرت اجباری باشندگان نوار غزه به جزیره سینا ، گفت که مهاجرت اهل غزه خارج از سرزمین فلسطین ظلم واضح است ، من و مردم مصر این نوع ظلم را قبول نداریم. از 7 اکتوبر 2023 گفتم که مشکل فلسطین ، عدم قبول دو دولت است ، 7 اکتوبر رد ظلم بود.

وزارت خارجه مصر بصورت قاطع مهاجرت اجباری فلسطینی ها را به خارج از سرزمین فلسطین رد کرد. در اعلامیه وزارت خارجه مصر آمده که اخراج اهل غزه بصورت مؤقت و یا دائمی مخالف قوانین بین المللی است و راه حل قبول دو دولت (فلسطین ، پایتخت آن قدس شرقی و اسرائیل) است.¹

وزارت خارجه اردن و مصر ، در اعلامیه های مشترک ، اسم از بیانات ترامپ نبردند. اعلامیه بسیار ضعیف به مقارنه به قضیه مهاجرت اجباری می باشد. مصر وسایل متعدد برای توقف دادن مهاجرت اجباری دارد. کشور های اسلامی ، جامعه اروپا و اتحادیه کشور های افریقا مشترکاً مخالف مهاجرت اجباری و اخراج اهل غزه خارج فلسطین می باشند. مصر میتواند از شرایط بین المللی برای مبارزه با برنامه رئیس ترامپ استفاده کند. مشکل

¹. برای مطالعه متن اعلامیه وزارت خارجه مصر به سایت این وزارت مراجعه شود.
وزارة الخارجية و الهجرة « مصر تتمسك بشواهد و محددات التسوية السياسية للقضية الفلسطينية

این است که مصر را جنرالات که رابطه قوی با اسرائیل و آمریکا دارند اداره می کنند، و رأی و اراده ای مردم مورد ارزش نیست.

آیا رئیس ترامپ با مارشال سیسی رئیس نظامی مصر مثل اینکه با شاه اردن صحبت تیلیفونی داشت، داشت؟ گفته میشود که مکالمه تیلیفونی بود، اما چون صحبت ها سیاسی و آرام نبود لذا خبر آن نشر نشد. وزارت خارجه مصر دو شنبه 27 جنوری خبر مکالمه تیلیفونی بین رئیس ترامپ و مارشال سیسی را نفی کرد. همچنین وزارت خارجه مصر اخبار سفر رئیس سیسی و ملاقات او را با رئیس ترامپ نفی کرد و در اعلامیه وزارت خارجه مصر آمده که اگر موضوع گفتگو در مورد اخراج اجباری فلسطینی های غزه باشد، رئیس سیسی به آمریکا سفر نخواهد کرد.

سفر سیسی به واشنگتن تا اطلاع ثانوی به تعویق افتاده است تا مصر بتواند با هماهنگی کشور های عربی، پاسخی مناسب به این طرح ارائه دهد. نشست اضطراری سران کشور های عربی در 27 فبروری در قاهره دائر می شود، هدف از این نشست ایجاد یک موضع متحد عربی در پاسخ به طرح دونالد ترامپ، مبنی بر کوچاندن ساکنان نوار غزه و تصاحب اراضی آن ها است.¹

¹ fa.alalam.ir. نشست قاهره فرصتی کلیدی برای سران کشور های عربی است تا موضعی مشترک اتخاذ کنند و از طریق اقدامات دیپلماتیک و بین المللی، با این طرح مقابله نمایند. از جانب دیگر فشار آمریکا و اسرائیل ممکن است از طریق دیپلوماسی و فشار اقتصادی مانع از اتخاذ تصمیمات قاطع از سوی کشورهای عربی شوند. نبود اتحاد کامل در جهان عرب، شکاف های سیاسی میان کشور هایی عربی ممکن است مانع از اقدام مؤثر شود. تجربه نشان داده که سران کشور های عربی در هیچ مورد به موفقیت دست نیافته بودند.

مصر از اظهارات مقامات امریکایی و اسرائیلی در خصوص این طرح خشمگین است. قاهره تأکید کرده که هیچ زمینی برای اسکان ساکنان غزه اختصاص نخواهد داد و به عدم اخراج آن‌ها پایبند است.

مخالفت‌های مصر به طرح رئیس ترامپ به اعمال فشارهایی از سوی وزارت دفاع امریکا (پنتاگون) بر مصر شده است که پنتاگون تهدید کرده در صورت ادامه مخالفت مصر با این طرح، ممکن است کمک‌های نظامی به ارتش مصر را متوقف کند.¹

کشورهای عربی در اعلامیه مشترک دعوت رئیس ترامپ را برای مهاجرت فلسطینی‌ها رد کردند. روز شنبه 1 فبروری 2025 در اعلامیه مشترک وزراء خارجه مصر، اردن، امارات عربی، عربستان سعودی، قطر، رئیس کمیته اجرائی فتح و سکریتیر جنرال جامعه دول عربی طرح رئیس ترامپ برای مهاجرت اجباری و اخراج مردم فلسطین از وطن‌شان را بشدت رد نمودند و حل قضیه فلسطین را مربوط به تأسیس دولت مستقل فلسطین در جوار اسرائیل گفتند.²

اتحادیه کشورهای عربی (جامعه دول عربی) یک مؤسسه‌ای شکلی و فاقد صلاحیت و اعتبار می‌باشد.

¹. isna.ir، خبرگزاری ایران

². جامعه الدول العربیة، اتحادیه کشورهای عربی، در مارچ 1945 تأسیس شد و کشورهای عربی در آسیا و آفریقا را در بر می‌گیرد. مقر اصلی این سازمان در قاهره، مصر قرار دارد و در حال حاضر 22 کشور عربی عضو آن هستند.

بعد از معاهده کامپ دیوید بین مصر و اسرائیل، کشورهای عربی رابطه‌شان را با مصر قطع کردند و در مقابل رئیس السادات عمارت جامعه دول عربی را به دفتر سیاسی افغانستان

دوشنبه رئیس ترامپ در مورد عدم قبول مصر و اردن از مهاجرین غزه گفت: امید دارم که السیسی تعداد از فلسطینی های غزه را قبول می کند، ما ایشان را کمک بسیار کردیم و من متأكد هستم که السیسی ما را کمک میکند.¹

مارشال السیسی و ملک عبدالله پادشاه اردن در موقف قوی نه داخلی و نه خارجی هستند که طلب رئیس ترامپ را رد کنند. اصدار بیانات رسمی اردنی و مصری غیر واقعی و به هدف استفاده داخلی و آرامش خیابان میباشد. مارشال السیسی دو راه در پیش دارد: قبول تعداد از فلسطینی ها در جزیره سینا. یا قطع مساعدات امریکا و حمایت امریکا از نظام عسکری مصر. در هر دو حالت السیسی و نظام فاشیست او سقوط می کند.

در حالت قبول مهاجرین فلسطین، مقاومت از غزه به سینا انتقال میکند. مبارزه علیه اسرائیل در بدل غزه از جزیره سینا شروع میشود و مصر به حکم واقعیت مجبور به دفاع از خاک مصر میشود و با اسرائیل درگیر می شود. همچنان مبارزین مصری با حرکت آزادی خواه فلسطین یکجا شده خطر حقیقی برای نظام عسکری مصر می شود.

غزه دیوار حمایت برای مصر است، امنیت ملی مصر ارتباط مستقیم به وجود غزه مستقل دارد، اگر امریکا موفق شود، غزه را تصرف کند و باشندگان غزه را بیرون سازد، امنیت ملی مصر به مخاطره می افتد و امنیت ملی مصر مکشوف میشود، سقوط غزه مرحله اول و مقدمه سقوط مصر است. امریکا

تبدیل نمود. و مرحوم محمد هارون المجددی سکرتر جنرال اتحادیه ملت های عرب و مسلمان ریاست آنرا به عهده داشت و دفتر افغانستان نیز در همین عمارت بود.

¹. عربی 21 نقل از خبرگزاری «اکسیوس»، لندن 28 جنوری 2025.

به تنهایی غزه را تصرف نمی کند ، امریکابه وکالت از اسرائیل غزه را تصرف می کند.

درحالت عدم قبول، امریکا حمایت مالی وعسکری و استخبارتی را از نظام مصر بر میدارد. عدم حمایت مالی و استخباراتی و عسکری ساحه را برای مخالفین مارشال السیسی مساعد می سازد و سقوط نظام عسکری سرعت می گیرد.

پادشاه اردن مانند السیسی رابطه قوی با امریکا دارد و در حمایت مالی و سیاسی و استخباراتی امریکا در اردن حکومت می کند. قبول مهاجرین فلسطین نظام اجتماعی اردن را بر هم می زند وفلسطینی ها اکثریت را در اردن تشکیل می دهند. مهاجرین فلسطین با حمایت اردنی ها مبارزه با اسرائیل را از داخل فلسطین به اردن انتقال می دهند.

در هر دو حالت «حالت مصر و اردن» ، کشورهای خلیج عربی مانند عربستان سعودی و امارات و بحرین با طرح ترامپ برای مهاجرت اجباری و تصفیه مبارزان فلسطین و اخوان المسلمین اتفاق نظر دارند و در این مورد با اسرائیل اتفاق نظر کامل است. نظام مصر و اردن میدانند که کشورهای خلیج عربی از ایشان حمایت نمی کنند ، لذا به مصلحت هر دو نظام است تا با طرح ترامپ همکاری کنند.

مملکت عربستان سعودی با موقف اسرائیل و امریکا در مبارزه با حماس و حرکت های اسلامی توافق مبدائی و کامل دارد. موقف رسمی عربستان سعودی حمایت از فلسطین میباشد ، اما متأسفانه بین موقف رسمی و غیر رسمی تفاوت زیاد میباشد. امیرالولید بن طلال ، عضو مهم خانواده حاکمه و ملیاردر سعودی بصراحت اظهار داشت که دیدن نابودی حماس بطور کامل

امید و آرزوی ما است و امید باز شدن صفحه جدید را داریم و آنچه اسرائیل مرتکب شد فراموش شود.

امیرالولید بن طلال در برنامه ژورنالیست معروف امریکائی «تاکر کارلسون»، (Tucker Carlson Network CTN)، در جواب سؤالی که آیا مردم در سعودی آمریکا را مسئول حوادث غزه می دانند؟ گفت: متأكد نیستم که مردم سعودی آمریکا را مسئول واقعات و حوادث فلسطین بدانند، یقین دارم که بایدن و ترامپ شاید خوشحال نباشند. 7 اکتوبر یک حرکت تروریستی بود، ما باید آنچه واقع شد پشت سر بگذاریم و فصل جدید را در شرق میانه باز نماییم. نظام سوریه را محدود سازیم و حماس را نابود کنیم، و حزب الله را بی اثر سازیم. بدون شک سخنان امیر الولید با اینکه موقف رسمی عربستان سعودی نیست، اما میتواند گفت که سخنان خانواده ای حاکمه سعودی می تواند باشد.

سفیر جدید اسرائیل در واشنگتن «یحییئیل لایتر» می گوید که اسرائیل از هر وقت دیگر برای قائم کردن روابط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی با مملکت عربستان سعودی نزدیکتر است. او اضافه نمود که ما با عربستان از هر وقت دیگر نزدیکتر شدیم، ضعیف شدن حماس، سقوط بشار اسد، ضعیف شدن ایران به نفع ما و عربستان تمام شد.

سفیر اسرائیل اضافه میکند که بسیار کشورها مثل عربستان سعودی با اسرائیل در ضعیف بودن حماس و محاصره اخوان المسلمین متفق میباشند، حماس و اخوان المسلمین مانع پیشرفت میباشند، ضعیف شدن این دو گروه سبب ترقی و اعتدال در مصر، سودان و ترکیه شد.

اخوان المسلمین و حماس و نهضت تونس در قوانین عربستان سعودی، مصر، امارات عربی و بحرین در لست حرکت های تروریستی میباشند. فعالیت های شان ممنوع و اعضای شان محکوم به زندان و اعدام اند.

عربستان سعود درک می کند که شکست و هزیمت این عناصر امر اساسی برای ترقی و مدرن شدن است و قبل از 30 سال امکان مناقشه این امور نبود.¹ حکومت اسرائیل اعلان کرد (البانیا) 100 هزار مهاجر را از غزه بعد از مذاکره با اداره جدید امریکا می پذیرد.

صدرا عظم البانیا «یدی راما / Edi Rama» اخبار را نفی کرد. او در صفحه «اکس» خود نوشت: «از مدت طولانی این نوع اخبار غلط را نشینده بودم، بسیار اخبار و اطلاعات ساختگی در این اواخر به نشر می رسد، این خبر مطلقاً غیر صحیح است.

او اضافه کرد که با تمام احترام و همکاری با مردم غزه، از شما دعوت می نمایم که از البانیا هیچ مرجع این مطلب را نخواستہ است و حتی ما نمی توانیم در این مورد تفکر نمایم و مسئولیت این مورد را متحمل شویم.

ما به دوستی و صداقت قوی خود با اسرائیل، امارات عربی متحده، مملکت عربستان سعودی، کویت و قطر افتخار داریم، همچنان ملت فلسطین که البانیا از مدت ها قبل به دولت فلسطین اعتراف کرده بود».²

¹. لندن، عربی 21، 1/25/2025. برای مطالعات بیشتر مراجعه شود: «جیروزالیم پیوست»،

«یدی عوت» «معاریف» تاریخ 28 جنوری 2025.

². Edi Rama @ediramaal، اصل نوشته بزبان انگلیسی میباشد. صدرا عظم البانیا از سال 2013 به عنوان صدرا عظم این کشور فعالیت می کند و رهبر حزب سوسیالیست البانی است

خبرنگار اسرائیلی «امیت سیغال / Amit Segal» راپور داده بود که اداره رئیس دونالد ترامپ، با حکومت البانیا در «تیرانا» داخل مذاکره است تا البانیا 100 هزار مهاجر غزه را قبول کند و همچنان مذاکره با حکومت اندونسیا در همین مورد جریان دارد.¹

حرکت اسلامی (حماس)، از جامعه دول عربی، و تعاون اسلامی دعوت کرد تا مهاجرت اجباری اهل غزه و فلسطینی ها رد کنند. در اعلامیه حماس آمده که کشور های اسلامی و عربی مردم فلسطین را در تأسیس دولت مستقل پایتخت آن قدس شرقی کمک و همکاری نمایند.²

اظهارات و پیامهای سران کشور های عربی دو نوع است: یکی برای داخل و مردم شان و دیگری برای خارج. برای داخل و مردم شان حمایت از فلسطین و برای خارج همکاری برای سرنگون ساختن حماس و مقاومت فلسطین.

دعوت رئیس ترامپ از معامله قرن تا دعوت برای اخراج اجباری مردم غزه و پاکسازی نژاد عرب در نوار غزه.³

در سپتمبر 2021 اعلام کرد که کشورش آماده پذیرش و قبول تعدادی از پناهجویان افغان و اعطای پناهندگی به آنها است.

¹. الجزيرة 2025/28/1. امیت سیغال خبرنگار شبکه 12 تلویزیون اسرائیل است. شبکه 12 مهمترین شبکه خبری در اسرائیل میباشد.

². لندن، عربی 21، 2025/26/1.

³. این عنوان به انتقال تمرکز یا تغییر رویکرد ترامپ از طرح صلح موسوم به معامله قرن به موضوع یا اقدامی که به نوعی «پاکسازی عربی» در غزه تعبیر شده، اشاره دارد.

تحت این عنوان مقالات و تحلیلات مهم سیاسی در جرائد عربی و غیر عربی در این چند روز به نشر رسیده است. نظر به اهمیت آن برای آینده شرق میانه از تحقیقات نشر شده در این تحقیق استفاده می شود.

از ناحیه تاریخی، امریکا ادامه امپراطوری رومانی با تفاوت زمان و مکان و قوه سیاسی و اقتصادی و عسکری و پیشرفت تکنالوجی میباشد.

امریکا استعمار نو « Neocolonialism » را در جهان امروز رهبریت میکند. امریکا مستقیم و یا غیر مستقیم بر کشور های ضعیف تر تأثیر دارد. و برخلاف استعمار قدیم، از طریق ابزار های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و دیپلوماتیک بالای اکثر کشور ها حاکمیت دارد. در عصر حاضر کشور استعمارگر به جای اشغال مستقیم، از طریق شرکت ها، قرضه های بین المللی مانند بانک جهانی، معاهدات تجارتی، و نفوذ فرهنگی، کنترل خود را بر کشور حفظ می کند.

معامله قرن (صفة القرن)

رئیس ترامپ در دوره اول ریاست خود طرحی بنام معامله قرن را در جنوری 2020 به هدف حل قضیه فلسطین پیش نمود. این طرح شامل بند هایی در باره غزه بود که موارد ذیل را در بر می گرفت:

1. زیر ساخت و توسعه: سرمایه گذاری های کلان برای غزه در صورت قبول طرح.
2. خلع سلاح گروه های مقاومت فلسطین به ویژه حماس در غزه یکی از شروط اصلی و بند مهم در این طرح بود.
3. ارتباط غزه به مناطق دیگر: ارتباط غزه از راه زمینی به مناطق دیگر مانند کرانه باختری نهر اردن.

4. حاکمیت اسرائیل: این طرح حاکمیت اسرائیل را بر سرحدات غزه حفظ می کرد، به این معنی که اسرائیل کنترل بر فضای دریایی و هوایی بصورت کامل میداشته باشد.

این طرح با مخالفت گسترده فلسطینی ها و گروه های مقاومت در غزه روبه رو شد و جانبداری از اسرائیل و نقض حقوق فلسطینی ها تفسیر شد.

آقای ترامپ بعد از انتخاب اش در 2016 تعهد سپرد که برای تحقیق صلح در شرق میانه سعی میکند. او طرح معامله قرن را معرفی کرد و گفت که من صانع معاملات هستم. معامله قرن با اینکه زعمای بعضی کشورهای عربی مانند عربستان سعودی و امارات و مصر آنرا پذیرفتند در دوره اول ریاست آقای ترامپ عملی نشد.¹

دلایل مختلف برای عدم تطبیق معامله قرن در دوران ریاست اول ترامپ بود که تطبیق برنامه را به تأخیر انداخت ، میتوان عوامل مختلف را بصورت مختصر این طور بررسی کرد:

1. فلسطینی ها این طرح را به عنوان یکجانبه و جانبداری از اسرائیل تعبیر کردند.

2. عدم حمایت کشورهای عربی ، با اینکه برخی کشورهای عربی مانند امارات و بحرین روابطشان را با اسرائیل عادی کردند ، اما کشورهای کلیدی مانند اردن و مصر از معامله قرن حمایت نکردند. عربستان سعودی موضع دو گانه داشت ، با اینکه با دولت اسرائیل معامله سری

¹. صانع معاملات یعنی کسی که نقش فعالی در شکل گیری و اجرای معاملات، توافقات یا قراردادها دارد.

داشت و ولی العهد محمد بن سلمان سرّاً از اسرائیل دیدن کرد، اما بصورت علنی معامله قرن را حمایت کرده نتوانست.

3. معامله قرن بیت المقدس را به عنوان پایتخت اسرائیل شناخت و کرانه باختری تحت کنترل اسرائیل باقی می ماند.

4. با تغییرات سیاسی در امریکا، پس از پیروزی جو بایدن، این طرح عملاً کنار گذاشته شد.

معامله قرن یک طرح کاملاً به مصلحت اسرائیل بود و موقعیت نظامی و سیاسی اسرائیل را تقویت می کرد.

در هفته اول ریاست جمهوری دوم خود رئیس ترامپ طرح جدید را بنام «پاکسازی نژاد عرب در نوار غزه» به عبارت دیگر مهاجرت اجباری فلسطینی ها را از غزه طرح نمود.

او یک هفته بعد از بازگشت به قصر سفید و آغاز دور دوم ریاست امریکا گفت: پادشاه اردن ملک عبدالله دوم را تلیفونی اطلاع دادم که کشورش فلسطینی های غزه را استقبال کند، و اضافه نمود که همین مطلب را از رئیس مصری عبدالفتاح السیسی نیز کردم و از ایشان دعوت نمودم تا 1.5 میلیون فلسطینی مقیم در غزه را قبول کنند.

رئیس ترامپ بعد از ملاقات با صدراعظم اسرائیل طرح مؤقت خود را تغییر و نقشه جدید را برای فلسطین و شرق میانه معرفی نمود. او در کنفرانس مطبوعاتی مشترک با بنیامین نتنیاهاو شام سه شنبه 4 فبروری گفت کشورش اراده دارد تا بالای قطاع غزه تسلط کامل داشته باشد. رئیس ترامپ اضافه کرد که ولایات متحده سیطره کامل بالای غزه میداشته باشد. و برنامه اقتصادی را در نوار غزه به هدف ایجاد تعداد از وظایف و مسکن برای باشندگان منطقه تطبیق می کند.

رئیس ترامپ گفت غزه ممکن است (بعد از سیطرت کامل) «ریفیرا» Riviera «شرق میانه شود. او از امکان نشر قواوت امریکایی برای کمک به ساختار غزه نیز یاد کرد و توقع می‌رود که ولایات متحده «مالکیت طویل‌المدت» غزه را بدست آورد.¹

در همین مصاحبه رئیس ترامپ گفت که بسیار کشورهایی دوست هستند که می‌خواهند فلسطینی‌های نوار غزه را قبول کنند.

رئیس ترامپ دو پیشنهاد دیگر را با قبول مهاجرت اجباری به کشورهایی عربی و منطقه به این عنوان مطرح ساخت:

1) اینکه در آینده غزه، حرکت حماس هیچ حصه نداشته باشد و غزه توسط قوای عربی و سلطه فلسطینی زیر نظر اسرائیل و کشورهایی دوست اداره شود.

2) رئیس ترامپ وزیر خارجه اش را به عربستان سعودی و امارات عربی فرستاد و از حکومت‌های عربی خواست تا پلان شان را در مورد غزه و عدم قبول مهاجرت اجباری پیشکش نمایند.

کشورهای عربی به عدم تسلیم کردن غزه به حرکت حماس با امریکا و اسرائیل کاملاً توافق دارند، اما در مورد مهاجرت اجباری متفق نیستند. دو منبع رسمی در قاهره می‌گویند که انتظار می‌رود رئیس نظام مصر عبدالفتاح السیسی روز پنجشنبه به ریاض سفر کند. کشورهای عربی توافق کرده‌اند

¹ Riviera، به نوار ساحلی زیبایی اطلاق می‌شود که به عنوان منطقه‌ای لوکس و گردشگری شناخته می‌شود. این اصطلاح بیشتر برای ریویرا ایتالیا و ریویرا فرانسه استفاده می‌شود.

که برای اعمار نوار غزه 20 ملیار دالر سرمایه گذاری کنند بشرط که رئیس ترامپ از موضوع مهاجرت اجباری صرف نظر کند.

منابع رسمی در مصر می گویند که زعمای کشور های عربی در مورد مشارکت هر کشور در منطقه برای اعمار نوار غزه که مدت سه سال را در بر می گیرد گفتگو می کنند.

وزیر خارج اسرائیل « جدعون ساعر » می گوید که اسرائیل برای طرح پیشنهادی کشور های عربی انتظار دارد ، او اضافه کرد اگر در طرح قبول زعامت حماس در غزه باشد ، اسرائیل آن را نمی پذیرد ، و زمانی که از مضمون برنامه و طرح آگاهی بدست آوریم در مورد تعامل با آن صحبت خواهیم داشت.¹

با روی کار آمدن ترامپ، جغرافیای سیاسی از مرحله نفوذ به تسلط کامل دگرگون شد و تغییرات هندسه نقشه سیاسی از نتانیاهو به ترامپ منتقل گردید.

هندسه نقشه سیاسی و جغرافیای سیاسی در هر زمان قابل تغییر می باشد و در جغرافیای سیاسی و هندسه سیاسی همیشه در طول تاریخ کشور های عقب مانده و ضعیف متضرر می شوند.

بعد از سقوط المان در جنگ جهانی دوم ، بعضی ها باین عقیده بودند که جغرافیا سیاسی ختم شد. اما متفکران و استراتژی سازان مثل « پیتربیلور / Peter Taylor » ، جغرافیای قدرت را معرفی کردند و به نحوه ای شکل گیری و توزیع قدرت در سطح جهانی ، به ویژه پس از جنگ جهانی دوم را

¹. لندن- عربی 21 ، 18 فبروری 2025.

مطرح ساخت. او ولایات متحده را که از جنگ جهانی دوم به پیروزی بیرون شده بود، بزرگترین قوه ای جهانی می دانست. و همچنین نظریه فرض صلح با استفاده از قدرت ضمن جغرافیا سیاسی شناخته شد.

در جمله این مفاهیم مفهوم «سرحد شفاف»، یعنی فرض تسلط اقتصادی و عسکری بدون تسلط مستقیم بالای زمین یا قلمرو. این مفهوم را تیلور بنام «جغرافیای تسلط بدون امپراطوری» یاد کرد.¹

رئیس ترامپ کوشش دارد تا از نفوذ به سلطه و از مرزهای شفاف به سلطه ای خشن انتقال کند. به عبارت دیگر به سمت سلطه ای سخت و خشونت آمیز حرکت کند. روی این نظریه او کانادا را ولایت 51 آمریکا، نه شریک تجارتی و همسایه حساب می کند و همچنین جزیره «گرینلند» و کانال «پاناما»²، را خاک آمریکا می داند و اخیراً نوار غزه را برای سرمایه گذاری های بزرگ می خواهد.³

1. دکتر عاصم عبدالشافی، الجزيرة 2025/5/2. همچنین دیده شود: دکتر عمار علی حسن، السلام عبر القوة. ما كان يقصد ترامب؟ الجزيرة 2025/18/1

2. کانال پاناما اقیانوس اطلس را به اقیانوس آرام متصل می کند و در کشور پاناما واقع شده است. این کانال نقش حیاتی در تجارت جهانی دارد و مسیر حمل و نقل دریایی را بطور قابل توجهی کوتاه می کند.

جزیره گرینلند در شمال اقیانوس اطلس و اقیانوس منجمد شمالی واقع شده است. این جزیره در شرق کانادا، شمال اقیانوس اطلس و غرب ایسلند قرار دارد، از نظر سیاسی، گرینلند بخشی از قلمرو دنمارک است، اما از نظر جغرافیای، بخشی از قاره آمریکای شمالی است.³ پیترو تیلور در تحلیل های جغرافیای سیاسی به ابعاد اقتصادی و نظامی توجه زیاد داشت. او به ویژه در زمینه تحلیل روابط قدرت بین کشورها و تأثیرات آن بر نقشه جهانی، مفاهیم جدیدی را مطرح کرد که در بردارنده تأثیرات اقتصادی و نظامی بر تحولات سیاسی بود.

تعداد از منتقدان طرح رئیس ترامپ میگویند که نوار غزه جزء خاک فلسطین است، نه قطعه زمین از خاک امریکا. یک گروه از سیاستمداران و روشنفکران کشورهای عربی و اسلامی توجه به تاریخ سیاسی ندارند. فرانسه و انگلستان فلسطین را به یهودان اهداء کردند با اینکه فلسطین جزء خاک انگلستان نبود، و دنیا به این تقسیم مخالفت نکرد و امریکا و کشورهای اروپایی بشمول روسیه بسرعت به دولت اسرائیل اعتراف نمودند. جای شک نیست که بزودی تعداد از کشورهای طرح رئیس ترامپ و اشغال دائمی غزه اعتراف می کنند. طرح رئیس ترامپ، برنامه جدید نیست و میتوان گفت که ادامه برنامه سایکس پیکو میباشد که بعد از صد سال اجراء می شود. اگر اشغال کامل فلسطین و سینا مصری و اردن و شمال لبنان و جزء از خاک سوریه و ترکیه در قرن 21 تکمیل نشود یقین است که در قرن 22 اجراء خواهد شد.

ضعف ملت عرب و امت اسلامی بصورت کل، خیانت زعمای عرب، ناتوانی علمای اسلام بهترین وقت و فرصت برای زمامداران اسرائیل جهت بزرگ شدن است. اگر اسرائیل از این فرصت استفاده نکند فرصت را از دست میدهد. ائتلاف یهودیت - عیسویت، ائتلاف قوی در حال حاضر میباشد، اسرائیل، امریکا و اروپا را راست افراطی کنترل می کند.

تیلور بر این باور بود که قدرت اقتصادی و نظامی نقش کلیدی در شکل گیری و تحولات جغرافیای سیاسی دارند. در وقت حاضر امریکا با قدرت اقتصادی و نظامی میتواند تأثیرات زیادی بر نقشه سیاسی جهان خصوصاً در شرق میانه وارد کند.

*مرزهای شفاف به مفهومی اشاره دارد که در آن مرزهای بین کشورهای مناطق به گونه ای هستند که نفوذپذیر، باز یا کمتر سخت گیرانه به نظر می رسند. این اصطلاح معمولاً در زمینه های جغرافیای سیاسی، اقتصادی، و روابط بین الملل به کار می رود.

طرح رئیس ترامپ برای مهاجرت اجباری و یا کوچ اجباری اهل غزه با مخالفت های زیاد در داخل امریکا ، اروپا و شرق میانه مواجه شد. معاون اسبق وزیر خارجه امریکا «دیوید ماک / David Mac» در شئون شرق میانه و متخصص در مجلس اتالنتیک ، به الجزیره گفت که طرح ترامپ فاقد مسئولیت است و به درجه ارتقاء به پاکسازی یا تصفیه نژادی می رسد ، و غیر قابل قبول برای باشندگان نوار غزه و حکومت اردن و مصر میباشد.¹

سناتور «بیرنی ساندرز / Bernie Sanders» دعوت رئیس ترامپ را برای مهاجرت اجباری باشندگان غزه تشبیه به پاکسازی و تصفیه نژادی و جنایت جنگی کرد. او از تمام مردم امریکا خواست تا طرح مهاجرت اجباری فلسطینی ها را از غزه تقبیح نمایند.

سناتور جمهوری «لیندسی اولین گراهام / Lindsey Olin Graham» دعوت روز یکشنبه ترامپ را برای مهاجرت اجباری ساکنان غزه به کشورهای دیگر غیر عملی دانست. او در مصاحبه با شبکه «سی ان ان / CNN» گفت : به هر حالت از امارات عربی، سعودی و مصر در مورد آینده فلسطینی ها پرسیده شود که آیا آنها یعنی فلسطینی ها می خواهند بیرون شوند ، من اعتقاد دارم که آنها می خواهند زندگی با کرامت و با امن داشته باشند²

استاذ دانشگاه های امریکا در واشنگتن و متخصص در شئون شرق میانه «دکتور گریگوری افتاندیلیان / Grigory Afandilyan» ، شک به قدرت واشنگتن برای تطبیق عملی طرح بالای مصر و اردن دارد.

¹ . دیوید ماک یکی از مقامات وزارت امور خارجه امریکا و معاون وزیر خارجه اسبق این کشور در امور آسیای جنوبی و مرکزی بود.

² . عربی 21 ، لندن ، 28 جنوری 2025.

طرح دونالد ترامپ، رئیس جمهور امریکا، برای انتقال ساکنان نوار غزه به کشورهای همسایه با واکنش شدید و منفی تعدادی از کشورهای اروپایی نیز مواجه شده است.

جرمنی: اولاف شولتس، صدراعظم جرمنی، این طرح را «غیر قابل قبول» دانست و تأکید کرد که اخراج مردم غزه به کشورهای دیگر پذیرفتنی نیست¹.
فرانسه: وزارت خارجه فرانسه در بیانیه ای اعلام داشت که برنامه ترامپ برای انتقال ساکنان نوار غزه به سایر کشورهای غیر قابل قبول بوده و بارهکار دو دولتی و حقوق بین الملل در تضاد است².

بریتانیا: سخنگوی صدراعظم بریتانیا نیز این پیشنهاد را رد کرد و تأکید داشت که فلسطینی ها باید به خانه ها و سرزمین خودشان در غزه بازگردند و آن جارا با سازی کنند³. صدراعظم بریتانیا در بیانیه اش در مجلس لوردات مهاجرت اجباری فلسطینی ها را خارج وطن شان بشدت انتقاد کرد و گفت که از نظر حکومت بریتانیا حل مشکل فلسطین قبول دو دولت است و بریتانیا آماده همکاری و کمک برای فلسطینی ها میباشد.

اسپانیا: خوسه مانوئل البارس، وزیر خارجه اسپانیا، اظهار داشت غزه و ساکنان آن باید در همان جا بمانند و برای ساختن زندگی جدید تلاش کنند⁴.
این واکنش ها نشان دهنده مخالفت گسترده کشورهای اروپایی با هر گونه جابجایی اجباری ساکنان غزه و تأکید بر حل های مبتنی بر حقوق بین الملل و

¹. Welt.de / donya-e-eqtasad.com

². fararu.com

³. همان مرجع

⁴. irna.ir

راهکار دو دولتی است. مخالفت های کشور هایی اروپایی قویتر و شدیدتر به مقارنه با مخالفت های کشور های عربی می باشد.

توضیحات مسئولین اداره رئیس ترامپ در مورد مهاجرت اجباری باشندگان نوار غزه:

مسئولین اداره جدید امریکا هدف از طرح پیشنهادی رئیس ترامپ را توضیحات بیشتر می دهند. روزنامه « وول ستریت جورنال / The Wall Street Journal » به نقل از مسئولین اداره رئیس ترامپ می نویسد ، ولایات متحده و شرکاء منطقوی اش ضمانت ها برای بازگشت فلسطینی ها تقدیم کنند ، و ضمانت بازگشت میتواند فکر مهاجرت اجباری را از ناحیه سیاسی برای کشور های عربی قابل قبول سازد.

مسئولین در اداره جدید در مورد طرح رئیس ترامپ اضافه می کنند که نوار غزه منطقه غیر امن و غیر صالح است و مواد متفجره برای باشندگان خطر بزرگ می باشد. آبادی غزه بوقت بیشتر ضرورت دارد ، مهاجرت اهل غزه ضمیمه آبادی را آسانتر می سازد.

غزه مکان غیر مناسب است و ممکن نیست از مردم غزه خواست در جای زندگی کنند که قابلیت زندگی را ندارد. دادن ضمانت برای عودت به نوار غزه البته بعد از هجرت و بعد از مذاکره با شرکاء در منطقه راه مناسب می باشد.

نماینده امریکا برای شرق میانه آقای « ستیف ویتکوف / Steve Witkoff » ، و مشاور امنیت ملی در اداره رئیس ترامپ آقای « مایک والتز / Mike Waltz » بتاريخ 4 فبروری در باع قصر سفید به خبرنگاران گفتند که اعادت

آبادی نوار غزه بیشتر از 5 سال را در برمی گیرد و اضافه کردند طرح امریکا برای نوار غزه در وقت حاضر منطقی میباشد.¹

استقبال اعضای افراطی راست در حکومت اسرائیل از طرح رئیس ترامپ سبب شد تا یک تعداد از آن حمایت نکنند. هدف طرح رئیس ترامپ از انتقال فلسطینی های غزه، منتقل شدن شان در مناطق امن تر و بدون خشونت است.

جوردون سوندلاند / Gordon Sondland، سابق سفیر ایالات متحده در اتحادیه اروپا در دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ از سال 2018 تا 2020 بود می گوید که رئیس ترامپ برنامه های نوسازی را در منطقه در جریان مذاکرات در باره توافق نامه های ابراهیمی داشت، تا جای که ضمانت های قوی و صریح برای بازگشت فلسطینی ها به منازل شان در غزه باشد، در این حالت طرح ترامپ «ایده فوق العاده» است.²

وب سایت خبری «اکسیوس / Axios» از زبان رئیس ترامپ خبر میدهد که رئیس ترامپ روز بعد از طرح پیشنهادی اش با رئیس مصر عبدالفتاح السیسی در مورد انتقال فلسطینی های نوار غزه به مصر صحبت کرده بود. خبرگزاری اکسیوس اضافه میکند که ترامپ اظهار داشت که رئیس مصر و شاه اردن از باشندگان نوار غزه استقبال می کنند.³ تحولات جدید در مسأله باشندگان نوار غزه و دادن ضمانت برای عودت شان به غزه است. آقای ترامپ در آخرین اظهاراتش با ملک عبدالله در این مورد نیز با صراحت اظهار داشت

¹. الجزيرة 4 فبروری 2025، من مستقیماً سخنان شان را از تلویزیون استماع نمودم.

². لندن، عربی 21، 27 جنوری 2025 اقتباس از روزنامه «وول ستریت جورنال»

³. الجزيرة، 28، جنوری 2025. وب سایت اکسیوس، در میان سیاست مداران، مدیران اجرایی و روزنامه نگاران محبوب است.

و گفت که بازگشت به غزه نیست و مهاجرت دائمی می باشد. اگر طرح رئیس ترامپ تطبیق عملی در وقت حاضر نشود، اما این فکر و طرح باقی می ماند و مهمترین برنامه برای اسرائیل و حامیانش در منطقه و خارج منطقه میباشد. برای امریکا و اسرائیل تطبیق طرح مهم است نه توقیت تطبیق آن. صهیونیست ها قبل از اشغال فلسطین و تأسیس دولت یهودی در سرزمین فلسطین طرح آن را در کنفرانس سویس گرفته بودند و بعد از سالها انتظار تحقق یافت.

کنفرانس یهودیان در سویس که به نام نخستین کنگره صهیونیسم شناخته می شود، در شهر «بازل»، سویس به تاریخ 29 تا 31، 1897 برگزار شد. این کنگره به رهبری «تئودور هرتزل» بنیان گذار جنبش صهیونیسم، تشکیل شد.

مهمترین تصامیم که در این کنگره گرفته شد عبارت بود از:

1. ایجاد یک «خانه ملی یهودیان» در فلسطین با حمایت بین المللی.
2. تشکیل سازمان جهانی صهیونیسم برای پیگیری این هدف.
3. ایجاد صندوق مالی برای خرید زمین در فلسطین و مهاجرت یهودیان به آنجا.

4. تشویق مهاجرت یهودیان به فلسطین و بناء مساکن برای ایشان.
- همچنان تصمیم گرفته شد تا برای خریداری فلسطین با دولت ترکیه تماس گرفته شود، و از فرصت قرضداری سلطان عثمانی سلطان عبدالحمید دوم از اروپا استفاده شود. فلسطین در آن زمان جزء خلافت عثمانی بود.

در سال 1901، هرتزل با سلطان عبدالحمید دوم، سلطان عثمانی، دیدار کرد و پیشنهاد داد که یهودیان بدهی های سنگین سلطان را بپردازند، مشروط بر اینکه سلطان اجازه دهد یهودیان به طور گسترده در فلسطین مستقر شوند.

سلطان عبدالحمید این پیشنهاد را قاطعانه رد کرد و اعلام داشت: «من سرزمین‌های خلافت عثمانی را مانند یک لباس کهنه نمی‌فروشم. فلسطین جزئی از خاک اسلام است». پس از سرنگونی عبدالحمید دوم در 1909، و ضعیف شدن امپراطوری عثمانی، نفوذ جنبش صهیونیسم افزایش یافت و در نهایت پس از جنگ جهانی اول (1914-1918) و سقوط خلافت عثمانی، زمینه برای اعلامیه بالفور (1917) و سپس تأسیس اسرائیل در 1948 فراهم شد.

کنگره دوم یهودیان تصمیم گرفت تا برای اسقاط خلافت عثمانی با کشور‌هایی اروپایی همکاری شود. در جنگ جهانی اول و دوم یهودیان با کشور‌هایی اروپائی برای اسقاط خلافت عثمانی در مقابل تعهد کشور‌هایی اروپائی خصوصاً بریتانیا همکاری کردند.

حکومت بریتانیا در مقابل خدمات یهودیان وعده برای یهودان داد. در وعده بالفور حکومت بریتانیا تعهد سپرد که فلسطین را برای یهودیان می‌گذارد تا دولت دینی خود را در آنجا تشکیل دهند. زمانیکه در پوهنتون قاهره محصل بودم، در مضمون تاریخ معاصر نص وعده بالفور مناقشه می‌شد. وعده بالفور، تعهد غیر قانونی بود و بریتانیا حق نداشت تا سرزمین که متعلق به انگلستان نبود برای یهودیان اهداء کند.¹

¹. برای معلومات بیشتر به نص وعده بالفور مراجعه شود. وعده بالفور در اینترنت موجود است. متن وعده بالفور (Balfour Declaration). متن اصلاً بزبان انگلیسی است. وزارت امور خارجه، 2 نوامبر 1917
لرد روچیلد عزیز،

یهودیان مدتها صبر و کار کردند تا اینکه در سال 1948 دولت اسرائیل را اعلان نمودند و آمریکا اولین کشوری بود که دولت اسرائیل را برسمیت شناخت. کشورهای عربی در تمام جنگها در مقابل یهودیان و همپیمانهای شان آمریکا، انگلستان و فرانسه شکست خوردند. مقاومت اسلامی حماس و قبل از آن حرکت آزادی بخش فلسطین به این باور رسیدند که بغیر از مقاومت برای آزادی قدس و سرزمینهای اشغالی فلسطین راه دیگری وجود ندارد. 7 اکتوبر 2023 این هدف را به اثبات رسانید.

تأثیر سقوط نظام بشار اسد بالای اسرائیل و شرق میانه

بعد از سقوط نظام بشار اسد، پنجشنبه 29 جنوری 2025، احمد الشرع که بیشتر بنام «ابو احمد الجولانی» شناخته می شود، بحیث رئیس جمهور مؤقت در دوره انتقالی سوریه برگزیده شد.

الشرع در اولین سخنرانی خود بعد از انتصاب به ریاست انتقالی سوریه تصامیم مهم انقلابی را گرفت، مثل لغو قانون اساسی 2012، انحلال حزب

باعث افتخار من است که از سوی دولت اعلیحضرت، اعلامیه زیر را که بیانگر همدردی با آرمانهای صهیونیستی یهودیان است و به تصویب کابینه نیز رسیده، به اطلاع شما برسانم:

«دولت اعلیحضرت با تأسیس یک وطن ملی برای قوم یهود در فلسطین موافقت نموده و نهایت تلاش خود را برای تسهیل دستیابی به این هدف به کار خواهد بست، مشروط بر اینکه هیچ اقدامی که به حقوق مدنی و مذهبی جوامع غیر یهودی ساکن فلسطین لطمه بزند، یا به حقوق و موقعیت سیاسی یهودیان در سایر کشورها آسیب برساند، انجام نگیرد». از شما سپاسگزار خواهم بود اگر این اعلامیه را به اطلاع فدراسیون صهیونیست ها برسانید.

با احترام، آرنور جیمز بالفورد.

بحث، و انحلال دستگاه امنیتی سابق. او اعلام داشت که قصد دارد فرآیند انتقال سیاسی را آغاز کند که شامل برگزاری یک کنفرانس ملی (لویه جرگه)، تشکیل دولت فراگیر و برگزاری انتخابات، دستگیری آنانکه دست شان به خون مردم سوریه آغوشته شده چه در داخل سوریه هستند و یا از سوریه خارج شده اند و تشکیل محکمه عادلانه برای شان. الشرع برای اصلاحات و انتخابات آزاد مدت 4 تا 5 سال را تعیین نمود.

این تحولات اگر صورت گیرد، بدون شک تغییرات عمده در ساختار سیاسی سوریه پس از بیش از 13 سال جنگ است.

سقوط نظام بشار اسد و پیروزی مجاهدین سوریه فضای سیاسی جدید را در منطقه که شامل اسرائیل نیز می شود خلق کرد. تغییر نظام سوریه و خارج شدن ایران و حزب الله و ملیشاهای شیعه از سوریه مقاومت علیه اسرائیل را ضعیف ساخت و مؤقتاً اسرائیل نفس راحت کشید، اما موفقیت نظام انقلابی جدید در سوریه تأثیرات سیاسی مهم را در باقی کشورهای عربی بجا می گذارد و اعتراف کشورهای عربی را از اسرائیل که نزدیک به اعلان آن بود، به تأخیر انداخت و معاهده (ابراهیمی) برای مدت نامعلوم به حالت تعلیق درآمد.¹

¹. معاهده ابراهیمی (Arabham Accords)، مجموعه ای از توافقنامه بود که در سال 2020 بین اسرائیل و چند کشور عربی از جمله امارات متحده و بحرین، با حمایت ایالات متحده آمریکا، به امضا رسید. این معاهده بخشی از روند عادی سازی روابط دیپلماتیک بین این کشورها و اسرائیل بود.

معاهده شامل روابط سیاسی و همکاری اقتصادی، صلح منطقه، مخالفت با مسئله فلسطین بود. معاهده ابراهیمی یک تحول بزرگ در روابط جهان عرب و اسرائیل محسوب می شود. کشورهای عربی قبلاً صلح و برسمیت شناختن اسرائیل را ارتباط به قضیه

از جانب دیگر پیروزی مجاهدین سوریه و اخراج ایران و حزب الله از سوریه، تشکیل اتحاد و ائتلاف بین کشورهای سنی مذهب عرب و اسرائیل را علیه ایران به مخاطره انداخت و کشورهای عربی بعد از خارج شدن ایران از منطقه ضرورت به همکاری و حمایت اسرائیل ندارند. همچنان واقعات سوریه و کامیابی مجاهدین سوریه ممکن است یک مثال و نمونه برای مبارزان آزادی خواه عرب باشد و نظامهای استبدادی عرب سقوط کنند. سقوط نظامهای استبدادی مانند نظام عسکری مصر، عربستان سعودی، اردن معنی نهایت اسرائیل و استقلال و آزادی ملت فلسطین است.

پیروزی مجاهدین سوریه و سقوط نظام بشار اسد و خارج شدن ایران و حزب الله و ملیشه های شیعه و ضعیف شدن موقف روسیه و انتقال نظامیان روسیه از سوریه به لیبیا، جیوسپاسی، ژئوپولیتیک (Geopolitic) جدید و ائتلاف های جدید را به میان آورد¹.

زعمای کشورهای عربی و نخبان عرب باین نتیجه رسیدند که اگر اختلافات شان را خاتمه ندهند در آینده مواجه به اشغال نظامی و تخریب کلی می شوند.

فلسطین می دادند. دولت امریکا با وارد آوردن فشار توانست این معاهده را رسمیت دهد و بعض از کشورهای عربی اسرائیل برسمیت بشناسند. قبل از 7 اکتوبر 2023 عربستان سعودی حاضر به اعتراف رسمی از دولت اسرائیل بود، اما 7 اکتوبر و کشتار بی رحمانه اسرائیل از مردم غزه و بعداً پیروزی مردم سوریه سبب آن شد تا عربستان سعودی نتواند علنی و رسمی اسرائیل را برسمیت بشناسد. سفیر جدید اسرائیل در واشنگتن اعلام داشت که موضوع برسمیت شناختن اسرائیل از طرف عربستان سعودی، موضوع وقت است و بزودی اعلام میشود.

¹. جیوسپاسی: بررسی تأثیرات جغرافیا (از جمله موقعیت مکانی، منابع طبیعی، مرزها و محیط زیست) بر سیاست و روابط بین الملل می پردازد.

آنانکه در سوریه به روسیه و به امریکا در عراق و افغانستان اطمینان و باور داشتند، دیدند و نتیجه را مشاهده کردند و باین نتیجه رسیدند که معاهده ابراهیمی و اتکاء به حمایت اسرائیل و امریکا آینده ندارد و نباید اطمینان به حمایت امریکا و اسرائیل داشت. وقعات جدید در شرق میانه، مانند غزه و سوریه و لبنان درس عظیم برای کشورهای شرق میانه بود و امید است با هم به افکار جدید و پلان جدید یکجا شوند، و میتوان مهمترین نقاط اتفاق سیاسی را بعد از تحولات در غزه و سوریه اینطور معرفی کرد:

1. فراموشی اختلافات و تأسیس اتحاد و ائتلاف جدید بین کشورهای اسلامی.
 2. عدم اجازه به کشورهای خارج از منطقه برای مداخله در شئون داخلی کشورهای شرق میانه و عدم استفاده ای نا مشروع از منابع زیر زمینی.
 3. احترام سیادت و سرحدات هر کشور.
 4. زمامداران سیاسی و حکومت ها برای ملت آزادی، عدالت، و حق مشارکت را بپذیرند. برای ملت ها حق انتخاب زعامت سیاسی داده شود. در غیر آن مداخلات خارجی ادامه خواهد داشت.
 5. نباید نهضت های اسلامی، خصوصاً اخوان المسلمین را بصفت حرکت تروریستی شناخت. استفاده از نفوذ ملی اخوان المسلمین سبب حمایت ملت از نظام سیاسی و سبب تقویت جبهه داخلی میباشد.
- در آینده نزدیک مشاهده خواهیم کرد مؤسسات جدید و بدیل که نماینده گی از جیو سیاسی جدید می کند تشکیل می شود و جای نظامهای دیکتاتوری را خواهد گرفت و شرق میانه جدید با نظام جدید روی کار خواهد آمد.
- پایگاه های نظامی خارجی در شرق میانه، خصوصاً در سوریه امنیت منطقه را مستقیماً تهدید میکند. نفوذ سیاسی و نظامی ایران تا حد زیاد در سوریه

تقلیل یافت و اما نفوذ مذهبی ایران تا مدت ها در شرق میانه و خصوصاً سوریه و لبنان باقی خواهد ماند و بهترین وسیله برای استقرار و آرامش در لبنان و سوریه و عراق قبول مشارکت همه مذاهب و اقوام در نظام سیاسی میباشد.

روسها آهسته و بدون سرو صدا از سوریه خارج می شوند. نظام جدید سوریه برای روسها اطمینان داده است و ممکن معاهده تفاهم جدید بین دولت جدید سوریه و روسیه بامضاء رسد. در سفر که معاون وزارت خارجه روسیه از سوریه داشت، رئیس دوره انتقالی آقای الشرع وعده داد که با روسیه راجع به پایگاه های نظامی مذاکره خواهد کرد. او از روسیه خواست تا بشار اسد را تسلیم کند. حکومت ترکیه در نزدیکی بین نظام جدید سوریه و مسکو توجه زیاد دارد. روسیه چندین پایگاه نظامی هوایی و بحری در مناطق استراتژیک سوریه دارد. پایگاه های روسیه در سوریه عبارت اند از:

1. پایگاه حمیمیم: این پایگاه یکی از اصلی ترین و بزرگ ترین پایگاه های هوایی روسیه در سوریه است. این پایگاه در ولایت لاذقیه در نزدیکی سواحل مدیترانه قرار دارد. قابل تذکر است که پایگاه حمیمیم مهمترین پایگاه هوایی روسیه در منطقه میباشد.
 2. پایگاه طرطوس: این پایگاه در بندر طرطوس، در سواحل غربی سوریه و نزدیک به مدیترانه موقعیت دارد.
 3. پایگاه های در مناطق مختلف، در شرق و جنوب سوریه.
- این پایگاه ها به روسیه اجازه میدهند تا نفوذ خود را در شرق میانه حفظ کند. دیده شود که نظام جدید قادر به حل مشکلات با روسیه است یا خیر؟ آیا سیاست امریکا اجازه ادامه وجود پایگاه های روسیه را در خاک سوریه میدهد. با اینکه رئیس ترامپ تصمیم دارد نظامیان امریکایی را از خاک

سوریه خارج سازد به یقین برای روسیه نیز اجازه بقاء را در سوریه نخواهد داد.

جمعه 30 جنوری 2025 رئیس ترامپ در جواب خبرنگاران راجع به خارج کردن قوای امریکایی از سوریه گفت که دربارهٔ خارج ساختن نظامیان از سوریه تا حال تصمیم گرفته نشده و خبرهای که نشر شده صحت ندارد.

امریکا سه پایگاه نظامی و ده هزار سرباز در سوریه دارد. وزیر دفاع سابق امریکا «لوید اوستن» به «اسوشیتد پرس / Associated Press» بتاريخ 9 جنوری 2025، گفت ایالات متحده ضرورت دارد تا جهت مبارزه با داعش در سوریه باقی بماند. او اضافه نمود که ده ها هزار جنگجوی داعش در زندانهای روسیه داخل سوریه میباشند و در بین این ده ها هزار دو هزار بسیار خطرناک هستند. اوستن که از قاعده هوائی «رامشتاین» در جرمنی سخن می زد گفت که تقریباً 50 کشور اعتقاد دارند که جنگجویان تنظیم دولت اسلامی دوباره دست به مبارزه می زنند اگر امریکا قوای خود را از سوریه خارج کند، نظامیان امریکایی در شمال شرق سوریه موقعیت دارند و از حزب دیموکرات (قسد) کرد در سوریه حمایت می کنند.¹

بیشتر پایگاه های امریکا در جنوب، شمال شرقی سوریه موقعیت دارند. از این پایگاه ها عمدتاً به هدف حمایت و پشتیبانی از نیرو های دموکراتیک سوریه (SDF) و مقابله با داعش استفاده میشوند.

¹. الجزيرة 2025/9/1. نقل از Associated Press

پایگاه های امریکا عبارتند از: پایگاه التنف ، پایگاه های شمال شرقی در ولایت های (الحسکه و دیر الزور)، پایگاه رمیلان ، پایگاه الشدادی، پایگاه العمرو چند پایگاه کوچک دیگر.

در حال حاضر حکومت جدید سوریه قدرت این را ندارد که قوای امریکا و روسیه را بشکل کامل از سوریه خارج سازد و احتمال بیشتر است که بیک اتفاق برساند.

نظام جدید سوریه، خواهان دوستی و همکاری با امریکا نسبت به هر وقت دیگر میباشد و تا حال سیاسیون جدید در مورد پایگاه های خارجی بشمول پایگاه های امریکا تصمیم نگرفته اند.

روابط و همکاری بین نظام جدید و امریکا به چالش های زیادی مواجه است. عوامل مختلفی مانند روابط سیاسی، تأثیرات منطقه ای، مسائل امنیتی و منافع استراتژیک امریکا در منطقه و شرق میانه بطور عموم در رابطه جدید بین امریکا و نظام جدید سوریه نقش دارند.

امریکا بیشتر به حقوق بشر و مسائل امنیتی و بازگشت گروه های افراطی مانند داعش و القاعده تشویش دارد ، نظام جدید از نظر امریکا و کشور های منطقه ، نظام کاملاً اسلامی است. به هر حال در صورت تغییرات واقعی در سیاست های داخلی سوریه، از جمله اصلاحات سیاسی، اقتصادی و امنیتی و نقش گروه ها و کشورهای مخالف امریکا در سوریه ممکن است زمینه هایی را برای همکاری به وجود آورد. امریکا انتظار دارد تا دیده شود نظام جدید سوریه چه نوع سیاست را در پیش می گیرد. از نظر امریکا و حتی اکثر کشورهای اروپایی و کشورهای عربی خصوصاً خلیج نظام جدید سوریه ، نظام اسلامی و رئیس دولت جدید آقای احمد الشرع از نظر امریکا

عضو سابق جنبش القاعده به حساب می آید. به هر حال امریکا انتظار دارد تا وضعیت سیاسی و امنیتی سوریه بیشتر روشن شود.

موجودیت حزب دیموکراتیک کرد (قسد) و حمایت امریکا از این گروه بزرگترین عامل مهم در رابطه بین نظام جدید و امریکا میباشد. تا زمانیکه نظام جدید با قسد به اتفاق نرسد، و قسد اسلحه های خود را تسلیم وزارت دفاع جدید نکند و امریکا به حمایت خود از قسد دوام دهد، رابطه سیاسی بین نظام جدید و امریکا غیر دوستانه می باشد.

امریکا از پایگاه های نظامی خود، قوای دیموکراتیک کرد (قسد) را حمایت می کند و همچنان علیه داعش و القاعده نیز استفاده می نماید، بعضی اوقات مانع پیشرفت و تقدم مبارزین سوریه نیز می شد. سیاست نظامی امریکا در سوریه سبب مخالفت های شدید بین انقره و واشنگتن است. انقره حزب دیموکراتیک (قسد) را تنظیم تروریستی میدانند در حالیکه امریکا (قسد) را در مقابل داعش و القاعده حمایت سیاسی، اقتصادی و نظامی می نماید.

حزب دیموکرتیک (قسد)، برای امریکا اهمیت بزرگتر را نیز دارد. هزارها جنگجوی القاعده و داعش در سوریه زندانی هستند و قسد از زندانها و زندانی ها حفاظت میکند. حمایت قسد از زندانیان برای امریکا بسیار مهم است. آزادی هزارها زندانی که از نظر امریکا بسیار خطرناک به حساب می آیند امنیت منطقه را بخطر مواجه می سازد. زعماء داعش بعد از اعلان حکومت انتقالی بریاست الشرع اعلام داشتند که ملیشه های خود را در صورتیکه نظام جدید اسلام را بصورت صحیح تطبیق کند لغو می کنند.

روسیه از پایگاه های نظامی خود نظام بشار اسد و ملیشه های شیعه و قوای ایرانی را حمایت می کرد. همچنان از پایگاه ها در سوریه، روسها قوای خود

را در لیبیا حمایت و کمک می کند. بعد از سقوط نظام بشار اسد ، روسیه بیشتر قوای خود را به لیبیا انتقال داد و برای آینده قوای خود در سوریه با نظام جدید داخل مذاکره است.

سفر هئیت روسیه بریاست معین وزارت خارجه (میخائیل بوغدانوف / Mikhail Bogdanov) به سوریه ، اولین اتصال و رابطه ای مستقیم بین مسکو و نظام جدید سوریه است. هئیت روسی با مسئولین سوریه در موارد مختلف بحث و گفتگو داشت که مهمترین مورد آن پایگاه های نظامی روسیه در سوریه بود.

در اخر مجلس ، معین وزیر خارجه روسیه توضیحات بیشتر داد و گفت که موضوع پایگاه های نظامی روسیه در سوریه تا حال بدون تغییر میباشد ، و فیصله نهائی در این مورد ضرورت به مشوره های بیشتر دارد ، مبدئاً طرفین مناقشه و بحث را در مورد تعاون و همکاری مانع نیستند و مذاکرات ادامه میداشته باشد.

چهارشنبه 12 فبروری 2025 ، رئیس پوتین تلفونی با رئیس مؤقت سوریه احمد الشرع تماس گرفت . در مقدمه رئیس پوتین انتخاب الشرع را به ریاست مرحله انتقالی در سوریه تبریک گفت. پوتین اظهار داشت که روسیه تمامیت ارضی و وحدت اراضی و ثبات سوریه را احترام دارد. و همچنین روسیه دعوت به رفع تحذیرات اقتصادی از سوریه می کند در نهایت مکامله ، پوتین وعده ارسال کمک ها جهت بهتر شدن اوضاع اجتماعی ، اقتصادی و کمک های انسانی برای سوریه داد.

اتصال تلفونی بین رئیس پوتین و رئیس الشرع مقدمه برای عقد معاهدات جدید و به شروط جدید میباشد. رئیس الشرع در مکالمه تلفونی از روابط

استراتژی قوی بین روسیه و سوریه یاد کرد، و گفت سوریه به روی همه طرف ها به گونه ای که منافع مردم سوریه را تأمین و ثبات و پایداری را تأمین کند باز است.

روزنامه روسی «فزغلیاد / Vzglyad» در راپور که بدست آورده می نویسد که مسئولین جدید سوریه از روسیه تقاضای خسارات جنگی را دارند، و زعامت جدید در دمشق با تمام اطراف مهم در شرق میانه در این مورد بحث و گفتگو می کند.¹

تحلیل گر شئون سیاسی و عسکری روسیه در شرق میانه «کیریل سیمینوف» می گوید که مذاکره بصورت خاص در موضوع شروط خسارات و تعویض در مقابل استفاده از پایگاه ها می باشد، نظام جدید بر عکس نظام بشار اسد ضرورت و احتیاج به کمک هوائی روسیه برای عملیات نظامی خود علیه مخالفین ندارد، بلکه ضرورت و احتیاج به مال دارد، و کمک های اقتصادی مسکو برای نظام جدید بسیار مهم است.

در نهایت راپور، روزنامه از قول «باغداساروف» می نویسد که رسیدن به یک اتفاق مؤقت در مورد پایگاه های روسی، ضرورت به تفکر و مراجعه شامل از وضعیت روسیه در سوریه دارد.²

اسرائیل بحکم واقع جزء از شرق میانه به حساب می آید و میتوان گفت که تسلط کامل بالای شرق میانه نیز دارد. اسرائیل این واقعیت را درک میکند

¹. روزنامه فزغلیان و وب سایت خبری روسی است که به تحلیل های سیاسی، اقتصادی و مسائل بین المللی می پردازد. این رسانه به خاطر دیدگاه های ملی گرایانه و حمایت از سیاست های کرملین شناخته می شود.

². عربی 21 نقل از روزنامه «فزغلیاد» 30 جنوری 2025

و می داند که سقوط نظام بشار زنگ خطر برای امنیت اسرائیل است و اسرائیل متوجه قیام مردم مصر می باشد و تا توان و قدرت دارد از نظام مارشال السیسی حمایت خواهد کرد. سقوط نظام استبدادی مارشال السیسی خطر شدید برای امنیت اسرائیل به حساب می آید. اسرائیل می داند اگر نظام مصر سقوط کند و انتخابات صورت گیرد اخوان المسلمین ب قدرت خواهد رسید. درین صورت همکاری بین قاهره و دمشق به معنی محاصره واقعی اسرائیل است.

در حال حاضر اسرائیل توجه خاص در تعامل با تغییرات سیاسی شرق میانه بعد از حوادث طوفان اقصی 7 اکتوبر 2023 و جنگ با حماس و عدم موفقیت نظامی در نوار غزه و تغییرات سیاسی در سوریه دارد. میتوان توجه اسرائیل را در وقت حاضر به نقاط ذیل خلاصه کرد:

1. استفاده از ضعف و ناتوانی نظام جدید سوریه، و توجه نظام جدید برای جنگ داخلی و استفاده از آن برای امضاء معاهده و یا آتش بس مؤقت با نظام سوریه، و حق مداخله در خاک سوریه با همکاری امریکا.
2. حمایت و تقویت حزب دیموکرات کرد «قسد» در مقابل نظام جدید سوریه.
3. ضعیف ساختن نظام جدید سوریه از ناحیه نظامی و سیاسی و اقتصادی. اسرائیل توانست اسلحه های ثقیله سوریه را منهدم سازد و بخاک سوریه پیشروی نماید.

4. حق استفاده از خاک و فضای سوریه مثلیکه در سالهای قبل داشت

و تخریب قوای نظامی و اسلحه سوریه تا بدست مجاهدین نرسد.¹

اسرائیل سوریه متحد و قوی را در سرحدات خود خطر بزرگ برای موجودیت خود می داند. تقسیم سوریه با اساس قومیت: عربی، کردی، مذهبی: شیعی، سنی، عیسوی، زردشتی، علوی، درزی و غیره به نفع اسرائیل است. یکشنبه 23 فبروری 2025 صدراعظم اسرائیل در مسئله خلع سلاح در سوریه در مصاحبه ای مطبوعاتی گفت: اسرائیل خلع سلاح نظامی را در جنوب سوریه می خواهد، و در مقابل هیچ تهدید سکوت نمی کند. او اضافه نمود که تمام قوای نظامی سوریه باید بشکل کامل از جنوب سوریه بیرون شوند. صدراعظم اسرائیل اضافه نمود که مطالبه می کنیم به خلع سلاح در جنوب سوریه، در ولایت های «القنيطرة و درعا و السويداء».

در مورد اقلیت های در سوریه، صدراعظم اسرائیل گفت که اسرائیل روابط اش با جوامع دوست در منطقه بیشتر می سازد، خصوصاً جامعه «درزی». طائفه درزی، طائفه دوست و برادر ما است که با ما در دولت اسرائیل یکجا جنگند. و اضافه نمود اجازه تهدید را برای طائفه درزی در جنوب سوریه نمی دهیم.²

¹. محمد غازی الجمل، الأثر الكبير لتحرر سوريا على إسرائيل، الجزيرة نت 2025/8/1.
². طایفه درزی در سوریه، لبنان و فلسطین یک اقلیت مذهبی است و عمدتاً در مناطق جنوبی سوریه اقامت دارند. در دوره بشار اسد، طایفه درزی از نظام حمایت می کرد. اسرائیل از درزی ها حمایت می کند به دلیل اینکه جامعه درزی دارای جایگاه خاصی در اسرائیل دارد. درزی ها در ارتش اسرائیل خدمت می کنند و اسرائیل سعی دارد از این ارتباط برای ایجاد نفوذ میان دورزی های سوریه استفاده کند.

نظر به مطالعه اعمار صناعی ، اسرائیل دو قاعده عسکری در منطقه خلع سلاح تعمیر و مشغول قاعده سوم میباشد ، منطقه که بعد از سقوط نظام بشار توسط اسرائیل اشغال شده است.¹

سوریه جدید از اسرائیل می خواهد تا تمام قوات خود را از اراضی سوریه خارج کند. ملل متحد میگوید که موجودیت اسرائیل در اراضی سوریه مخالف تمام معاهدات بین المللی می باشد.

روزنامه « Israel Today - اسرائیل الیوم - اسرائیل امروز » تاریخ 9 جنوری 2025 ، می نویسد که مسئولین اسرائیلی موضوع کنفرانس بین المللی را برای تقسیم سوریه تقویت و تأیید میکنند. هدف از انعقاد کنفرانس تقسیم سوریه به (کانتونات / Cantons) ، یعنی به مناطق متعدد و ولایات شبه مستقل به هدف حمایت و ضمانت حقوق اقلیت ها در سوریه و استقرار منطقه میباشد. روزنامه اضافه میکند که این برنامه یعنی تقسیم سوریه فکر جدید نیست و از روز اول سقوط نظام و فرار بشار اسد مطرح شده است.

روز نامه «اسرائیل امروز» اضافه میکند که وزیر دفاع اسرائیل «یسرائیل کاتس» قبل از دو روز (7 جنوری) ریاست مجلس امنیت ملی اسرائیل را داشت و کمیته راپور امنیتی را آماده و برای صدراعظم بنیامین نتنیا هو تقدیم می کند.

آقای « ایللی کوهین / Eli Cohen »² وزیر خارجه اسرائیل ، می گوید هدف از این پیشنهاد یعنی کنفرانس بین المللی برای تقسیم سوریه ، ضمانت امنیت

¹. الجزيرة نت 2025/2/23 ، لندن- عربی 21 ، 25/2/23

². الی کوهن از جون سال 2023 وزیر خارجه اسرائیل است.

سرحدات شمالی اسرائیل علیه تهدیدات مجموعات غیر قانونی در سوریه است. ایلی کوهین اضافه میکند که تقسیم سوریه به مناطق مختلف در کنفرانس بین المللی بحث می شود.¹

وسائل مطبوعات اسرائیل خبر میدهند که وزیر دفاع اسرائیل در مجلس امنیتی کوچک چهارشنبه (8 جنوری 2025) با اشتراک وزیر خارجه «جدعون ساعر» و رئیس ارکان، لوی درستی «هرتسی هالیفی» و مسئولین امنیتی در مورد امنیت اسرائیل و رسیدن ترکیه به سرحدات شمالی اسرائیل بحث نمودند. مراکز استراتژیک اسرائیل در راپور شان حکومت اسرائیل را هوشدار داده میگویند ترکیه در فکر احیاء امپراطوری عثمانی میباشد و ترکیه توازن قوا را در منطقه تغییر داده و منافع و مصالح اسرائیل در خطر میباشد.

مجلس امنیت ملی اسرائیل، و مراکز استراتژی اسرائیل حکومت اسرائیل و صدراعظم را مشوره برای اعلان جنگ با ترکیه دادند. امنیت ملی اسرائیل و مراکز تحقیقات استراتژیک ائتلاف ترکیه را با نظام دمشق خطر بزرگ برای اسرائیل می دانند.²

¹. عربی 21 نقل از روزنامه اسرائیل الیوم بتاريخ 9 جون 2025. او عضو حزب لیکود حاکم تحت رهبری نتانیا هو میباشد.

کانتونات: ایالت ها ، این اصطلاح به طور خاص در مورد مناطق خود مختار یا تقسیمات اداری استفاده می شود.

². جهت مطالعه نص کامل به الجزيرة نت تاریخ 9 جنوری 2025 مراجعه شود. مطالعه این راپور برای محققین اهمیت فوق العاده دارد.

سیاستمداران اسرائیل برنامه تقسیم سوریه را پیشنهاد می کنند و باین عقیده اند که سوریه بین اسرائیل و ترکیه تقسیم شود.

روزنامه «یدیعتو اُحرونوت / Yedioth Ahronoth» که بزبان عبری به نشر میرسد می نویسد ، برنامه ای که اسرائیل روی دست دارد عبارت از یک منطقه از خاک سوریه است که باید اشغال نظامی شود و از ضعیف بودند حکومت جدید سوریه برای اشغال آن استفاده شود تا از حملات آینده بالای اسرائیل از خاک سوریه جلوگیری شود. روزنامه اضافه می کند که منطقه که اسرائیل اشغال می کند مساحت آن 15 کیلومتر داخل خاک سوریه است و هدف از اشغال آن جلوگیری از حملات راکتی به مرتفعات جولان که 60 کیلومتر داخل خاک سوریه است میباشد. روزنامه از قول مسئولین بزرگ اسرائیل می نویسد که حکومت اسرائیل امیدوار است که رئیس ترامپ حمایت کامل از اسرائیل ضد سوریه و لبنان را می کند.¹

وزارت خارجه ترکیه بشدت تقسیم سوریه را به ایالات مستقل و یا تقسیم آن بین کشورهای همسایه رد و تأکید بوحدت اراضی سوریه دارد. سخنگوی وزارت دفاع ترکیه «زکی اکتورک»، اظهار داشت که ترکیه قدرت دفاعی و امنیتی سوریه را برای آینده تقویت می کند ، و ترکیا برای هیچیک از تنظیم های تروریستی در سوریه جدید اجازه فعالیت را نمی دهد. وزیر دفاع ترکیه «یشار غولر» سه هفته قبل اعلام داشت که همکاری نظامی بین ترکیه و زعامت جدید در سوریه بعد از سقوط نظام بشار اسد در صورتیکه نظام جدید از انقره بخواهد میباشد و ترکیه نظام جدید را از ناحیه نظامی تقویت

¹. لندن ، عربی 21 ، 9 جنوری 2025 ، نقل از روزنامه یدیعتو اُحرونوت.

خواهد کرد.¹ ترکیه استعداد و آمادگی کامل برای حمله علیه شبه نظامیان کرد در سوریه دارد، دولت ترکیه مهلت برای حزب دیموکراتیک (قسد) داده و از قسد دعوت کرده تا با دولت جدید یکجا شود و اسلحه های خود را تسلیم وزارت دفاع جدید سوریه نماید در غیر آن ترکیه آماده نبرد علیه قسد می باشد.

کشورهای عربی نیز تأکید بوحدت اراضی سوریه دارند. از نظر زمامداران اسرائیل احمد الشرع «الجولانی» و زمامداران جدید سوریه بقایای القاعده در لباس جدید میباشند.

از نظر اسرائیل واقعیت این است که سوریه آزاد و نظام اسلامی و مردمی تهدید مستقیم برای اسرائیل است. سوریه قوی و آزاد میتواند از حقوق مردم فلسطین دفاع کند. تحول سیاسی و نظامی در سوریه آرامش اسرائیل را به مخاطره انداخته و اسرائیل مواجه به مقاومت اسلامی سنی با حمایت ترکیه در سرحدات خود است.

اگر به نقشه سیاسی و طبیعی فلسطین به دقت توجه شود، دیده می شود که آزادی فلسطین از داخل فلسطین ناممکن است. اسرائیل تسلط کامل بالای تمام اراضی فلسطین دارد و مقاومت فلسطین قادر به دسترسی اسلحه از خارج نیست. لذا آزادی فلسطین ارتباط به کشور های همجوار فلسطین مانند سوریه، مصر، لبنان و اردن دارد.

آزادی فلسطین به طور کل، نیازمند ترکیبی از تلاش های داخلی است که متأسفانه گروه های داخل فلسطین وحدت فکری و سیاسی بین خود ندارند.

¹. الجزيرة 2025/10/1.

حمایت خارجی بسیار مهم است. کشورهای عربی در منطقه توجه به فلسطین ندارند و سقوط جنبش آزادی بخش فلسطین را میخواهند، از نظر همه کشورهای عربی حماس یک جنبش تروریستی است. حمایت بین المللی از قضیه فلسطین وجود ندارد، جهان غرب بطور عموم با تمام قوت از اسرائیل حمایت می کند و کشورهای غربی و امریکا برای دولت اسرائیل حق کشتار فلسطینی ها را زیر نام دفاع از نفس می دهند.

پیروزی مردم سوریه، تجدید و آغاز دور دوم بهار عرب میباشد و بزودی تحولات و تغییرات سیاسی در شرق میانه رخ خواهد داد و مرکز تمام تغییرات دمشق، ترکیه و قطر خواهد بود. روزها و ماه های بعد نشان میدهد که آیا حرکت آزادی شام (تحریرشام) بزعامت احمد الشرع (الجولانی) میتواند به تنهایی سوریه را اداره کند؟ و آیا انتخابات آزاد را می پذیرد؟ و آیا مشارکت تمام گروه های سیاسی، مذهبی و قومی را در نظام جدید می پذیرد؟ و آیا اخوان سوریه که قاعده ملی وسیع دارد با حرکت الشرع به توافق میرسد؟ جوابات به سؤالات فوق از ما میخواهد تا انتظار داشته باشیم و آینده باین پرسش ها جواب می دهد.

رئیس اخوان المسلمین سوریه (دکتور عامر ابو سلامه) اعلام داشت که اخوان عضو اداره جدید نیست و اما برای استقرار و وحدت و ساختار جامعه جدید در سوریه با نظام جدید همکاری میکند. دکتور عامر اضافه کرد که از سیاست جدید راضی میباشد و اخوان المسلمین در قلب سوریه حضور دارد. اگر احمد الشرع با اخوان سوریه به اتفاق نرسد و انتخابات و قانون اساسی جدید را نپذیرد سوریه و شرق میانه به آتش جنگ بزرگتر مواجه خواهد شد. کشورهای خلیج عربی و کشورهای اروپایی و امریکا کوشش دارند اخوان

سوریه را از مشهد سیاسی سوریه دور داشته باشند و برای این هدف حاضر به همکاری با الشرع میباشند.¹

آیا اخوان سوریه در آینده سیاسی نقش مهم را خواهد داشت؟

آینده اخوان المسلمین در نظام جدید بستگی به تحولات داخلی، توافقات سیاسی، و مواضع بازیگران داخلی و خارجی دارد. اخوان المسلمین بعد از 1980 به دلیل سرکوب شدید توسط حکومت حافظ اسد و بعد از آن بشار اسد از سیاست کنار گذاشته شد و بسیاری اعضای آن یا شهید و یا مهاجر و تبعید شدند. در مبارزات آزادی خواهی اخوان المسلمین 40 هزار قربانی داد.

در جریان مبارزات مسلحانه با نظام بشار اسد، اخوان نقش بسیار فعال را با اینکه از جانب قطر و ترکیه حمایت می شدند داشت. بعد از سقوط داکتر مرسی و رسیدن نظامیان بقدرت در مصر، و سقوط نظام دیموکراسی در تونس، کشورهای خلیج عربی مانند عربستان سعودی، بحرین، امارات عربی و مصر نهضت اخوان را بصفحت حرکت تروریستی اعلان کردند و از قتل اعضای آن حمایت نمودند. موقف کشورهای خلیج عربی از اخوان بطور عموم تأثیر بسیار منفی بالای نهضت اخوان در سوریه گذاشت.

اگر در آینده انتقال سیاسی واقعی در سوریه رخ دهد، اخوان المسلمین ممکن است نقشی در ساختار جدید قدرت داشته باشد و اما حضور آن به چند عامل بستگی دارد.

¹. جهت معلومات بیشتر از موقف اخوان سوریه مراجعه شود: کیف تری جماعة الإخوان المسلمين مستقبل سوريا. الجزيرة مباشر. <https://youtu.be/icnx1qx8Zcw?si=AotA->

1. موقعیت قدرت های خارجی مانند ترکیه، ایران، روسیه و کشورهای عربی. تا جای که معلوم و واضح است کشورهای عربی غیر از قطر برای اخوان سوریه مجال فعالیت را نمیدهند و شرط همکاری شان با دولت جدید عدم مشارکت اخوان در سیاست سوریه میباشد.
 2. مذاکرات اپوزیسیون با دولت، دیده شود که نظام جدید برای دیگر احزاب که اخوان یکی از آن است سهمی در دولت می دهد.
 3. میزان پایگاه اجتماعی اخوان در سوریه نظریه عوامل متعدد با مقارنه به 20 سال قبل ضعیف تر میباشد. نظام جدید و گروه های جهادی با روش اخوان المسلمین توافق ندارند، لذا نقش گسترده اخوان المسلمین در آینده سوریه کمتر بنظر میرسد، مگر اینکه توافقی بین المللی شامل همه گروه حاصل شود. و مردم از اخوان در انتخابات آزاد حمایت کنند.
- آرامش و استقرار در شرق میانه ارتباط مستقیم به وضعیت سوریه و فلسطین دارد. اگر قوای بزرگ جهانی و منطقوی فرصت را برای مردم سوریه محیاء کنند تا مردم سوریه بتوانند نظام جدید سیاسی را بسازند، و نظام جدید بتواند همکاری تمام احزاب و اقوام و مذاهب را بدست آورد و مشارکت را قبول کند و از تجربه احزاب جهادی افغانستان و امارات اسلامی استفاده کند، شرق میانه آینده درخشان را در پیش خواهد داشت. و اما اگر امریکا، ایران، روسیه، مصر، عربستان، امارات عربی و اسرائیل مشترکاً مانع استقرار سیاسی در سوریه شوند و بخواهند نظام جدید را سرنگون سازند و ترکیه را از سوریه خارج کنند و برای این منظور کردها را تقویت نظامی کنند، باید انتظار خونریزی بیشتر و جنگهای شدیدتر را در شرق میانه داشت و آتش جنگ تا افغانستان و عراق و لبنان میرسد و ترو خشک در این آتش می سوزد.

مسیر شبه نظامیان فاطمیون

مسیر شبه نظامیان فاطمیون بعد از سقوط نظام بشار اسد بحث مهم و قابل تأمل از نظر سیاسی و نظامی می‌باشد. آینده شبه نظامیان فاطمی برای افغانستان زنگ خطر است و سیاسیون و نظام سیاسی افغانستان چه در لباس امارت اسلامی و یا هر نظام که در آینده افغانستان حاکمیت داشته باشد، باید متوجه بیشتر به بازگشت شبه نظامیان فاطمی به افغانستان باشند. در این هفته تحقیقات جدید و مهم در مورد آینده ای ملیشاهای فاطمی به نشر رسیده که از آن‌ها در این تحقیق استفاده می‌شود.

تأسیس و تشکیل فرقه فاطمی در سوریه

سپاه پاسداران انقلاب ایران فرقه فاطمی را از مهاجران شیعه افغان تشکیل داد. فرقه فاطمی از سال 2013 در جنگ‌های داخلی سوریه حضور داشت و در کنار نیروهای دولتی سوریه می‌جنگید. لشکر فاطمی در ابتدا به هدف دفاع از حرم سیده زینب در سوریه تشکیل شد، اما بعدها نقش فعال‌تری در حمایت از نظام بشار اسد ایفا کرد.

سپاه پاسداران از فقر مهاجرین افغانستان در ایران استفاده کرد. «فرقه فاطمیون» نه تنها از نظر نظامی و تربیه عسکری تأسیس شد، بلکه فرقه اعتقادی و به هدف دفاع از مقدسات تأسیس یافت. شبه نظامیان وظیفه شان دفاع از نظام بشار اسد و مقدسات شیعه در سوریه بود. فرقه فاطمی در اکثر جنگها خصوصاً در «حلب و الغوطة الشرقية» سهم فعال داشت و رکن مهم ازارکان ملیشه‌های بود که ایران ایشان را در منطقه تقویت نظامی و سیاسی و مادی می‌کرد.

ایران انترناشیونال در راپورش انتقادات مدافعین حقوق انسان را که متوجه حکومت ایران است به نشر سپرد. در راپور آمده که مدافعین حقوق انسان

حکومت ایران را متهم می کنند که از شرایط اقتصادی و فقر مهاجرین افغانستان سوء استفاده میکند.¹

نائب رئیس جمهور ایران (محمد جواد ظریف) اظهار داشت که ایران فرقه فاطمی را برای مقابله با دشمن مشترک «تنظیم دولت اسلامی» تقویت کرد. ظریف اضافه نمود که مبارزه با داعش و افراط در سوریه ما را از عدم مواجه شدن در مقابل شان در کابل و قندهار کرد. به این معنی که اگر ایران در سوریه علیه داعش با همکاری فاطمی ها مبارزه نمی کرد، ضرورت پیش می آمد که علیه داعش در کابل بجنگد.

ریاست ارکان ایران تعداد فرقه فاطمی را بین 10 تا 20 هزار می دادند که از این جمله 2000 کشته و 8 هزار جراحت برداشته اند.

فیلیپ سمیث «Philli[Smyth»، محقق حوزه شرق میانه و گروه های نظامی شیعه در دانشگاه ایالت مریلند، امریکا و همکار انستیتوت واشنگتن در مورد شبه نظامیان فاطمی می نویسد: پاسداران انقلاب ایران برای افغانان که غیر رسمی در ایران اقامت دارند وعده پول و ترتیب وضعیت قانونی و اخراج بعض از ایشان از زندان و پاک کردن دوسیه های شان را بشرطیکه داخل ملیشه فاطمی شوند داده بود.

فیلیپ سمیث از مسیر ملیشه های فاطمی بعد از سقوط نظام بشار اسد می گوید: ایران به قوه فاطمی اشد ضرورت دارد، زیرا اعتماد کامل بالای حزب

¹. الجزيرة 1/14/2025.

الله لبنانی و اعتماد بالای شرکاء در منطقه باقی نمانده، باین منظور ایران از ملیشه های فاطمی در نقاط دیگر بعد از تجدید آن استفاده می کند.¹

سناریو های احتمالی

1. با خروج قوای نظامی ایران از سوریه، امکان این است که ایران فرقه فاطمی را به مناطق درگیری های دیگر مثل یمن جهت تقویت حوتی ها (انصار الله)، و یا عراق به هدف تقویت گروه های شیعه و حتی ایران به هدف تقویت و حمایت گروه مقاومت علیه اسرائیل انتقال دهد.
2. حل فرقه فاطمی بصورت تدریجی و یکجاساختن جنگویان در جامعه ایران و یا افغانستان. و امکان دارد که افراد فرقه را تابعیت ایران داد و ایشان را داخل پاسداران نمود و این مورد در شرایط اقتصادی ایران مشکل است. نویسنده افغان بنام نادری می نویسد که ایران ممکن نیست فرقه فاطمی را لغو کند و ممکن است برای بی امنیت ساختن افغانستان و ترکیه و عراق از فرقه فاطمی استفاده شود.
3. حفظ فرقه فاطمی بحیث قوه عسکری احتیاطی کوچک برای استفاده در مناطق دیگر، این مورد با سیاست ایران مطابقت بیشتری دارد.
4. بازگشت به افغانستان، ممکن است بعض افراد فرقه فاطمی بصورت افراد به افغانستان عودت کنند و با خانواده های شان یکجا شوند، اما بازگشت این گروه تهدید مستقیم برای حکومت افغانستان میباشد، لذا این برنامه به سبب عدم باور و اطمینان بین امارت اسلامی و قوم هزاره غیر قابل اجراء و عملی شدن میباشد.

¹. ترجمه تحقیق فیلیپ سمث را در روزنامه الجزیره تاریخ 2025/14/1 مطالعه کنید.

5. ممکن است ایران افراد فرقه فاطمی را به قوه ای سیاسی تبدیل کند تا اهداف سیاسی ایران را در افغانستان پیش برده و نفوذ مذهبی و سیاسی ایران قوت بیشتر در سیاست افغانستان داشته باشد.

هر ترتیب که سناریو ها تطبیق شود ، شک نیست که حوادث اخیر سوریه ، چالش ها و فرصت های جدید را در منطقه خلق کرده و فرصت های جدید را برای فرقه فاطمی با اینکه نظام بشار اسد سقوط کرده ایجاد نموده و با اینکه نقش ایران در منطقه و سوریه تقلیل یافته ، اما ایران به آسانی از داشتن نقش مهم استراتژی در منطقه کناره نخواهد گرفت و برای حفظ مکانت اش در آینده از ملیشه ها خصوصاً فرقه فاطمی استفاده خواهد کرد.

تحلیل گران نظامی و سیاسی باین نظر اند که بعد از جنگ در سوریه ایران جنگجویان فاطمی را در مراکز نظامی در شهر قم و مشهد جا داده و برای حفظ منافع و مصالح ایران در افغانستان در آینده از آنها استفاده کند. قضیه فاطمی ها مهمترین نقطه ای اختلاف بین ایران و افغانستان میباشد و دولت افغانستان فرقه فاطمی را تهدید به امنیت ملی خود می داند.

ملیشه های فاطمی بدون شک تهدید مستقیم برای امنیت ملی افغانستان در آینده است. موضوع بازگشت جنگجویان فاطمی به افغانستان آرامش نسبی بین جامعه شیعه و سنی را برهم خواهد زد. برای حل این معضله بهترین راه همکاری بین حکومت و احزاب شیعه در داخل افغانستان میباشد و بدون همکاری مشترک و مشارکت در نظام سیاسی نمی توان امنیت ملی افغانستان را حفظ کرد.

انتقال لشکر فاطمی به افغانستان می تواند تأثیرات مختلفی بر امنیت ملی افغانستان داشته باشد ، میتوان مهمترین تأثیرات را به نقاط ذیل شرح کرد:

1. افزایش تنش های مذهبی بین پیروان مذهب شیعه و سنی، این تنش سبب تفرقه مذهبی شده و امنیت نسبی افغانستان را برهم می زند.
 2. دخالت در امور داخلی افغانستان: انتقال شبه نظامیان فاطمی بدون شک مداخلات خارجی خصوصاً ایران را در افغانستان تشدید می کند و سبب تضعیف حاکمیت ملی افغانستان میشود.
 3. تقویت گروه های افراطی: حضور لشکر فاطمی گروه های افراطی مانند داعش و القاعده را به هدف مقابله با لشکر فاطمی تقویت میکند. کشور های خارجی از گروه های افراطی علیه نفوذ ایران در افغانستان استفاده خواهند کرد. امارت اسلامی نیز در مبارزه با لشکر فاطمی بیطرف نخواهد ماند.
 4. ایجاد یک فضای امنیتی پیچیده: با حضور ملیشه های فاطمی، فضای امنیتی افغانستان می تواند پیچیده تر شود.
- در نهایت تأثیر انتقال بستگی به نحوه تعامل امارت اسلامی و مخالفین داخلی اش دارد. اگر مخالفین امارت اسلامی موقعیت سیاسی و حفظ تمامیت ارضی و وحدت ملی را در نظر نگیرند، مشکلات امنیتی و سیاسی افغانستان بیشتر می شود و وحدت ملی صدمه می بیند.

نقش کرد ها در تغییر شرق میانه

نیرو های کرد بزرگترین چالش نظامی و مواجهه نظامی نه تنها در سوریه بلکه در شرق میانه بزرگ میباشد. احزاب کردی با حمایت امریکا و کشور هایی دیگر قدرت تغییرات بزرگ را در شرق میانه خصوصاً در عراق، سوریه، ایران و ترکیه دارند. از سالهای متمادی کرد ها در سوریه، عراق، ایران و ترکیه از حقوق شان محروم میباشد. نظامهای استبدادی در شرق میانه کردها را در جمله باشندگان درجه دوم حساب می کنند. کردها برای رسیدن

به حقوق مدنی ، و شهروندی و تساوی حقوق ، استقلال ذاتی قربانی های زیاد را متحمل شده اند ، تا درجه که اسلحه های بیولوژیکی علیه شان استفاده شد.

کردها با اینکه اقلیت ها را در کشورهای که ذکر شد تشکیل میدهند ، اما در بین خود نیز متفق نیستند. به اساس مذهب (شیعه ، سنی) ، چپ ، راست ، مسلمان غیرمسلمان تقسیم شده اند ، با تمام مشکلات امکان وحدت بین جنبش کردها دیده نمیشود.

عراق: جنبش کردهای عراق عمدتاً با نام جنبش ملی کردستان عراق شناخته می شود. این جنبش شامل احزاب و گروه های مختلفی است که به هدف خودمختاری و حقوق مدنی در عراق مبارزه می کنند و به احزاب مختلف تقسیم می شوند.

1. حزب دموکرات کردستان (KDP) ، به رهبری مسعود بارزانی است. این حزب یکی از مهمترین و قدیمترین احزاب کردستان عراق است. مسعود بارزانی رابطه نزدیک با رئیس ترکیه اردگان دارد. منافع اقتصادی و سیاسی عامل مهم در نزدیکی بین مسعود بارزانی و ترکیه است.
2. اتحادیه میهنی کردستان (PUK) ، به رهبری جلال طالبانی.
3. جنبش گوران (تغییر) حزب اصلاح طلب در سال 2009 تأسیس شده است.
4. اسلام گرا ، مانند حزب جماعت اسلامی کردستان و اتحاد اسلامی کردستان. این دو حزب از ایدئولوژی اخوان المسلمین پیروی می کنند.
5. پشمرگه : نیروی نظامی کرد ها که در مبارزات مختلف برای خودمختاری و استقلال فعالیت داشته است.

جنبش کردها از دهه 1940 به اشکال مختلف از جمله قیام مسلحانه ، مبارزات سیاسی برای خود مختاری قیام نمودند.

ترکیه: احزاب کرد ترکیه معمولاً به نامهای مختلفی شناخته می شوند. مهمترین آنها عبارتند از:

1. حزب کارگران کردستان ترکیه (PKK) : این حزب یک گروه مسلح و سیاسی است که از دهه 1980 مبارزه مسلحانه را علیه دولت ترکیه راه انداخته است. حزب PKK به عنوان یک حزب مخالف دولت ترکیه شناخته می شود و در فهرست گروه های تروریستی بسیاری از کشور قرار دارد.

2. حزب دموکراتیک خلق ها (HDP) : این حزب یک حزب سیاسی کرد است که در پارلمان ترکیه نمایندگان دارد. HDP به دنبال حقوق بیشتر برای اقلیت ها و خصوصاً کردها است و به عنوان یک حزب مترقی و چپ گرا شناخته میشود.

3. حزب دموکراتیک کردستان ترکیه (DKP) : این حزب نیز یکی از احزاب کرد ترکیه است که در گذشته فعالیتهای در راستای حقوق کردها داشته است.

4. حزب مناطق دموکراتیک (DBP) : بیشتر در مناطق محلی و کردنیشن فعالیت دارد و بر خود مختاری محلی تأکید دارد.

5. حزب چپ سبز (YSP) : پس از فشار دولت بالای HDP ، بسیاری از اعضای این حزب به حزب چپ سبز پیوستند .

ایران: احزاب کرد در ایران نقش مهمی در صحنه سیاسی بین کردها و ایران دارد. مهمترین احزاب کرد در ایران عبارتند از:

1. حزب دموکرات کردستان ایران (PDKI)؛ این حزب در سال 1945 تأسیس شده.
2. حزب حیات آزاد کردستان (PJAK) : شاخه ایرانی حزب کارگران کردستان (PKK) است.
3. حزب آزادی کردستان (PAK)؛ حزب ملی گرای کرد که خواستار حقوق کردها در ایران است و در فعالیتهای مسلحانه نیز مشارکت داشته است.
4. حزب سوسیالیست کردستان ایران: این حزب به تفکرات سوسیال دموکراتیک گرایش دارد.

نیروهای دموکراتیک سوریه (قسد)¹

نیروهای دموکراتیک سوریه (قسد) خلاف تمام احزاب کردی با اسم حزب سیاسی یاد نمی شود. قسد مهمترین بازیکن اصلی در ساحه شرق میانه است.

قسد بتاريخ 10 اکتوبر 2015 اعلان موجودیت کرد و خود را با اسم «تشکل ملی برای تمام مردم سوریه که شامل کردها، عرب، ترکمان و سریانی ها» معرفی کرد. مؤسسان قسد هدف از ایجاد و هدف اصلی آن را مبارزه با دولت اسلامی (داعش) و آزاد ساختن مناطق بزرگ را که افراطی ها بدست آورده اند اعلام داشت.

نیروهای دموکراتیک سوریه بازیگر پیچیده نه تنها در سوریه بلکه در شرق میانه میباشند. قسد به عنوان تهدید نظامی توانمند و با حمایت مستقیم

¹ اصطلاح «قسد» که مخفف (قوات سوريا الديمقراطية) (نیروهای دموکراتیک سوریه) است. هر جا که اصطلاح قسد استفاده میشود، معنی نیروهای دموکراتیک سوریه را افاده می کند.

امریکا نقش تعیین کننده ای را در آینده شمال و شرق سوریه که مرکز اقتصادی و منابع انرژی است ایفا می کند. قسد با امکانات نظامی و اقتصادی و حمایت قوای بزرگ جهانی خطر بزرگ برای کشورهای همسایه سوریه خصوصاً ترکیه و عراق می باشد. ترکها و حکومت بغداد متوجه این خطرمیباشند و خطر حقیقی از جانب قسد سبب نزدیکی بین انقره و بغداد شده است.

از نظر سیاسی و حزبی، قسد یک نیروی نظامی تحت نفوذ PYD و نزدیک به ایدلوجی PKK است و هدف آن ایجاد خود مختاری در شمال و شرق سوریه می باشد. اگر با حمایت امریکا قسد بتواند به خواسته های خود برسد، بدون شک می تواند مشکلات بزرگ امنیتی را برای ترکیه و سوریه و عراق بوجود آورد. آینده قسد در منطقه ارتباط مستقیم به حمایت امریکا و بازیگران منطقه ای در آینده دارد و نمی توان در وقت حاضر حرف اخیر را گفت به دلیل اینکه حوادث جاری بسرعت در حالت وقوع و تغییر می باشد، و برای محقق و تحلیلگر مشکل است تا نتیجه نهائی را اعلان کند.

نیروهای دموکراتیک سوریه (SDF) در زمانی تشکیل یافت که امریکا و متحدین آن و ائتلاف بین المللی علیه داعش فعالیت داشتند. قسد مبارزه با داعش را پیش گرفت و هدف و مصالح مشترک سبب آن شد تا ائتلاف بین المللی بزعامت امریکا نیروهای قسد را تقویت مادی و نظامی و سیاسی نمایند تا اینکه قسد به یکی از نیروی قوی تبدیل شد.

امریکا مستقیماً قسد را بعد از اعلام موجودیت در شمال سوریه، کمک نظامی و لوژستیکی کرد. سخنگوی قیادت عسکری وسط امریکا بعد از اعلام موجودیت قسد با همکاری ائتلاف بین المللی 50 طن اسلحه را تسلیم نیروهای قسد نمود.

امریکا و ائتلاف بین المللی قسد را قسمی معرفی نمودند که متشکل از تمام افراد ملت سوریه است. و اما ستون فقرات قسد را، حمایت مردم (YPG)، و وحدات حمایت زن (YPJ) که امتداد از حزب کارگر کردستان (PKK) است تشکیل می دهد، به عبارت دیگر قسد با اینکه بصفت تنظیم سوری و متشکل از تمام اقوام و نژاد در سوریه معرفی می شود، اما در اصل تنظیم کاملاً کردی میباشد و کردها بالای قسد تسلط کامل دارند.

با ختم مبارزه با داعش در سوریه و عراق ، تا هنوز قسد خود را به جهان بصفت یکی از مهمترین تشکیل نظامی علیه داعش می داند و مراقبت تمام زندان های که افراد آن به تعداد هزار ها زندانی میرسد را دارد. مبارزه با داعش و مراقبت زندانها یکی از مهمترین وسیله برای ادامه قسد و حمایت مالی و نظامی امریکا در منطقه شرق میانه میباشد و امریکا با تمام امکانات تا هنوز از قسد حمایت دارد، و حمایت از قسد مهمترین اختلاف سیاسی بین ترکیه و امریکا و امریکا و نظام جدید در سوریه است.

در بین گروه های سوریه، قسد امتیازات اقتصادی بیشتر دارد. قسد تسلط مطلق در مناطق نفتی شمال شرق سوریه دارد و همچنان ائتلاف بین المللی سالانه ملیونها دلار برای تقویت قسد می پردازد.

عقیده قومی و ایدئولوژیکی عامل دیگر قوت قسد میباشد. قسد عبدالله اوچلان را رمز مقاومت و آزادی می داند و از روش حزب کارگر کردستان در عقائد پیروی می کند. قسد با فکر سوسیالستی و قومی علیه ترکها می جنگد.¹

¹. باسل المحمد ، الجزيرة 2025/29/1.

مطالعات مرکز جسور (Jusoor) در سال 2023 راپور می دهد که تمرینات نظامی افراد (یات / YAT) شعبه از قسد را قوای امریکا و ائتلاف بین المللی بدوش دارند.¹

امریکا از پایگاه های نظامی خود، قوای دیموکراتیک (قسد) را حمایت می کند و همچنان علیه داعش و القاعده از قسد استفاده می شود، بعض اوقات قسد مانع پیشرفت و تقدم مبارزین سوریه نیز می شد. سیاست نظامی امریکا در سوریه سبب مخالفت های شدید بین انقره و واشنگتن است. انقره حزب دیموکراتیک (قسد) را تنظیم تروریستی میدانند در حالیکه امریکا (قسد) را در مقابل داعش و القاعده حمایت سیاسی، اقتصادی و نظامی می نماید.

سرنوشت قوای نظامی دیموکراتیک «قسد» در سوریه

رئیس ترکیه در جلسه پارلمان ترکیه بتاريخ اول اکتوبر 2024، حکومت تننیهو را متهم به توسع و سیاست توسعه طلبی نمود. او گفت: اداره اسرائیلی با عقیده ای دینی میخواهد وطن ما را بعد از فلسطین و لبنان اشغال کند. تننیهو اراده و خیال دارد تا «اناضول» را اشغال کند. ما حملات اسرائیل را بالای فلسطین و لبنان مراقبت جدی و زیر نظر داریم. اسرائیل اراده دارد تا شمال

¹. جسور یک مؤسسه تحقیقاتی مستقل که در ساحه مدیریت اطلاعات و تهیه مطالعات و تحقیقات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تخصص دارد. از طرف مرکز تحقیقات های زیاد در موارد مختلف راجع به سوریه به نشر رسیده است. محققین در تحقیقات شان راجع به شرق میانه میتوانند از این مرکز استفاده کنند.

Jsoor.com/ and , X.com, and ar.ar.facebook.com
برای مشاهده ویدئوها و مطالب چند رسانه ای مرتبط به مرکز می توانید به کانال یوتیوب مرکز جسور للدراسات مراجعه کنید.

عراق و سوریه را با استفاده از تنظیمات جدایی طلب اشغال و ضمن خاک اسرائیل اعلان کند.¹ هدف و مقصد رئیس ترکیه از تنظیمات جدایی طلب تنظیمات کردی و بخصوص قسد است. اسرائیل و امریکا از حزب دیموکراتیک «قسد» در سوریه حمایت نظامی و سیاسی میکنند.

یگانه قوه ای که در سوریه با اسرائیل و امریکا نزدیک و همکار است، قوات دیموکراتیک سوریه (قسد) مبارزین کرد میباشد. اسرائیل با داشتن تمام امکانات کرد ها را علیه جنبش آزادی خواه اسلامی در سوریه و ترکیه تقویت نظامی می کند.

مصاحبه مسئول خارجی قسد خانم «الهام احمد» با روزنامه «اوروشلم پست / The Jerusalem Post» تاریخ 2 فبروری سال جاری، عمق فکری و روابط قوی بین اسرائیل و قسد را نشان میدهد. خانم الهام احمد می گوید که اسرائیل نقش مثبت و فعال را در حل مشکلات منطقه دارد. او اضافه میکند «امنیت سوریه محتاج به مداخله اسرائیل دارد.» و «اسرائیل لازم است تا جزء از حل امنیت شرق میانه در حالت بلند رفتن مشکلات بین قوات دیموکراتیک سوریه و زمامداران اسلامی در دمشق باشد».²

امریکا حمایت کننده حزب دموکراتیک سوریه دو راه در پیش دارد: حمایت قسد یا مخالفت با ترکیه یکی را باید انتخاب کند. سیاستمداران امریکا

¹. الاناضول (اناتولی) به منطقه ای در ترکیه اشاره دارد که در زبان عربی به آن «الاناضول» گفته میشود. اناتولی (Anatolia) بخش از آسیای ترکیه است که بیشتر از 90 درصد مساحت این کشور را تشکیل می دهد. این اقلیم در عقائد یهودی جزء از سرزمین اسرائیل می باشد.

². عربی 21 ، 2 فبروزی 2025 ، به نقل از جیرواز سلیم

باین عقیده اند که نباید به خاطر قسد، ترکیه عضو مهم ناتو را از دست داد. و بسیار ممکن است کرد ها قربانی سیاست امریکا شوند، در سیاست دوست و دشمن دائمی وجود ندارد.

قسد « قوات سوریه دیموکراتیک »، از نظر ترکیه و بعض کشور های اروپایی، حرکت تروریستی میباشد. سه شنبه 7 جنوری 2025 ترکیه قسد را تهدید کرد. در تهدید ترکیه آمده: اگر قسد شروط انقره را برای توافق با مرحله انتقالی بصورت مسالمت آمیز بعد از سقوط اسد قبول نکند، ترکیه علیه قسد اعلان جنگ می دهد. وزیر خارجه ترکیه (هاکان فیدان) اخطار نهائی را برای قسد که از نظر ترکیه تنظیم تروریستی است داد و گفت که ترکیه علیه قسد در سوریه داخل اقدامات نظامی می شود. فیدان اضافه کرد که مهلت برای قسد توسط امریکا فرستاده شده. ترکیه خواهان اخراج کردهای عراق، ایران و ترکیه از سوریه میباشد.¹

رئیس رجب طیب اردگان بصراحت بیشتر(قسد)، را تهدید کرد. اردگان در بیانیه خود دو شنبه 6 جنوری 2025 بعد از ختم مجلس وزرا اظهار داشت: هیچ قوه نیست که مانع ما برای دفن تروریستها با اسلحه شان زیر زمین شوند. او اضافه کرد آنانکه بجانب تروریستان و بی امنی سوریه ایستاده شوند نهایت شان مانند نهایت تروریستان خواهد بود.² رئیس ترکیه همچنان امریکا و اسرائیل را متهم به حمایت از تروریستان نمود و در بیانیه خود این دو کشور را نیز تهدید غیر مستقیم نمود.

¹. الجزيرة مباشر، 2025/1/8.

². لندن، عربی 21 8 جنوری 2025، اخطار نهائی ترکیه برای حمله نظامی علیه «قسد».

در مقابل تهدید ترکی، قائد «قسد» مظلوم عبدی، اعلام داشت که با اداره جدید در دمشق اتفاق برای عدم تقسیم سوریه دارد. مظلوم عبدی قائد قوات سوریه دیموکراتیک «قسد»، که شمال شرق سوریه را اداره و حمایت امریکا را دارد گفت: تقسیم سوریه وحدت کشور را تهدید میکند. مظلوم عبدی طی نامه ای مکتوبی به مطبوعات فرانسوی اعلان کرد که اجتماع مثبت و مفید بین زعمای قسد و اداره جدید در آخر ماه دسامبر 2024، در دمشق صورت گرفته بود، هر دو طرف اتفاق برای سلامت و وحدت سوریه دارند. قائد قسد مظلوم عبدی اضافه نمود که با اداره جدید به هدف آبادی سوریه همکاری می کند.¹

قسد از مسأله داخلی سوریه به مشکل منطقوی و حتی بین المللی شده است و استقرار و امنیت منطقه را به مخاطره انداخته است. به احتمال زیاد اگر قسد داخل نظام جدید نشود و ملیشه های قسد ضمن قوای وزارت دفاع نشوند و قسد از تنظیم نظامی به حزب سیاسی تبدیل نشود، احتمال جنگ در منطقه حتمی است و ترکیه با همکاری نظام جدید با موافقه امریکا و یا در مخالفت با امریکا علیه ملیشه های قسد داخل جنگ می شود. موجودیت قسد و گروه های مسلح کرد را ترکیه علیه منافع علیا خود میداند.

سیاست ترکیه در ساحه سوریه و شرق میانه غیر مستقر و در غالب ارتباط به تحولات نظامی و سیاسی خصوصاً بعد از مداخله عسکری روسیه از نصف اول دهه گذشته و حمایت امریکا از برنامه خودمختاری برای کردها دارد. ترکیه از نظر جهان بزرگترین منفعت را در تحولات سوریه دارد و انقره نقش کلیدی را در تشکل جدید سیاسی سوریه بازی میکند. عدم استقرار سیاسی

¹. الجزيرة 2025/9/1.

و در صورت آغاز جنگ بین گروه های داخل سوریه و مداخلات خارجی در جنگ تسلط و نفوذ ترکیه را در نظام جدید تقویت بیشتر می کند و نظام جدید ضرورت و احتیاج بیشتر به حمایت ترکیه پیدا شده باشد.

ترکیه نمی خواهد بصورت مستقیم در تشکل سیاسی سوریه سهم اول را داشته باشد. ترکیه میداند که تعمیر سوریه و موفقیت نظام جدید به همکاری جهانی و خصوصاً کشورهای خلیج عربی دارد.

انقره تأکید برای تشکیل حکومت انتقالی شامل همه طبقات و اقوام دارد و از اداره جدید در دمشق میخواهد تا به تعهدات خود احترام داشته باشد. موفقیت اداره جدید، تحولات سوریه چانس و فرصت برای کامیابی جیوسپاسی بزرگ برای انقره است. موفقیت اداره جدید، و احترام به تعهدات که داده نقش ترکیه را بحیث قوه ای جدید و مرکز تحقیق استقرار و صلح در شرق میانه قوی می سازد. اما اگر ترکیه در سیاست های خود در سوریه موفق نشود، موقعیت سیاسی و نظامی ترکیه صدمه بزرگ می بیند، با توجه با اینکه اکثر کشورهای خلیج عربی خصوصاً اسرائیل از نفوذ ترکیه در شرق میانه تشویش دارند.¹

مشکل سوریه، عادی و بسیط نیست، مشکل بزرگ منطقوی و جهانی میباشد. سوریه به میدان مبارزه سیاسی و نظامی تبدیل شده است. رسیدن اسلامگرایان به قدرت اکثر کشورهای دنیا و خصوصاً کشورهای خلیج عربی را به تشویش انداخته، با اینکه اخوان المسلمین در قدرت شریک نیست، نظامهای کشورهای عربی باین باور اند که اگر اداره جدید

¹. محمود علوش، 2025/29/1.

انتخابات را بپذیرد در این صورت ممکن است اخوان المسلمین با رأی دیموکراسی مثلیکه در مصر صورت گرفت به قدرت برسد.

آینده قوای دیموکراتیک سوریه «قسد»

برای حل معضله و آینده قسد بازی کنان در ساحه شرق میانه سه سناریو را پیشبنی می کنند.

سناریوی اول: وزیر سابق خارجه عراق «هوشیار زیباری» وجود جنگجویان حزب کارگر ترکیه (PKK) را در قسد حقیقت میداند.. وزیر خارجه ترکیه «هاکان فیدان» پیشنهاد حل تنظیم قسد را بصورت نهایی می خواهد. پیشنهاد ترکیه مورد تأیید نظام جدید سوریه نیز میباشد. قبول پیشنهاد حل از جانب قسد مشروط به موافقه امریکا است، دیده شود که استراتیژی رئیس ترامپ موفق باین نظر و پیشنهاد است یا خیر.

سناریوی دوم: انضمام قوای قسد به وزارت دفاع، اما بشرط انفرادی نه بصفت گروهی مانند گروه های مسلح دیگر. اما این سناریو تطبیق آن به دلیل عدم پذیرش قسد غیر عملی میباشد. زعیم قسد «مظلوم عبدی» بصراحت اعلام داشت که قوای قسد بشکل جمعی و گروهی داخل تنظیم جدید عسکری می شود نه به صورت انفرادی.

سناریوی سوم: حفظ و قبول شرایط حاضر: این مورد از ناحیه نظری ممکن است، اما ممکن نیست اداره جدید در دمشق آنرا بپذیرد و به حالت موجوده و حاضر بدون تغییرات راضی باشد.

قبول اوضاع موجود باین معنی است که ولایت «الرقه و الحسکه» و قسمت از ولایت «دیر الزور» خارج اداره دولت باشد، این سناریو تقسیم سوریه را بین اطراف داخل سوریه حتمی میسازد.

حل مشکل قسد ارتباط مستقیم به تفاهم امریکی-ترکی در مسأله سوریه دارد. امریکا و ترکیه باید به تفاهم و اتفاق در مورد شمال سوریه برسند. مهمترین مورد در این تفاهم، موضوع زندان های شمال سوریه میباشد، در زندان های شمال سوریه هزارها تن از افراد داعش زندانی هستند و قسد به وکالت از امریکا از زندان ها سپرستی و حمایت میکند. امریکا در مقابل مراقبت از زندانها از قسد حمایت مالی و لوژستیک می کند.

آقای مسعود البارزانی، رئیس حزب اتحاد دیموکراتیک کردستان عراق رابطه قوی و استراتیژی با ترکیه دارد. او در ملاقات با رئیس قسد مظلوم عبدی، دعوت به تفاهم با اداره جدید نمود و از مظلوم عبدی خواست تا از حزب کارگر ترکیه (PKK) فاصله گیرد. ادامه سیطره قسد بالای شمال شرق سوریه، جنگ داخلی و تقسیم سوریه را حتمی می سازد.¹

در نهایت می توانیم باین نتایج برسیم:

1. افزایش تنش بین قسد و دمشق- در صورت عدم توافق بین دولت سوریه با قسد، ممکن است روسیه قوای قسد را زیر فشار نظامی و سیاسی قرار دهد.
2. تهاجم ترکیه- ترکیه چنانکه در صفحات گذشته بیشتر وضاحت داده شد، قسد را به عنوان یک تهدید امنیتی می بیند و احتمال دارد برای تضعیف این گروه عملیات نظامی جدیدی را علیه آن انجام دهد، مشابه به حملات قبلی در مناطق شمال سوریه.
3. ولایات متحده تا کنون از قسد حمایت می کند، اما سیاست واشنگتن در قبال سوریه در حال تغییر است. در صورت تشدید درگیری ها، ممکن

¹. سمیر العرکی، محقق در شئون ترکیه، الجزيرة 2025/28/1.

است از قسد در برابر حملات داعش و برخی تهدید های منطقوی حمایت کند. مداخله امریکا مشکلات بیشتر را برای منطقه بوجود می آورد و رابطه ای امریکا با ترکیه و دولت جدید سوریه به غیر عادی تبدیل خواهد شد، و همچنین کشور های اروپائی در حمایت امریکا از قسد حمایت نخواهند کرد. می توان گفت که میزان حمایت امریکا از قسد بستگی به تحولات میدانی و تصمیمات استراتژیک و اشنگتن دارد. و سیاست های امریکا همیشه ثابت نبوده قابل تغییر در حالات مختلف میباشد.

4. در عدم توافق بین قسد و حکومت جدید سوریه، ممکن است بی ثباتی در سوریه و کشور های همجوار آن بیشتر شود، و داعش از بی ثباتی استفاده نموده فعالیت های خود را بیشتر سازد، در این صورت مداخلات بازیگران خارجی بیشتر می شود.

فرصت ها و چالش های پیش روی افغانستان

دانشمندان و نخبگان کشور هایی اسلامی در این اواخر بحث های جالب را در موضوع شرق میانه و تحولات آن تقدیم کردند، اما متأسفانه نخبگان و روشنفکران افغانستان در بدل اینکه بحث در موضوع شرق میانه جدید “New Middle East” و تأثیرات آن را بر افغانستان بحث و تحقیق نمایند، خود و ملت را مشغول امور ثانوی کردند، این روش بدون شک به نفع استعمار معاصر و عدم ثبات سیاسی و وحدت اراضی افغانستان میباشد.

تعدادی از محققین و تحلیل گران افغان مشکلات سیاسی و امنیتی افغانستان را ارتباط مستقیم به مداخلات پاکستان در شئون و امور داخلی

افغانستان و حمایت نظامیان پاکستان از افراط گرایان می دانند. همچنین نهضت طالبان را اساس مشکلات افغانستان می دانند و در مسائل سیاسی و امنیتی از نقش استعمار نو و اشغال نظامی و مداخلات روسیه و امریکا و همسایه های افغانستان بغیر از پاکستان سکوت می کنند . متأسفانه محققین و تحلیل گران افغان خود را زحمت نمی دهند تا پلانه های سیاسی و استراتژیک قوای بزرگ معاصر را مطالعه نمایند و نقشه های سری و علنی و تقسیم جهان اسلام را توسط قوای بین المللی بررسی و مطالعه نمایند و از تجربه های جنگ جهانی اول و دوم و تقسیم سرزمین های خلافت عثمانی استفاده نمایند.¹

امارت اسلامی افغانستان در مدت سه و نیم سال نتوانست مشروعیت قانونی یا مشروعیت مبتنی بر قانون اساسی را بدست آورد. عدم تدوین قانون اساسی از طرف امارت اسلامی سبب فقدان مشروعیت قانونی نظام است.

همچنان امارت اسلامی نتوانست مشروعیت سیاسی داخلی و مشروعیت بین المللی را بدست آورد. همچنین مشروعیت اقتصادی را نظربه اقدامات غیر قابل قبول ملی و بین المللی بدست نیاورد. عدم مشروعیت قانونی و سیاسی و بین المللی آینده نظام را به مخاطره می اندازد. سقوط نظام جدید در افغانستان با خونریزی شدید و اشغال نظامی مجدد تمام خواهد شد ، و هیچ طرف از سقوط نظام جدید منفعت بدست نمی آورد. بهترین روش اصلاح نظام و قبول مشارکت ملی و تدوین قانون اساسی و قبول انتخابات آزاد و احترام حقوق مردم میباشد.

¹. روزنامه الجزیر تاریخ 2025/14/1.

سردرگمی‌هایی نخبگان و سیاسیون افغانستان روشنفکران مهمترین عامل عدم ثبات در تاریخ معاصر افغانستان است. سیاسیون و روشنفکران افغانستان در سقوط نظام امارت اسلامی متفق‌النظر میباشند، اما برای آینده سیاسی افغانستان برنامه مشترک ندارند. عموماً سیاسیون و نخبگان کشور وابسته به سیاست‌های خارجی میباشند و کشورهای خارجی ایشان را کنترل و در وقت مناسب مورد استفاده قرار می‌دهند. قابل تذکر است که بحران روشنفکران و سردرگمی سیاسیون یکی از عمده‌ترین مشکل نه تنها در افغانستان بلکه مشکل عمومی در جهان اسلام میباشند.

ممکن است سؤال پیش شود که افغانستان چه ارتباط به نقشه شرق میانه و تغییرات سیاسی در محیط شرق میانه دارد، از نظر نویسندگان و محققین افغان، افغانستان در وسط آسیا موقعیت دارد نه در خلیج عربی و افغانستان جزء از شرق میانه نیست.

عنوان بحث شامل افغانستان نیز می‌شود. قبل از اینکه بحث را ادامه داد لازم است تا شرق میانه را از ناحیه سیاسی، جغرافیایی، و فرهنگی تعریف کرد تا دیده شود که آیا افغانستان در داخل شرق میانه موقعیت دارد یا ندارد.

شرق میانه از نظر جغرافیایی، سیاسی، دینی، مذهبی و اقتصادی

شرق میانه تعریف سیاسی، جغرافیایی، فرهنگی، اقتصادی و دینی دارد، و شامل کشورهای بیشتری می‌شود. زمانیکه سخن از شرق میانه به میان می‌آید، عده تصور دارند که شرق میانه یعنی کشورهای خلیج عربی، درحالیکه شرق میانه از نظر جغرافیا، اقتصاد و سیاسی شامل کشورهای متعددی می‌شود.

اصطلاح «شرق میانه بزرگ / Greater Middle East»، عموماً به منطقه‌ای گسترده تر از شرق میانه سنتی دارد و شامل کشورهایی بیشتری می‌باشد.

شرق میانه منطقه جغرافیایی و فرهنگی است که شامل کشورهای واقع در جنوب غربی آسیا و شمال آفریقا می‌شود. این منطقه به دلیل موقعیت استراتژیک، منابع غنی انرژی (مانند گاز و نفت) و تاریخچه تمدنی غنی، اهمیت بسیاری دارد.

شرق میانه شامل کشورهایی ذیل است:

کشورهای خلیج عربی: ایران، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، قطر، عمان، بحرین، کویت، سلطنت عمان و یمن.

کشورهای شرق مدیترانه: ترکیه، سوریه، لبنان، اردن، فلسطین، و درحال حاضر اسرائیل، شبه جزیره عربستان و یمن.

کشورهای شمال آفریقا: مصر، سودان، لیبیا. همچنین کشورهای دیگری مانند عراق، افغانستان و حتی قبرص نیز به عنوان شرق میانه در نظر گرفته می‌شوند.

آسیای مرکزی و جنوبی شامل شرق میانه می‌شود، مانند: افغانستان، جمهوری‌های آسیای مرکزی (قزاقستان، قرقیزستان، تاجکستان، ترکمنستان، ازبکستان).

البانیا با اینکه در جنوب شرقی اروپا موقعیت دارد. با این حال به دلیل داشتن اکثریت مسلمان و نژاد ترک، گاهی در برخی مباحث مرتبط با جهان اسلام ذکر و گاهی جزء خاورمیانه حساب می‌شود.

تقسیم بندی شرق میانه

تقسیم جغرافیایی: شرق میانه شرقی (مانند ایران، افغانستان و پاکستان).
 شرق میانه غربی: (مانند سوریه، عراق و اردن).
 تقسیم سیاسی: کشور های با ساختار سیاسی شاهی (مانند عربستان و سلطنت عمان).
 کشورهای جمهوری (مانند ایران و مصر و باقی کشور های افریقائی و آسیایی).
 تقسیم فرهنگی و مذهبی: کشور های عربی زبان (مانند عربستان و مصر و شامل افریقا).
 کشورهای غیر عربی زبان (مانند ایران و ترکیه و افغانستان).
 کشورهای با زبان ترکی و نژاد تورانی.
 کشورهای با اکثریت سنی مذهب و شیعه مذهب.
 شرق میانه محل پیدایش تمدن های باستانی مانند: سومر، بابلو، مصر و همچنین ادیان بزرگ یهودیت، مسیحیت و اسلام است. این منطقه امروز نیز به دلیل نقش اقتصادی، منابع انرژی و اهمیت ژئوپلیتیکی در جهان جایگاه مهمی دارد.
 همچنان علمای جغرافیا جهان عرب را به دو منطقه تقسیم می کنند: غرب جهان عرب، شرق جهان عرب. شرق اسلامی و غرب اسلامی، شرق، شرق میانه و غرب شرق میانه. از سرحدات غربی مصر غرب اسلامی و عربی شروع می شود و از سرحد شرقی مصر، شرق عربی و اسلامی شروع می شود. همچنان شرق میانه به اساس میزان قوای سیاسی و اقتصادی و نظامی تقسیم می شود.

شرق شناسان (مستشرقین) و مراکز تحقیقات شرق شناسی، شرق میانه را تعریف مختلف از تعاریفات دیگران می کنند. شرق شناسان و مراکز تحقیقات شرق شناسی، سیاست کشور های غربی خصوصاً امریکا را می سازند. در بین شرق شناسان داکتر برنارد لوئیس (BERNARD LEWIS)، یک تاریخ نگار شرق شناس و برازند اصل یهودی بریتانیایی، امریکایی بود. او به دلیل مطالعات گسترده اش در زمینه تاریخ اسلام، شرق میانه و روابط غرب با جهان اسلام شهرت داشت. لوئیس نقش مهمی در شکل گیری سیاست های غرب، بخصوص ایالات متحده، نسبت به شرق میانه داشت.

داکتر برنارد لوئیس شرق میانه را نه فقط بر اساس عوامل فرهنگی، قومی و مذهبی تقسیم بندی می کند. او در مطالعات خود، به درگیری های داخلی این منطقه، تنوع قومی، مذهبی سیاسی توجه داشت.

مفهوم شرق میانه از نظر لوئیس: لوئیس بر تنوع قومیتی در شرق میانه تأکید داشت مانند: اعراب: بخش عمده شرق میانه ایرانی ها (فارس ها)، ایران. ترکها، کردهای مناطق ایران، عراق، ترکیه و سوریه. یهودیان: اسرائیل. اقوام کوچکتر مانند: ارمنی ها، آشوری ها و بربرها.¹

اختلافات مذهبی: لوئیس برنارد معتقد بود که تقسیمات مذهبی تأثیر بسزایی در درگیری های منطقه دارند. اقلیت های مذهبی مانند: عیسویان، یهودیان، زردشتیان، درزی ها و علوی ها.

¹. بربرها (یا امازیغ ها / Imazighen) یکی از اقوام بومی شمال آفریقا هستند. آنها در کشورهای مراکش، الجزایر، تونس، لیبیا، موریتانیا، مالی، نیجر و بخش هایی از مصر و بورکینا فاسو زندگی می کنند.

پدیده ملی گرایی و مرزهای مصنوعی: لوئیس اعتقاد داشت که بسیاری از سرحدات شرق میانه (سایکس پیکو) مصنوعی بوده و نتیجه سیاست های استعماری است. این سرحدات باعث شده اند که تنش های قومی و مذهبی تشدید شوند. لوئیس برناد توجه بیشتر به تقسیم کشور های شرق میانه به واحدهای کوچکتر داشت و نظریات او در ریاست جورج دابلیو بوش اهمیت خاص برای امریکا داشت.¹

اکثر محققین جهان اسلام و شرق میانه، لوئیس برنارد را متهم به جانبداری از غرب و سیاست های استعماری می کنند. برخی معتقدند که تقسیم بندی لوئیس و ایده های او در سیاست خارجی غربی (به خصوص تهاجم امریکا به عراق و افغانستان) تأثیرات منفی داشته است. در هر صورت نظریات و تقسیم بندی لوئیس برنارد در حالت تطبیق و رشد و قبول جامعه سیاسی غرب و خصوصاً امریکا است. اداره جدید امریکا در تقسیم جهان اسلامی از نظریات لوئیس استفاده عظمی می کند.

¹. ویکی پدیا (نسخه فارسی): برنارد لوئیس - ویکی پدیا.

ویکی پدیا (نسخه انگلیسی): Bernard Lewis – Wikipedia

ترجمه آثار لوئیس در کتابخانه ملی ایران. لوئیس بیشتر از 200 مقاله علمی و 30 کتاب دارد معروفترین تألیفات او عبارت است از:

اعراب در تاریخ / The Arabs in History

The Middle East : A Brief History of the Last . 2,000 Years / تاریخ خاور میانه سال 2000 مختصر گذشته

مشکل از کجا آغاز شد / What Went Wrong

روزنامه نیویارک تایمز: مقاله ای درباره زندگی و تأثیر او بر سیاست های خاور میانه:

Bernard Lewis , Influential Scholar of Islam, Dies at 101

افغانستان به طور تاریخی و اجتماعی بخشی از منطقه آسیا جنوبی و آسیای میانه محسوب می شود، اما در تحلیل های جیوپلتیکی اخیر، این کشور نقش کلیدی در تحولات شرق میانه و ارتباط با قدرت های جهانی ایفا می کند. جایگاه افغانستان در نقشه جدید شرق میانه به عوامل ذیل ارتباط و بستگی دارد:

1. موقعیت جغرافیایی و استراتژیک: افغانستان به عنوان پل ارتباط میان آسیا جنوبی، آسیای میانه و شرق میانه، نقش مهمی در ترانزیت انرژی، تجارت و اقتصاد ایفا می کند.
2. تحولات سیاسی و امنیتی: تغییرات در ساختار قدرت در افغانستان و تأثیرات بازیگران منطقه (مثل ایران، پاکستان، چین و کشورهای آسیای مرکزی) و قوای جهانی (مثل آمریکا، چین، روسیه و هندوستان) بر این کشور، می تواند موقعیت آن را در شرق میانه تقویت یا تضعیف کند. افغانستان بحیث کشور اسلامی و دارای نظام اسلامی، می تواند تاجکستان، پاکستان و حتی ایران را تهدید کند و نظامهای فاسد را در این کشورها و دیگر کشورهای آسیای مرکزی به چالش کشد.
3. نقش در پروژه های منطقه ای: برنامه هایی مانند "کریدور اقتصادی چین-پاکستان (CPEC)" و پروژه های انرژی مانند «تاپی» می توانند افغانستان را به بخشی مهم از طرح های اقتصادی و جیوپلتیکی منطقه تبدیل کنند. اکثر کشورهای جهان موقعیت سیاسی و جغرافیایی

افغانستان را می دانند و حملات گذشته بالای افغانستان نیز به همین سبب بود.¹

4. موقعیت افغانستان برای چین و هندوستان اهمیت زیاد دارد. خط آهن و طریق بری که چین را به شرق میانه و از آنجا به افریقا وصل می کند از افغانستان می گذرد. روابط نیک چین با افغانستان میتواند موفقیت برای پروژه های چین در شرق میانه و شمال افریقا باشد. و همچنین سبب تشویش امریکا و اسرائیل.

5. یکی از اهداف ترامپ برای گرفتن نوار غزه ، ساختن بندر بحری و طریق بری میباشد. ترامپ می خواهد برنامه چین را متوقف و یا متضرر کند و برای مانع شدن ساخت راه بری و خط آهن از طریق افغانستان ، امریکا پلان دارد تا این راه را از طریق فلسطین و شرق میانه عمار کند. مانع شدن چین برای رسیدن به بازار شرق میانه و شمال افریقا تأثیرات منفی را بالای افغانستان وارد می کند و شرق میانه بیشتر وابسته به اقتصاد امریکا می شود.

¹. برنامه کریدور اقتصادی چین-پاکستان (CPEC) ، China – Pakistan Economic Corridor است. این یک پروژه بزرگ همکاری اقتصادی بین چین و پاکستان است که بخشی از ابتکار یک کمربند ، یک راه (Belt and Road Initiative) چین محسوب می شود.

هدف اصلی CPEC تقویت زیر ساخت ها ، حمل و نقل ، انرژی و تجارت بین چین و پاکستان است. این برنامه شامل ساخت جاده ها ، راه آهن ، بنادرمانند (بندرگوادر) نیروگاه ها و سایر پروژه های توسعه ای است. این پروژه برای منطقه خصوصاً افغانستان دارای اهمیت زیادی دارد.

6. افغانستان به شدت به کمک های خارجی برای حل مشکلات اقتصادی و مهاجرین خود در ایران، پاکستان و کشورهای عربی دارد. تحریم های اقتصادی، جنگ ها و بحران های اقتصادی در این کشورها و شرق میانه بصورت عموم می تواند وضعیت اقتصادی و اجتماعی افغانستان را مشکل و دشوارتر کند.

7. رقابت های قدرت های بزرگ، درگیری های شرق میانه می تواند باعث افزایش رقابت های بین المللی شود که ممکن است به طور مستقیم و غیر مستقیم بر افغانستان تأثیر بگذارد، به خصوص در روابط بین امریکا، چین، روسیه و کشورهای منطقه.

بنابراین، هرگونه تحول در خاورمیانه، چه سیاسی، اقتصادی یا امنیتی، می تواند اثرات برای افغانستان داشته باشد. و از دولت افغانستان می خواهد تا آمادگی کامل برای مقابله با تحولات در منطقه باشد.

با این حال، افغانستان به دلیل چالش های امنیتی و اقتصادی داخلی و همچنان نیازمند ثبات بیشتر برای ایفای نقش مؤثرتر در معادلات منطقه ای است. افغانستان میتواند ثبات سیاسی را در شرق میانه و آسیای مرکزی بوجود آورد و بی ثباتی افغانستان بدون شک تأثیرات منفی را بر شرق میانه جدید و خصوصاً آسیای مرکزی و جنوبی وارد میکند. کشورهای استعماری که در پی تقسیم شرق میانه هستند نمی خواهند افغانستان با ثبات و مستقر و آرام بوجود آید. استقرار و صلح و روابط خوب بین کشورهای شرق میانه بشمول افغانستان و منطقه مانع تقسیم شرق میانه و مانع وجود اسرائیل بزرگ میشود.

بعد از پیروزی آقای ترامپ، سیاسیون حزب جمهوری را بنام حزب ترامپ یاد میکنند. پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری، دو مجلس (کانگرس و

سنا) و محکمه عالی « U.S. Supreme Court » آمریکا بسوی دیکتاتوری راست عیسوی در حرکت است. اداره جدید گروهی محافظه کار حزب جمهوری را کاملاً از نظام سیاسی دور ساخت. سیاست جدید آمریکا، سیاست تجارتی و استعمار اقتصادی است. قوای لیبرالی و محافظ در آینده نزدیک، نقش مهم و اساسی را در سیاست آمریکا ندارد. کشورهای عربی و اکثر کشورهای اسلامی در آسیا و آفریقا در موقعیت نیستند که بتوانند مانع نقشه جدید شرق میانه باشند. نظام های سیاسی در شرق میانه، بنام نظامهای وظیفوی یاد می شوند، به عبارت دیگر وظیفه دارند تا سیاست های آمریکا را تعقیب و عملی کنند.

نقشه جدید شرق میانه تحت حمایت آمریکا و اسرائیل در حالت تشکل است. دولت اسرائیل نقشه ای جدید شرق میانه را رسم و در مدارس خود تدریس می کند. در جلسات شورای امنیت ملل متحد و مجالس بین المللی صدر اعظم اسرائیل نقشه جدید شرق میانه را که صبغه دینی دارد معرفی کرد و تأیید مطلق آمریکا را برای نقشه جدید بدست آورد.

حکومت های اسرائیل از مدت ها قبل نقشه را برای اسرائیل بزرگ ترتیب داده بودند. دولت اسرائیل با اساس معتقدات دینی و ارشادات تورات به دنیا و آینده اسرائیل می بیند.

سکه ای بنام « 10 اکورا » در اسرائیل وجود دارد که بروی آن نقشه ای حک شده است که به « اسرائیل بزرگ » اشاره دارد. این نقشه شامل سرزمین های فلسطین تاریخی، اردن، سوریه و لبنان است.

یاسر عرفات، در سخنانی به این سکه اشاره کرده و گفته بود که در پشت آن، شمعدانی (نماد یهودیان) و در زیر آن، نقشه « اسرائیل بزرگ » قرار دارد که

شامل جزیره سینا، تمام لبنان، تمام اردن، دو سوم سوریه، سه چهارم عراق و یک سوم عربستان سعودی تا سرحد مدینه منوره است.¹ نقشه اسرائیل بزرگ خیال بافی سیاسی نیست، پلان وسیع و مطابق به عقائد یهودیت می باشد و اسرائیل بزرگ در حال تشکیل است. اسرائیل در حال حاضر با اکثر کشور هایی افریقایی روابط نظامی دارد. اگر نوار غزه سقوط کند و حماس بحیث یک قوت نابود شود، شرق میانه بدون دیوار میشود. یگانه قوه ای که میتواند دروازه شرق میانه را حمایت و حفظ کند، قوای اسلامی و در رأس آن حماس است.

برای تطبیق برنامه های جدید و تقسیم کشورهای اسلامی، نشر بی نظمی، تقویت فکر افراط گرایی و قومی و نژادی و مذهبی بین مسلمانان است. اشغال عراق این میتود را ثابت کرد. نظام دیکتاتوری صدام حسین سقوط کرد، اما دیکتاتوری مذهبی و نژادی جانشین آن شد که به مقارنه با عصر صدام خطرناکتر است و عراق از دیموکراسی سالها عقب ماند. امریکا و مسائل متعدد برای مبارزه با دیکتاتوری و نشر دیموکراسی داشت اما از این و مسائل استفاده نشد.

اسرائیل و راست افراطی صهیونیسم، امریکا را قناعت داد که شرق میانه جدید ممکن نیست مگر با استفاده اسلحه و جنگ، لذا جنگ برای مدت طولانی در شرق میانه ادامه خواهد داشت و آتش آن به افغانستان و کشور هایی همسایه افغانستان می رسد.

¹. اصل سکه را میتوانید در سایت اسرائیل مشاهده کنید. همچنین دیده شود: MASHREGHNEWS.IR . AND DIDARNEWS.IR / کوشش کردم کاپی نقشه را در این تحقیق بیاورم، اما نتوانستم.

سیاست رئیس ترامپ نسبت به شرق میانه و افغانستان در دوران اول ریاست امریکا، شامل کاهش حضور نظامی ایالات متحده در افغانستان و بطور کل در شرق میانه بود. او پلان اخراج قوای امریکایی را در سال 2021 اعلان کرد و این برنامه و پلان در عهد ریاست بایدن اجرا شد.

حوادث جدید و نقش امریکا در شرق میانه و اشغال نظامی نوار غزه، ادامه جنگ بین فلسطینی ها و اسرائیل و مهاجرت اجباری مردم نوار غزه و همچنین اخراج فلسطینی های کناره غرب نهر اردن به اردن تشنج و عدم ثبات را در شرق میانه بیشتر ساخته است.

اسرائیل سعی دارد امریکا را قناعت دهد تا بالای ایران حمله نظامی با اشتراک اسرائیل نماید. در حمله بالای ایران کشورهای خلیج عربی مخالفت ندارند. اگر حمله بالای ایران انجام شود، امنیت افغانستان نیز تحت تأثیر قرار می گیرد.

در صورت حمله بالای ایران، استفاده احتمالی از فضای افغانستان و از خاک افغانستان برای عملیات نظامی استفاده می شود، طالبان ممکن است واکنش نشان دهند و این کشور را بیشتر درگیر جنگ کند. بطور کلی، هر گونه تنش نظامی و جنگ در منطقه می تواند افغانستان را با چالش های جدی امنیتی، اقتصادی و انسانی رو به رو کند، خصوصاً که افغانستان در شرایط کنونی با مشکلات زیادی مواجهه می باشد. برخی گروه های طرفدار ایران در افغانستان خصوصاً لشکر فاطمی بی تفاوت نمی مانند. همچنان رقابت های منطقه ای تشدید می شود که هیچکدام به نفع افغانستان نیست.

ایران به عنوان یکی از بازیگران مهم شرق میانه، روابط خوب با امارات اسلامی دارد، همچنان تأیید و همکاری شیعیان و لشکر فاطمی را دارد. اگر

حملات زمینی بالای ایران صورت گیرد افغانستان مرکز این حملات خواهد بود. با روابط خوب ایران با امارت اسلامی، ایران در موقف طالبان نسبت به خود شک دارد. در کنفرانس تهران و ملاقات با مسئولین وزارت خارجه و آقای «ابو الفضل ظهورند» مسئول دسک افغانستان در دوره اول امارت اسلامی، فهمیدم که حکومت ایران، حرکت طالبان را قوای سنی و متحد امریکا علیه ایران می داند و جای شک نیست که ایران تا هنوز به همین فکر خواهد بود. آقای ظهورند بصراحت در هوتل حیات ریجنسی که بنام هوتل آزادی بزرگ یاد می شود برایم گفت که حرکت طالبان، یک حرکت سنی و همکار امریکا علیه ایران است. همین برداشت از امارات اسلامی در آنزمان سیاست خارجی ایران را می ساخت.¹

اگر امریکا سیاست دشمنانه را علیه گروه ها و احزاب اسلامی، افراطی و معتدل در شرق میانه پیش گیرد، امارت اسلامی ممکن است با فشارهای اقتصادی و سیاسی بیشتری مواجه شود و مخالفین طالبان و گروه های شمال بیشتر در خدمت امریکا قرار گیرند. این امر میتواند باعث تشدید بحران اقتصادی و سیاسی در افغانستان شود، و افغانستان به قدرت های مانند چین، روسیه، ایران و هند نزدیکتر شود.

روابط امریکا با پاکستان در یک حالت قرار ندارد، پاکستان نقش کلیدی را در تحولات افغانستان دارد. اگر واشنگتن سیاست فشار بر اسلام آباد را

¹. آقای ظهورند سفیر ایران در ایتالیا و افغانستان، و مشاور رئیس جمهور در امور افغانستان بود. زمانی که بحیث سفیر برای افغانستان تعیین شد، در یک برنامه زنده در تلویزیون آریانا (اقای مسکینیار) گفتم که اگر من رئیس افغانستان می بودم با تعیین او مخالفت میکردم.

پیش گیرد ، احتمالاً پاکستان روابط خود را با امارت اسلامی و کشورهای منطقه تقویت بیشتر کند. این روش تأثیرات بر ثبات افغانستان وارد می نماید.

تحولات جدید در شرق میانه و سیاست امریکا برای منطقه و نقشه ای جدید برای شرق میانه ، موجب تغییر موازنه یا توازن قدرت در افغانستان می شود. سیاست های شدید رئیس ترامپ علیه ایران و روابط غیر حسنه با چین و اخراج فلسطینی ها از خاک شان و احتمال تغییر در نظام های بعض کشور های عربی و در حال تمرکز امریکا بر منافع خودش میتواند افغانستان را در معاملات منطقه ای بیشتر وابسته به قدرت های دیگر سازد، خصوصاً ایران، چین و هندوستان. وابسته شدن به قدرت های منطوقی به نفع افغانستان نیست و افغانستان بحیث یک کشور فقیر قدرت مقاومت و بازی های بزرگ سیاسی را ندارد.

افغانستان احتیاج به حکومت سالم، قانون اساسی مبتنی بر شریعت اسلامی ، بیطرفی در قضایای منطوقی و بین المللی ، حفظ ثبات داخلی ، تساوی حقوق ، قبول شهروندی دارد.

روابط متوازن با کشورهای همسایه خصوصاً هند و پاکستان و ایران و کشور های آسیا میانه به نفع افغانستان است. جلوگیری از مداخلات خارجی میتواند افغانستان را از میدان و ساحه جنگ های نیابتی حفظ کند. جلوگیری از مداخلات خارجی مستلزم وحدت ملی میباشد. عدم وحدت ملی و عدم تحمل مسئولیت مشترک افغانستان را به میدان جنگ های نیابتی تبدیل میکند و ما این تجربه را قبلاً تکرار نمودیم.

افغانستان برای هندوستان و پاکستان مهم است و هر دو کشور توجه به افغانستان دارند. افغانستان عمق استراتژی پاکستان می باشد. اگر تصادم نظامی بین هند و پاکستان صورت گیرد، ممکن است اسلام آباد سقوط کند و پاکستان برای عقب نشینی بغیر از افغانستان جای دیگری ندارد. هندوستان از افغانستان می خواهد که جانب او را بگیرد و از پاکستان فاصله داشته باشد. سیاست بی طرفی ممکن درحین وقت باعث ایجاد تنش های دیپلماتیک بین افغانستان و همسایه ها شود.

اما در شرایط کنونی بی طرفی بهترین گزینه برای افغانستان است. به دلیل اینکه افغانستان هنوز در حالت بازسازی و ثبات داخلی است. جنگ بین دو همسایه هسته ای می تواند عواقب نا مطلوب داشته باشد. با موقف بی طرفی سالم افغانستان میتواند میانجی گر خوب بین پاکستان و هندوستان باشد.

بعض احزاب سیاسی دوران جمهوریت و تعداد از احزاب جهادی که در خارج افغانستان اقامت اختیار کرده اند باین عقیده و باور میباشند که حکومت جدید امریکا موقف شدید علیه امارت اسلامی می گیرد و ممکن نظام امارت اسلامی را مانند گذشته سقوط دهد و در این صورت به همکاری مخالفان طالبان مثل گذشته ضرورت میداشته باشد.

امریکا واقعیت های نظامی افغانستان و روابط غیر رسمی کشورهای مختلف را با امارت اسلامی بهتر از سیاسیون و احزاب سیاسی افغانستان می داند. سیاسیون خارج از کشور متأسفانه واقعیت های عینی افغانستان را یا صحیح درک نکرده اند و یا اینکه نمی توانند درک کنند. ملت افغانستان تجربه های ناکام احزاب سیاسی و احزاب جهادی را فراموش نکرده اند.

امریکا با همکاری ائتلاف بین‌المللی، در سال 2001 به افغانستان حمله کرد و در نتیجه آن، حکومت امارت اسلامی سقوط کرد. سپس در دسامبر 2001 کنفرانس بن (جرمنی) برگزار شد و بن حکومتی را تشکیل داد که امریکا می‌خواست.¹

امریکا افغانستان را بطور امانت به گروه‌های شمال و شخصیت‌های با اطمینان خود تسلیم کرد. مدت بیست سال جمهوریت اسلامی را حمایت و تجربه نمود. بعد از بیست سال زمامداران افغانستان امانت را طوری که تسلیم شده بودند دوباره تسلیم کردند و از افغانستان خارج شدند.

امارت اسلامی دور دوم به مقارنه با دور اول کاملاً متفاوت است و عوامل متعدد و مؤثر امارت اسلامی دوم را نسبت به مرحله اول قوت بیشتر داده. می‌توان عوامل را به نقاط ذیل خلاصه کرد:

اول) تجربه نظامی و تسلیحاتی، طالبان بعد از خروج امریکا بیشتر شده و طالبان سلاح‌های پیشرفته و توانایی دفاعی بیشتر را دارند. رئیس ترامپ اعلام داشت که اسلحه‌های امریکایی را از افغانستان بزور و یا با پرداخت پول بدست می‌آورد. اجرائی این کار یعنی گرفتن اسلحه از امارت اسلامی عملی نیست.

دوم) احزاب جهادی و اتحادیه شمال در حال حاضر قوت و نفوذ زیاد در داخل افغانستان قسمیکه در دوران جهاد و اشغال امریکا داشتند ندارند تا

¹. هر قدر کوشش نمودم تا شورای قبرص در کنفرانس بن اشتراک نکند، موفق نشدم، آقای ظهورند با همکاری جریر نماینده ای حزب اسلامی، با عده در کنفرانس بن به نمایندگی شورای قبرص اشتراک کردند. من احتجاجاً اشتراک نکردم. بعداً در کنفرانس لندن که علیه جنگ و حمله بود اشتراک نمودم و داکتر صاحب قیوم کوچی از امریکا نیز اشتراک داشت.

بتوانند با طالبان بصورت مستقل داخل جنگ و برنده هم شوند. از جانب دیگر موقف زعمای جهادی و سیاسی نسبت به گذشته بین مردم بسیار ضعیف گردیده و ضمناً اتحاد نظربین زعمای سیاسی وجود ندارد و وفات بعض زعمای جهادی و کبر سن یک تعداد دیگر سبب ضعف و ناتوانی مخالفین طالبان شده است.

سوم) امارت اسلامی حمایت منطقه ای را دارد و به طور غیر مستقیم از جهات مختلف کمک و حمایت نظامی و سیاسی و اقتصادی می شود.

چهارم) اگر امریکا تصمیم به حمله داشته باشد، احتمالاً از حملات هوایی استفاده خواهد کرد. حملات هوایی میتواند چالش بزرگ برای امارت اسلامی افغانستان باشد، اما از نظر و منطق عسکری حملات هوایی بدون اینکه عسکر در زمین باشد نتیجه مثبت ندارد. امریکا در وقت حاضر مشغول در شرق میانه و چین است و فرصت و امکانات ارسال نظامیان را به افغانستان ندارد.

اگر امریکا حمله محدود هوایی انجام دهد، طالبان ممکن است بتوانند مقاومت کنند. اما اگر حملات گسترده باشد، در این حالت امارت اسلامی در دراز مدت با مشکلات جدی مواجه خواهد شد، اما سقوط نمی کند و نیروهای جهادی طالبان به جنگهای چریکی ادامه میدهند و امریکا بعد از چند دهه بدون نتیجه از افغانستان خارج میشود. افغانستان مرکز مخالفین امریکا می شود. در هر حالت اتحادیه شمال کدام مفاد را بدست نمی آورد بجز خرابی و مهاجرت بیشتر هموطنان.

این حالات از سیاسیون و طبقه تعلیم یافته و روشنفکران افغانستان میخواهد بیشتر متوجه کشور باشند و در خدمت استعمار معاصر قرار

نگیرند. متأسفانه حرکت طالبان (امارت اسلامی) درایت کامل از تغییرات جدید که در جهان جریان دارد ندارد و با سیاست تشدد و مخالفت با تعلیم نسوان، عدم تدوین قانون اساسی و قبول مشارکت ساحه را بیشتر آماده ای مشکلات و تصادمات نظامی و مدخلات خارجی می سازد.

مناسب ترین روش سیاسی برای افغانستان، حفظ تعاملات سیاسی و اقتصادی با امریکا و غرب و عدم مداخله به شئون کشور هایی همسایه است. این سیاست زمانی به نتیجه میرسد که حکومت افغانستان حمایت داخلی و بین المللی را کسب کند.

از جانب دیگر رسیدن راست افراطی یهودی در فلسطین اشغال شده و اروپا زنگ خطر برای جهان سوم بطور عموم و کشور های خلیج عربی و اسلامی میباشد و افغانستان از خطر نمی تواند دور ماند.

افغانستان در بین کشورهای که توسط نظامهای استبدادی و دیکتاتوری اداره می شوند موقعیت دارد. این وضعیت همیشه افغانستان را تهدید می کند. کشورهای شمال افغانستان از نظام قوی اسلامی در کابل خوف دارند، و ترس ایشان از قیام مردم شان علیه نظامهای استبدادی میباشد. اگر حکومت افغانستان اراده کند میتواند نظامهای سیاسی و استبدادی کشورهای شمال افغانستان و پاکستان را تهدید مستقیم کند.

جای شک نیست که پاکستان و همسایه های افغانستان مصلحت و منافع سیاسی شانرا را بالاتر از تمام اعتبارات دیگر میدانند و در ساحه سیاسی زعماء هر کشور منافع سیاسی و مصلحت نظام را بالاتر از منافع و مصلحت کشور دیگر و حتی باشندگان کشور شان میدانند. زعمای سیاسی و حکام

کشور های همجوار افغانستان کشور های شان را برای منافع شخصی و خانواده گی و افسران عالیرتبه ساخته اند.

افغانستان برای پاکستان عمق استراتیجی است، در حالت بروز جنگ با هندوستان، پاکستان برای عقب نشینی جزء افغانستان جای دیگری ندارد. همچنان پاکستان عمق استراتیژی افغانستان به حساب می آید و تجربه دوران جهاد این حقیقت را ثابت کرد.

روابط سیاسی بین پاکستان و هندوستان همیشه در حالت تشنج است و احتمال جنگ اتمی بین دو کشور میرود. هند بحیث قوه ای بزرگ اقتصادی و نظامی در هر وقت میتواند امنیت پاکستان را مختل و اراضی پاکستان را اشغال کند. افغانستان به دلیل موقعیت استراتژیک و روابط پیچیده با کشورهای همسایه، می تواند به عنوان بازیگر مهمی در تحولات منطقه ای در صورت وقوع جنگ بین هند و پاکستان نقش داشته باشد.

در صورت جنگ، افغانستان با موقعیت جغرافیایی به عنوان محل عبور یا مانع از حملات نظامی مورد توجه قرار می گیرد. همچنین با توجه به وضعیت سرحدات پرتنش افغانستان، درگیری ها ممکن است بر تحرکات گروه های افراطی و شورشی تأثیر بگذارد.

همچنان افغانستان در همکاری های منطقه ای، ممکن است به دنبال بهره برداری از روابط تاریخی و فرهنگی خود با پاکستان برای کاهش تنش ها یا افزایش همکاری ها با هند در زمینه های اقتصادی و امنیتی باشد.

پاکستان با سیاست امریکا در موضوع افغانستان اتفاق کامل دارد و سیاستمداران پاکستان و خصوصا قوای نظامی پاکستان کاری را نه در پاکستان و نه خارج حدود پاکستان انجام می دهند مگر با همکاری امریکا.

میدیا و وسائل جمعی مداخله پاکستان را مداخله خارجی در افغانستان میداند و نظام امارت اسلامی را وابسته با نظام پاکستان میداند درحالیکه واقعیت افغانستان غیر از این است. اما از مداخلات نظامی و سیاسی و اشغال افغانستان و مداخلات سائر همسایه های افغانستان ذکر نمی شود و بدین ترتیب ملت متوجه همسایه شرقی شده و از بازی های بزرگ سیاسی و منطقوی بی معلومات می ماند. حکومت های فاسد و مستبد و تحت حمایت خارجی مردم را در هر زمان و مکان متوجه کشور های خارجی می سازند تا در امور داخلی و ناکامی نظام توجه نداشته باشند و عموماً نظام های فاسد مشکلات داخلی که خود سبب آن استند به همسایه ها ارتباط میدهند و هر جنبش آزادی خواه و عدالت خواه را متهم به افراط گرایی و تروریستی می نمایند. مشکل وقتی بیشتر و عمیقتر میشود که دانشمندان و تعلیم یافتگان و روشنفکران در خدمت نظام های استبدادی قرار میگیرند. این طبقه هر ناکامی را کامیابی معرفی می کنند و با قصائد و اشعار و شعارات کاذب مردم را فریب می دهند. متأسفانه این واقعیت را در اشغال دوم بچشم مشاهده کردیم.

افغانستان مانند اکثر کشور های اسلامی و شرقی و افریقایی نمی تواند از تأثیرات خارجی و از تسلط نفوذ خارجی و اشغال نظامی و استعمار اقتصادی خارج باشد و در تقسیمات سیاسی بین کشورهای استعماری در امان ماند. پاکستان زیر تسلط نظام های استبداد عسکری با همکاری و تعاون با غرب و خصوصاً امریکا زندگی دارد و همچنان از طرف هندوستان همیشه تهدید می شود. بعد از روی کار آمدن نظام امارات اسلامی در افغانستان و تسلط حرکت طالبان بصورت مطلق بالای افغانستان، تشویش

پاکستان و همسایه های شمال افغانستان بیشتر شده است. حرکت طالبان در هر وقت میتواند کشور های شمال افغانستان و پاکستان را تهدید کند.

حالت سیاسی و اقتصادی پاکستان چندان از حالت افغانستان تفاوت ندارد و در حال حاضر افغانستان و پاکستان و مصر و عراق و عدۀ از کشور های خلیج عربی و کشور های شمال و غرب افریقا تحت حمایت غیر رسمی امریکا و غرب میباشند و امریکا است که سیاست نظامی و سیاسی اکثر کشور های اسلامی را مستقیماً و یا از طریق حکومت های دیگر رهبری می کند. افغانستان با تمام منابع طبیعی که دارد تا سالهای متمادی احتیاج به کمک های اقتصادی و فنی دارد. استخراج و استفاده از منابع طبیعی ارتباط به تجربه های علمی و اقتصاد قوی دارد و متأسفانه افغانستان فاقد تجربه های علمی و کدر علمی و اقتصاد قوی میباشد.

فضای افغانستان ، عراق ، سوریه ، اردن و یمن مستقیماً زیر تسلط امریکائی است. در حمله اسرائیل او اخر ماه اکتوبر 2024، بالای ایران که در آن صد هواء پیمای نظامی اسرائیل اشتراک داشت، از فضاء عراق و اردن عبور و بالای ایران حمله نمودند. حکومت عراق که در جمله ای همپیمانان ایران به حساب می آید و هر دو کشور توسط زمامداران شیعه اداره می شوند، با اینهم حکومت عراق مانع عبور طیارات حربی اسرائیل شده نتوانست و در علامیه رسمی حکومت عراق آمده بود که فضاء عراق زیر اداره امریکا است.

مشکلات جهان اسلام و افریقا و آسیا که افغانستان جزء کوچک آنرا می سازد، احتیاج به بررسی تاریخی دارد که متأسفانه دانشمندان افغانی و میدیا مردم افغانستان را از واقعیت های جهانی بی معلومات نگه میدارند این روش غیر علمی و غیر اکادمی نه تنها مشکلات افغانستان را حل و

فصل نخواهد کرد بلکه در آینده موجودیت افغانستان را به مخاطره می اندازد.

متأسفانه طبقه روشنفکر و تعلیم یافته افغانستان مانند کشور های دیگر اسلامی عامل مشکلات میباشند. طبقه تعلیم یافته و روشنفکر افغانستان، آتش اختلافات قومی و نژادی و مذهبی را سبب شده اند در حالیکه عامه افغانستان در پهلوی یکدیگر زندگی مشترک دارند.

افغانستان میتواند در تغییرات شرق میانه نقش مثبت ایفا کند، اما در صورت نبود سیاست های درست، واقدامات پیشگیرانه، این کشور ممکن است از لحاظ امنیتی، اقتصادی و اجتماعی آسیب فروان ببیند.

افغانستان ممکن است در صورت شدت گرفتن بحران ها و بی ثباتی های منطقه در تغییرات در نقشه ای جدید شرق میانه صدمه بیشتر را ببیند. میتوان بصورت فشرده صدمات که افغانستان در نقشه جدید شرق میانه به آن مواجه خواهد شد اینطور خلاصه کرد:

1. در صورت تغییرات سیاسی و اقتصادی در خاورمیانه و کشورهای همسایه، افغانستان از نظر اقتصادی صدمه بیشتر می بیند.
2. مداخلات خارجی: افغانستان همانطوری که میتواند در تغییرات شرق میانه نقش ایجابی و مثبت ایفا کند، اما در صورت نبود سیاست های درست در تقسیم خاورمیانه صدمه بزرگ را متحمل می شود. حوادث جدید شرق میانه ممکن است باعث افزایش مداخلات خارجی بیشتر شود. و قوای بزرگ می توانند تمامیت ارضی افغانستان را به خطر مواجه کنند. در نتیجه افغانستان یا به کشورهای کوچک تقسیم می شود و یا بین همسایه ها تقسیم خواهد شد.

برای حفظ امنیت و وحدت اراضی، دولت افغانستان زیر هر نام و نشان و بیرق که باشد باید به امور ذیل توجه عمیق و بیشتر داشته باشد. روشنفکران و زعمای دینی و قومی حکومت افغانستان را حمایت و همکاری کنند.

اول: تقویت نیروهای امنیتی ملی و غیر وابسته به نیروهای خارجی، و تکیه بر ظرفیت های داخلی با حمایت مردم.

دوم: اتحاد داخلی و حل اختلافات سیاسی: تشکیل حکومت فراگیر متشکل از متخصصین، استفاده از گفت و گو برای حل اختلافات، تقویت هویت اسلامی و ملی و مبارزه با فکر تجزیه طلبی و مبارزه با افکار تعصبی و افراطی.

سوم: اقامت روابط متوازن با کشورهای همسایه و جهان. و ایجاد توافقات سرحدی محکم با کشورهای همسایه.

چهارم: تقویت و توسعه اقتصادی مانند معادن، زراعت، صنعت، جلب سرمایه گذاری داخلی و خارجی به شکلی که منافع ملی حفظ شود. این سیاست فقر را کاهش و فرصت کاری را برای مردم بیشتر آماده می سازد.

پنجم: توجه به تعلیم و ترویج وحدت ملی بر مبنی اصول اسلامی، زیرا اسلام نقطه وصل بین تمام افراد ملت می باشد. نظام و برنامه های جدید تعلیمی برای پسران و دختران با توجه به ضرورت های جامعه.

امریکا سیاست و برنامه ای واحد برای شرق میانه ندارد، با هر کشور معامله خاص دارد. منافع اقتصادی و سیاسی و نظامی امریکا از یک منطقه تا منطقه دیگر و از یک زمان تا زمان دیگر متفاوت می باشد. در خلیج عربی و شرق عربی، سیاست امریکا حمایت اسرائیل و بزرگ شدن مساحت آن است و برای این هدف از حملات اسرائیل بالای فلسطینی ها و اشغال سرزمین

اسرائیل و ساختن شهرک‌ها حمایت می‌کند. و سعی دارد تا کشورهای عربی اسرائیل را برسمیت بشناسند و روابط سیاسی و اقتصادی و نظامی واحد را تشکیل دهند.

سیاست امریکا در قبال افغانستان به عوامل متعدد بستگی دارد. رقابت با چین، منافع امنیتی، مبارزه با جنبش‌های اسلامی معتدل و افراطی سیاست امریکا را در قبال افغانستان می‌سازد. برای امریکا مهم نیست که کدام قوه بالای افغانستان حاکمیت دارد، مهم این است که حاکمیت افغانستان به ضرر منافع امریکا نباشد. در بعض اوقات و در بعض مناطق امریکا از نظام‌های استبدادی و در بعض مناطق دیگر از نظام‌های اسلامی حمایت می‌کند.

امریکا برای محاصره چین در حالت جنگ، در افغانستان و کشورهای منطقه از حکومت‌های اسلامی شدید حمایت خواهد کرد. مطالعات استراتژیک باین نظر اند که چین در یک وقت میتواند بیشتر از یک میلیون نظامی پیدا کند، درحالی‌که امریکا امکانات کمتر را نسبت به چین دارد. حکومت‌های اسلامی قوی میتوانند با شعار جهاد حرکت چین را آهسته سازند.

امریکا به دنبال محدود کردن نفوذ چین در مناطق استراتژیک است. خروج امریکا از افغانستان سال 2021 نقش مستقیم امریکا را در افغانستان محدود ساخت، امریکا از دور بصورت صحیح نمی‌تواند افغانستان را کنترل کند و نقش چین را در افغانستان که دروازه شرق میانه برای چین است به چالش کشد.

سیاست امریکا محاصره اقتصادی و سیاسی چین در شرق میانه و افریقا میباشد. رئیس ترامپ تعرفه گمرکی بالا را برای صادرات چین وضع کرد تا صادرات چین را محدود سازد. امریکا نسبت به گسترش نفوذ اقتصادی و سیاسی چین حساس است، خصوصاً از طریق پروژه «کمربند و راه». نزدیکی افغانستان به چین می تواند نگرانی هایی برای امریکا ایجاد کند.

امارات اسلامی نیاز به کمک های اقتصادی و همکاری برای ساختار جدید افغانستان و استفاده از منابع اقتصادی دارد. چین یکی از محدود کشور هایی است که حاضر به تعامل اقتصادی با کابل است و در اکثر پروژه ها زیر بنایی افغانستان سهم فعال دارد.

امریکا از احیاء فعالیت های القاعده و داعش نگران است، برای مراقبت و کنترل فعالیت های افراطی به موضوعات امنیتی بیشتر به افغانستان متوجه میباشد، اگر تعامل چین با طالبان به ایجاد ثبات نسبی منجر شود، و آشنگتن از آن در حالت حاضر استقبال می کند.

در صورت عدم رضایت و تشویش، امریکا ممکن است به طور غیر مستقیم مانند تحریم های اقتصادی، تحذیرات اقتصادی، محدود ساختن معاملات بانکی تلاش کند تا از نزدیکی بیشتر کابل با چین جلوگیری کند و یا آنرا محدود سازد. اما کنترل کامل برای این روند برای امریکا دشوار خواهد بود، و جزء راه تعامل مثبت با امارت اسلامی راه دیگر نیست.

حفظ تمامیت ارضی، استقلال سیاسی افغانستان مربوط به همکاری تمام اقوام و احزاب سیاسی افغانستان دارد، متأسفانه اشغال اول و دوم وحدت ملی را در افغانستان بسیار صدمه داده است.

مرور سریع به سیاست های غرب و کشورهای بزرگ جهان از یک قرن به این طرف ما را به حقیقت نزدیکتر می سازد و در روشنی روش معاصر می توانیم مشکلات افغانستان و سائر کشورهای اسلامی را بهتر درک و برای حفظ تمامیت ارضی افغانستان در صورت تطبیق طرح جدید شرق میانه پلان مشترک ساخت و افغانستان را حفظ نمود.

جنگ جهانی دوم و نتایج آن

اروپا تا جنگ جهانی دوم تسلط و نفوذ بیشتر نسبت به امریکا و روسیه بالای کشورهای اسلامی داشت به عبارت دیگر تا جنگ جهانی دوم اروپا صاحب نفوذ قوی و صاحب امر و نهی در جهان بطور عموم و شرق میانه بصورت خاص بود. بررسی تاریخ سیاسی جهان از اواخر قرن نوزدهم و اوائل قرن بیستم نشان میدهد که جنگ جهانی اول (1914 - 1918) مبارزه سیاسی و نظامی را در شرق میانه و باقی کشورهای اسلامی در شمال افریقا به نفع اروپا خاتمه داد.¹

کشور های استعماری خصوصاً (انگلستان و فرانسه) به اساس معاهده «سایکس پیکو» مناطق استراتیژی و دارای اهمیت اقتصادی را بعد از سقوط خلافت عثمانی بین خود تقسیم کردند و بعداً مناطق بحر اسود « بحیره سیاه » را به روسیه بخشیدند و خلافت عثمانی را به کشورهای

¹ جنگ جهانی اول از 28 ژوئیه 1914 آغاز شد و در 11 نوامبر 1918 به پایان رسید. این جنگ بین متحدین (بریتانیا، فرانسه، روسیه و بعد ها ایالات متحده) و قدرت مرکزی شامل (آلمان، اتریش، مجارستان، امپراطوری عثمانی و بلغارستان) رخ داد. جنگ جهانی اول با امضای پیمان ورسای و شکست قدرت های مرکزی به پایان رسید و تأسیسات عمیقی بر نقشه جغرافیایی و تحولات سیاسی جهان گذاشت.

کوچک و تحت حمایت تقسیم کردند، به این ترتیب نفوذ سیاسی و تسلط نظامی و اقتصادی اروپا خصوصاً فرانسه و انگلستان از آغاز جنگ جهانی اول تا ختم جنگ جهانی دوم در کشورهای اسلامی باقی ماند.¹

انگلیسها برای سقوط خلافت عثمانی از اصطلاحات قومی، زبانی و نژادی استفاده کردند و کوشش کردند تا قومیت عربی را در مقابل قومیت ترک «تورانی» تقویت نمایند. سیاست تفرقه انداز و حکومت کن تا امروز برای تسلط بالای کشورهای اسلامی و افریقائی تطبیق می شود و ما در اشغال دوم دیدیم که امریکا از اختلافات بین اقوام افغانستان بنفع خود استفاده کرد و ملت واحد را به ملیتهای متعدد داخل جنگ تبدیل نمود و قبلاً روسیه از همین باب داخل افغانستان شد.

در تلگرام که حکومت بریتانیا عنوانی شریف حسین فرستاد آمده که امپراطوری بریتانیا همانطوریکه از اسلام در لباس خلافت ترکی حمایت می کرد تصمیم گرفته تا از خلافت اسلامی در لباس خلیفه عربی حمایت کند.²

¹. بحر اسود (دریای سیاه) در جنوب شرقی اروپا و غرب آسیا است که بین کشورهای اوکراین، روسیه، گرجستان، ترکیه، بلغارستان و رومانی قرار دارد. بحر اسود به دلیل موقعیت جغرافیایی خود نقش مهمی در تجارت، انرژی و مسائل نظامی دارد.

². متن تلگرام حکومت بریتانیا به شریف حسین به نام «**مک ماهون — حسین**» (1915-1916)، مجموعه ای از مکاتبات میان هنری مک ماهون نماینده بریتانیا در مصر و شریف حسین بن علی شریف مکه بود. این مکاتبات در دوران جنگ جهانی اول انجام شد و بریتانیا در تلاش بود تا حمایت اعراب را علیه امپراطوری عثمانی جلب کند. در این مکاتبات، بریتانیا وعده داد که در صورت همکاری اعراب علیه عثمانی ها، پس از پایان جنگ جهانی، استقلال کشورهای عربی را به رسمیت خواهد شناخت. در ماده چهارم نامه آمده بود که بریتانیا از شریف حسین به عنوان حاکم مناطق عربی حمایت خواهد کرد.

معاهده سایکس پیکو The Sykes – Picot Agreement 1916 در سال 1916

میلادی بین بریتانیا و فرانسه امضا شد، یک توافق سری و محرمانه بود که با موافقت امپراطوری روسیه به منظور تقسیم سرزمین خلافت عثمانی پس از پایان جنگ جهانی اول تنظیم شد. این توافق نامه به نام دو دیپلمات اصلی آن، «مارک سایکس از بریتانیا و فرانسوا ژرز» از فرانسه، نام گذاری شده است.

معاهده سرزمین های عربی تحت کنترل خلافت عثمانی را بر این اساس بین متحدین تقسیم کرد:

1. منطقه تحت نفوذ فرانسه، شامل سوریه و لبنان می شد.
 2. منطقه تحت نفوذ بریتانیا، شامل عراق و بیت المقدس بود که تحت مدیریت بین المللی قرار میگرفت.
 3. معاهده مصر را شامل نشد، از دیدگاه بریتانیا مصر خارج سرزمین های عربی به حساب می آمد و تحت حمایت انگلستان بود.
- معاهده سایکس پیکو، یکی از عوامل اساسی شکل گیری سرحدات معاصر شرق میانه و مشکلات سیاسی و قومی این منطقه به حساب می آید.

همچنان تذکر رفته بود که بریتانیا شریف حسین را به عنوان خلیفه یا رهبر جهان اسلام می شناسد.

شریف حسین به امید تحقق این وعده ها قیام علیه دولت عثمانی را آغاز کرد که در تازیخ به نام شورش عربی شناخته می شود. اما پس از پایان جنگ، بریتانیا وعده های خود را نقض کرد. به جای حمایت از خلافت عربی تحت رهبری شریف حسین، بریتانیا و فرانسه طبق توافق نامه سایکس - پیکو مناطق عربی را میان خود تقسیم کردند. امریکا و کشورهای استعماری در عصر حاضر از همین سیاست برای اشغال و ضعیف کردن کشورهای اسلامی استفاده می کنند.

معاهده سایکس پیکو ، سبب شد تا فلسطین را بریتانیا به یهودان اهداء کند و **وعد بلفور** برای این منظور بود. بلفور وزیر خارجه بریتانیا برای زعیم یهودان (**ریتشارد**) وعده داد که فلسطین را برای ساختار کشور اسرائیل برای یهودیان اهداء می کند.

مواد معاهده «سایکس پیکو» برای مدت طولانی سری بود. زعمای قومی و نژادی در شرق میانه و جزیره العرب علیه خلافت عثمانی همکاری و تعاون با انگلستان و فرانسه در جنگ جهانی اول نمودند و خلافت عثمانی را سقوط دادند این گروه از نص و مواد معاهده اطلاع نداشتند و نمیدانستند که انگلستان و فرانسه سلطنت عثمانی را بین خود تقسیم می کنند. زمانی که قوای عربی داخل لبنان شد و امیر عبدالله پسر شریف حسین «شریف مکه» بیرق انقلاب عرب را بر عمارت دولتی لبنان در بیروت بلند نمود انگلیس این اجازه را برای او به دلیل اینکه لبنان از حق فرانسه و تحت حمایت آن است نداد.

مهمترین و خطرناکترین مورد در معاهده سایکس پیکو فلسطین بود. در معاهده فلسطین تحت اداره مستقیم انگلیس قرار گرفت و انگلیسها با استفاده از معاهده سایکس پیکو مهاجرت یهودان را به فلسطین آسان ساختند و عده زیاد از یهودان از اروپا و شرق میانه و افریقا به فلسطین سکونت اختیار نمودند و اسرائیل به شکل دانه سرطان در قلب جهان اسلام تولد شد.

سازمان سری بین المللی یهودان در جنگ جهانی اول از متحدین حمایت مالی نمود و در مقابل این همکاری یهودان از متحدین وعده ای برای تأسیس دولت یهودی به اساس عقیده یهودیت در فلسطین بدست آوردند.

وعد «بلفورد» که حکومت بریتانیا برای «ریتشارد» زعیم یهودان داد در آن اشاره شده بود که امپراطوری بریتانیا فلسطین را برای یهودان می‌دهد و از یهودان در فلسطین دفاع می‌کند. دولت بریتانیا بدون هیچ حق قانونی خاک فلسطین را که ارتباط به جغرافیا انگلستان نداشت به یهودان اهداء کرد و از مهاجرت غیر قانونی یهودان به فلسطین حمایت نمود.

تأسیس دولت یهودی با اساس قومیت و دین دانه سرطانی که در قلب جهان اسلام نمود و از آن تاریخ تا امروز جهان اسلام را بخود مشغول ساخت و تا این دانه سرطانی حل نشود جهان اسلام در آتش افراط گرایی می‌سوزد.¹ حوادث جاریه در شرق میانه در وقت حاضر نتیجه وعد بلفورد میباشد.

عده از دانشمندان افغان باین فکر و عقیده اند که قضیه فلسطین ارتباط به افغانستان و مردم افغانستان ندارد، این گروه مقام و منزلت قدس شریف را نمی‌دانند و نمی‌دانند که ملیون ها مسلمان بشمول مسلمانان افغانستان حاضر اند برای حفظ هویت اسلامی فلسطین و آزادی قدس شریف جان های شریف خود را قربان نمایند. حمایت مطلق امریکا از دولت یهودی، مسلمانان را ضد سیاست امریکا ساخت و هر نظام سیاسی که توسط امریکا و به حمایت امریکا در جهان اسلام روی کار آید مردم علیه آن قیام می‌کنند و این حقیقت را نباید محققین جوان افغانستان فراموش کنند.

1. جهت معلومات بیشتر از قضیه فلسطین مراجعه شود به: دکتر عبدالستار سیرت «قضایای مهم سیاسی در جهان اسلام» فصل فلسطین و قدس و مسجد اقصی، نشرات فقه اسلامی، سپتمبر 2010).

وضعیت سیاسی و اشغال نظامی و حمایت اروپا خصوصاً انگلستان و فرانسه از حکومت‌ها در کشورهای اسلامی تا ختم جنگ جهانی دوم ادامه یافت و اروپا صاحب امر و نهی در معظم کشورهای اسلامی بود، اما بعد از جنگ جهانی دوم (1939 - 1945) میزان قوا تغییر میکند، با اینکه متحدین در جنگ پیروز شدند اما اروپا بصفت یک قوت بزرگ متضرر شد و آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم بصفت قوه جدید اقتصادی و سیاسی و نظامی ظهور میکند و میراث استعماری انگلستان و فرانسه را بدست می آورد و نفوذ و تسلط انگلیس و فرانسه در شرق میانه به نفع آمریکا ضعیف می شود.

بعد از حمله به کانال سویس (مصر) در سال 1956 که در تاریخ بنام حمله سه گانه «بریتانیا، فرانسه و اسرائیل» یاد می شود، مصر خلیج عقبه و مضیق تیران را بروی کشتی های اسرائیل مسدود می سازد.¹

حمله بالای کانال سویس بدون رضایت و مشوره آمریکا و روسیه بود لذا آمریکا و روسیه انگلستان و فرانسه و اسرائیل را مجبور به عقب نشینی کردند و در مقابل دولت مصر خلیج عقبه و خلیج تیران را باز نمود و قبول کرد تا این دو راه بحری زیر نظر و مراقبت قوای بین المللی باشد.²

¹. مضیق تیران در میان دریای سرخ و خلیج عقبه قرار دارد. این تنگه شبه جزیره سینا در مصر و جزیره تیران واقع شده است/ مضیق تیران نقش راهبردی مهمی دارد زیرا تنها گذرگاه دریایی به خلیج عقبه است که بنادر مهمی مانند ایلات (در اسرائیل) و عقبه (در اردن) را به دریای سرخ متصل می کند.

². کانال سویس بعد از اینکه به مصر اعاده شد، در مورد عبور کشتی های جنگی اتفاقیه صورت گرفت تا کشورها قبل از عبور باید حکومت مصر را دو ماه قبل اطلاع دهند، اما ولایات متحده آمریکا 48 سال قبل اطلاع دهد. این یک امتیاز بود که به ولایات متحده

حمله سال 1956 بالای کانال سویس ختم نفوذ اروپا در شرق میانه و آغاز تسلط امریکا در شرق اسلامی است و با خارج شدن انگلیس و فرانسه از شرق میانه، شرق میانه منطقه نفوذ امریکا و روسیه شد.¹ بحران 1956 نشان داد که دوران سلطه استعماری بریتانیا و فرانسه در شرق میانه به پایان رسیده و قدرت های جدیدی مانند امریکا و شوروی تعیین کننده سیاست جهانی هستند.

روسیه از این وضعیت استفاده و معاهدات نظامی را با مصر در سال 1955 بامضاء رسانید و باساس معاهده 1955 مصر حق خریدن اسلحه را از چکوسلواکیا بدست آورد و بعد از امضاء معاهده، مصر از نظر عسکری و سیاسی ارتباط مستقیم با روسیه یافت و روسیه با همکاری عبدالناصر از حکومت های استبدادی را زیر نام «اشتراکی، سوسیالیستی» حمایت و با همکاری زعمای دیکتاتور در شرق میانه صاحب پایگاه های نظامی شد.

ظهور امریکا به عنوان ابر قدرت جهانی

بعد از جنگ جهانی دوم انگلستان و فرانسه باین نتیجه رسیدند که میراث استعماری خود را برای امریکا بسپارند. انگلستان با اینکه ساحه

امریکا داده شد. بعد از 7 اکتوبر 2023 و آغاز مبارزات مسلحانه بین آزادی خواهان فلسطین و قوای اشغالی اسرائیل، کشتی های اسرائیل حق عبور را یافتند. در اوائل ماه نوامبر 2024 کشتی عامل مواد منفجره که بطرف اسرائیل در حرکت بود، تمام کشورها بنادر خود را بروی آن مسدود کردند، و حکومت مصر اجازه داد تا در اسکندریه توقف کند و از آنجا به اسرائیل انتقال داده شود.

¹. حمله سه گانه بالای کانال سویس به بحران سویس یا جنگ 1956 اشاره دارد، که در اکتوبر و نوامبر 1956 رخ داد. این حمله توسط بریتانیا، فرانسه و اسرائیل علیه مصر انجام شد، پس از آنکه جمال عبدالناصر کانال سویس را ملی کرد.

جغرافیوی را به امریکا تسلیم نمود لیکن اسرار منطقه را از امریکا پنهان نمود و امریکا بدون روشنی و معرفت کامل به منطقه داخل و مرتکب اشتباهات بزرگ گردید.

در جریان درس تاریخ استعمارنودر شرق میانه، در فاکلته ادبیات، پوهنتون قاهره، پروفیسور روؤف عباس استاد تاریخ معاصر که من شرف شاگردی اش در مرحله لیسانس و ماستری دارم توضیح داد که وزیر خارجه بریتانیا، سفیر امریکا را استقبال کرد و گفت که بریتانیا از شرق میانه خارج میشود. سفیر امریکا طی تلگرام به وزارت خارجه در واشنگتن نوشت که بریتانیا جای خود را برای امریکا می گذارد. بریتانیا شرق میانه را بدون اینکه کلید و اسرار آنرا تسلیم امریکا کند به امریکا گذاشت و اسرار را برای خود حفظ کرد.¹

امریکا برای تقویت وجودش در شرق میانه در فکر تأسیس پیمان نظامی بغداد بود و این پیمان در اصل به هدف از بین برداشتن حکومت های نیمه ملی و برقراری حکومت های عسکری و دیکتاتوری در شرق میانه و حمایت حکومت های تابع سیاست امریکا بود. بعد از تأسیس پیمان بغداد انقلابات عسکری در شرق میانه صورت گرفت.

بطور مثال انقلاب جنرال ابراهیم عبود در سودان سال 1958، انقلاب عبدالله السلال در یمن سال 1962، انقلاب قذافی سال 1969 در لیبیا، انقلاب

¹. وزیر خارجه بریتانیا سلوین لوید (Selwyn Lioyd) بود و سفیر امریکا در بریتانیا لوئیس دبلیو وگلاس (Lewis W. Douglas) بود. گفته می شود که وزیر خارجه بریتانیا هنگام استقبال از سفیر امریکا، با تلخی اشاره کرد که بریتانیا دیگر نفوذ خود را در خاور میانه از دست داده است.

سوریه سال 1970 به قیادت حافظ اسد، استقلال الجزائر سال 1962 از فرانسه و رسیدن جبهه آزادی بخش ملی الجزائر به قدرت. قابل توجه است که اکثر حکومت های استبدادی و عسکری در شرق میانه و سائر کشور های اسلامی رابطه قوی و استراتژیکی با روسیه داشتند و مهمترین نتیجه انقلابات عسکری در شرق اسلامی و افریقا تثبیت نفوذ سیاسی و عسکری روسیه در مقابل نفوذ امریکا بود.

بعد از جنگ جهانی دوم فکر «ناسونالیزم عرب» بزعامت جمال عبدالناصر در مصر ظهور کرد و نیم قرن جهان عرب را بخود مشغول ساخت. جمال عبدالناصر با همکاری روسیه و قسَمیکه «کوپلاند» مسئول «CIA» در شرق میانه و ایران در کتاب خود می نویسد که جمال عبدالناصر ضربت شدید به حرکت های ملی و اسلامی خصوصا اخوان المسلمین وارد ساخت و عالمان بزرگ اسلامی را به شهادت رسانید و کشور های خلیج عربی خصوصا عربستان سعودی را تهدید نظامی نمود. جمال عبدالناصر برای محاصره خلیج عربی قوای نظامی به یمن فرستاد اما در جنگ یمن به شکست مواجه شد. کوپلاند در کتاب خود می نویسد که جمال عبدالناصر ملت خود را بیشتر تعذیب کرد نسبت به اسرائیل، ما موجودیت او را در مصر به نفع اسرائیل می دانستیم. من کتاب او را با ترجمه عربی مطالعه نموده ام و کتاب قابل استفاده می باشد.¹

¹. جان کوپلاند (John W. Kokal) یکی از افسران ارشد سیاه بود که در امور شرق میانه، به ویژه ایران و خلیج عربی، تخصص داشت. او در سال 2003 درگذشت.

مصر، سوریه و اردن در سه جنگ با اسرائیل شکست خوردند و در شرق میانه قوهٔ سیاسی و نظامی جدید بنام اسرائیل ظهور کرد و از سال 1967 تا حال تهدید بزرگ برای شرق اسلامی میباشد.

از سال 1973 میزان قوا در شرق میانه تغییر میکند. سال 1973 اسرائیل قوای مصر و سوریه را با اینکه در روزهای اول جنگ موفق بودند محاصره نمود. در جنگ 1973 دولت اردن اشتراک نداشت، انور السادات و حافظ اسد نمی خواستند تا شاه اردن از ساعت آغاز حمله اطلاع داشته باشد تا نشود با امریکا تاریخ و ساعت را شریک کند. در نتیجهٔ محاصره محمد انور السادات رئیس جمهور مصر اعلان کرد که 99٪ اوراق صلح و جنگ در شرق میانه بدست امریکا است. محمد انور السادات واقعیت را درک کرده بود و این یک حقیقت است که امریکا با اسرائیل زعامت سیاسی و قدرت نظامی شرق میانه را بعد از اخراج روسیه از منطقه بدست گرفت. از سال 1973 رول و نقش امریکا در شرق اسلامی بیشتر شد و مرکز سیاسی و نظامی روسیه بعد از امضاء معاهده صلح بین مصر و اسرائیل (کمپ دیوید / Camp David) برعایت رئیس کارتر در شرق اسلامی ضعیف گردید و میراث روسیه را امریکا بدست آورد. با اینکه مصر بزرگترین دولت عربی از دایره نفوذ روسیه خارج و داخل دایره امریکا گردید اما عدهٔ از کشورهای عربی مانند سوریه، عراق، لیبیا، یمن و الجزائر روابط سیاسی و عسکری خود را با روسیه حفظ کردند.¹

¹. معاهده کمپ دیوید (The Camp David)، بین مصر و اسرائیل به میانجی گری ایالات متحده در کمپ دیوید، محل اقامت رئیس جمهور امریکا امضاء شد. این توافقات با هدف

سال‌های هشتاد قوای نظامی سوریه که بزرگترین و منظم‌ترین قوه بعد از عراق در شرق میانه و در جوار اسرائیل بود مشغول درگیری نظامی در لبنان شد و عراق در جنگ با ایران مشغول گردید. عده‌ای از کشورهای غربی خصوصاً فرانسه و ایالات متحده آمریکا از صدام حسین حمایت کردند. هر دو کشور اسلامی در یک جنگ بی‌نتیجه ضعیف شدند و زمینه مداخلات خارجی نه تنها در عراق مساعد شد بلکه اکثر کشورهای خلیج عربی بیشتر وابسته به آمریکا شدند.¹

اشغال کویت در سال 1990 توسط صدام حسین با موافقه غیر علنی غرب چانس و فرصت طلایی برای آمریکا بود. آمریکا بعضی کشورهای عربی را با خود یکجا و جنگ علیه عراق را بنام «عاصفة الصحراء» که در ظاهر آزاد ساختن کویت و در حقیقت ضعیف کردن قدرت نظامی عراق بود براه انداخت

پایان دادن جنگ‌های مکرر میان این دو کشور و برقرار کردن صلح در منطقه شرق میانه بود..

کشورهای عربی با معاهده مخالفت کردند و با مصر قطع رابطه نمودند. در مقابل انور السادات عمارت بزرگ جامعه دول عربی را به دفتر افغانستان تبدیل کرد. شهید محمد هارون المجددی، رئیس جامعه ملل اسلامی و عربی دفتر افغانستان را نیز رهبریت میکرد. گروه‌های جهادی افغانستان مانند حزب اسلامی، جمعیت اسلامی، اتحاد اسلامی دعوت السادات را برای اشتراک در کنفرانس قاهره رد کردند. دلیل عدم اشتراک را معاهده کامپ دیوید گفتند. من ضمن هئیت افغانستان در این کنفرانس حضور داشتم.

¹. العربی الجدید، 12 مارچ 2017.

و در 1991 عراق بعد از پرداخت خساره بزرگ اقتصادی و نظامی از کویت خارج شد.¹

دیسمبر 1991 اتحاد جماهیر شوروی سقوط کرد و به سقوط اتحاد جماهیر شوروی نفوذ سیاسی و اقتصادی و عسکری روسیه در شرق اسلامی ضعیف شد و تا یک مدت روسیه نظر به مشکلات داخلی از شرق اسلامی و افریقا فاصله گرفت و امریکا بحیث قوه بزرگ جهانی ظهور و تسلط کامل را در منطقه بدست گرفت. امریکا سیاست حمایت از حکومت های استبدادی را در شرق اسلامی در پیش گرفت و از استبداد سیاسی و نظامهای فاسد عسکری حمایت کرد و هر نظام سیاسی که به اساس دیموکراسی و انتخابات آزاد در جهان اسلام روی کار آمده به دلیل اینکه منفعت امریکا در خطر می افتد حمایت نکرد.

بعد از حادثه 11 سپتمبر 2001 و حمله تروریستی بالای امریکا که در آن القاعده متهم است نقشه سیاسی جهان اسلام تغییر میکند و امریکا برای انتقام، جنگ را علیه طالبان اعلان و با همکاری مستقیم پاکستان و ایران و احزاب افغانی ضد طالبان افغانستان را اشغال و حکومت تحت حمایت در بن، جرمنی، را بریاست حامد کرزی تشکیل و با حکومت تحت حمایت خود بریاست دکتور اشرف غنی احمدزی پیمان استراتژیک را به امضاء رسانید و لویه جرگه ای تقلبی آنرا تصدیق و به موجب آن امریکا صاحب پایگاه نظامی بشکل قانونی در افغانستان شد.

¹. عاصفة الصحراء (طوفان صحراء Desert Storm operation) در این جنگ بیش از 30 کشور در ائتلاف به رهبری ایالات متحده شرکت داشتند. این عملیات در 17 جنون 1991 آغاز و با شکست نیروهای عراقی به پایان رسید.

نویسنده معروف سوری آقای «میشیل کیلو» که از مسیحیان سوریه است در مورد سیاست استراتژی امریکا در شرق میانه که افغانستان را نیز در بر می گیرد تحقیق مهم خود را در روزنامه «العربی الجديد» بتاريخ 12 مارچ 2017 به نشر سپارد. این تحقیق جدید و علمی که با اسناد است مطالعه آن برای محققین افغانستان بسیار مفید می باشد و در این تحقیق خلاصه آن ذکر می شود.

میشیل کیلو می نویسد: ممکن نیست دولت بزرگ و قوه جهانی یعنی امریکا موقعیت استراتژی سوریه و منطقه را درک نکند. امریکا در عهد حکومتداری آقای «اوباما و ترامپ» میدانست که تسلط بالای سوریه و عراق و منطقه یعنی تسلط بالای جهان اسلام و شرق میانه باکمل آن است و سیاستمداران امریکا میدانند که سوریه و عراق مرکز شرق میانه است و تاریخ نشان میدهد که مبارزات قوای بزرگ در شرق همیشه برای دست یافتن به شرق میانه و خصوصا عراق که مرکز مهم استراتژیک است بود.

آقای «بریجنسکی» مشاور امنیت ملی رئیس امریکا «کارت» در سال 1973 برای دولت امریکا مشوره داد که نفوذ امریکا در منطقه استقرار نخواهد یافت تا اینکه امریکا عراق را اشغال نکند. از نظر آقای بریجنسکی عراق قلعه استراتژیک جهان است. مشوره آقای بریجنسکی بعد از سی سال و در 2003 تحقق و حقیقت پیدا میکند و عراق توسط قوای امریکائی اشغال می شود. بعد از 2003 قوای نظامی امریکا در عراق باقی ماند و برای مدت بسیار کم نفوذ نظامی امریکا در عراق کاهش یافت تا اینکه بعد از ظهور

«دولت خلافت اسلامی»، داعش، نفوذ و تسلط امریکا در سوریه و عراق افزایش یافت و امریکا توجه بیشتر به منطقه نمود.¹

سیاستمداران و اعضای مهم مجلس سنا امریکا مانند سناتور «جان مکین» که یک زمان از طرفداران سقوط نظام استبدادی بشار اسد و در جمله حمایت کنندگان حرکت یا جنبش آزادی خواهان و نهضت دیموکراسی در سوریه بود و همچنان جنرال های امریکایی می گویند که بعد از شکست داعش در «الموصل» امریکا بصفت دائم در عراق و سوریه باقی می ماند.

برای تحقق این اهداف امریکا سه میدان هوایی و پایگاه نظامی مهم را در شمال و غرب عراق تأسیس و پایگاه و میدان هوایی عسکری مهم دیگر را در شمال سوریه نیز تأسیس نمود.

در مقابل فعالیت های عسکری و سیاسی امریکا در شرق میانه و بخصوص عراق و سوریه، روسها در حمایت نظام بشار اسد داخل سوریه شدند. وضعیت ضعیف روسیه در سوریه و بطور عموم در شرق عربی در حالتی قرار دارد که امریکا از عراق، سوریه تا افغانستان تسلط کامل دارد و بالای ترکیه و ایران میتواند حاکمیت داشته باشد و شرق اسلامی را قسمیکه بریجنسکی و سیاستمداران و نظامیان امریکا سی سال قبل پلان گذاری

¹. یکی از بهترین تحقیق در مورد مقاومت عراق در مقابل اشغال نظامی امریکا و ظهور داعش، کتاب دکتور یورجن تودیهنوفر (Dr. JURGEN TODENHOFER) که در اصل بزبان آلمانی میباشد و به اکثر زبانها بشمول عربی بنام «لماذا تقتل یا زید؟» ترجمه شده است. داکتر یورجن عضو پارلمان آلمان بود. او مدت طولانی را در سوریه و عراق با جنگجویان داعش و مقاومت عراق سپری کرد. این کتاب قصه حقیقی از مقاومت عراق میباشد و نقش استعمار غربی را در کشورهای عربی و شمال آفریقا به بحث می گیرد.

کرده بودند تحت تصرف خود بیاورد و با عملی شدن این پلان امریکا اولین قوه بزرگ در تاریخ جهان معاصر خواهد بود که بصورت مطلق بر شرق اسلامی تسلط پیدا می کند .

روسیه و شرق میانه

روسها حل نظامی را برای حل قضیه سوریه در پیش گرفتند و برای حل نظامی، مملکت اردن هاشمی را که در جبهه جنوبی قرار داشت بیطرف ساختند و برای ترکیه موقع دادند تا در یک قسمت از خاک سوریه زیر نام مبارزه با داعش و حرکت های کردی تسلط داشته باشد. بعد از سقوط شهر (حلب) که تحت اداره مجاهدین و آزادی خواهان سوریه بود، روسیه پلان مذاکره را با دولت بشار اسد پیش کرد و تشکیل حکومت وحدت ملی مانند افغانستان را تحت ریاست بشار اسد پیشنهاد کرد. روسها جهت تقویت نظامی در سوریه از ملیشه های شیعه عراقی، ایرانی، افغانی، مناطق کرد نشین و پاکستان تشکیل شده بود برای حمایت قوای خود استفاده کرد. میتوان اهداف روسیه را در سوریه و شرق میانه به نقاط ذیل خلاصه کرد:

1. تمرینات نظامی و تجربه اسلحه های جدید.
2. به نمایش گذاشتن اسلحه های جدید و بازار یابی برای فروش اسلحه.
3. حمایت منابع پترول در سوریه به هدف استفاده از آن در جنگ.
4. انتخاب سوریه جهت توسعه در شرق میانه، خصوصاً که روسیه در انتظار عقب نشینی امریکا از منطقه بود.
5. تأسیس قاعده بحری در سوریه به هدف تسلط بالای بحر متوسط.
6. تحکم بالای خط انتقال گاز از سوریه به خارج آن.

روسها برای تحقق اهداف فوق ، داخل جنگ با آزادی خواهان سوریه شدند ، موقف سلبی امریکا از آزادی خواهان سوریه و حمایت غیر مستقیم از نظام بشار اسد و تشکیل ملیشه های کردی که در تصادم به مصالح ترکیه بود . بی تفاوتی امریکا در مقابل نظام و تقویت ملیشه ها سبب نفوذ و تقویت بیشتر روسیه در سوریه شد .

عدم موفقیت سریع آزادی خواهان سوریه ، و اتحاد بین روسیه و ایران و بیطرفی و ناتوانی کشورهای عربی در موضوع سوریه سبب شد تا نفوذ ایران و روسیه در سوریه بیشتر شود . از نظر کشورهای خلیج عربی و مصر ، آزادی خواهان سوریه ، ادامه بهار عرب اند که از فکر اخوان المسلمین پیروی می کنند . زعمای خلیج عربی و نظامیان مصری ، موفقیت جنبش آزادی خواه سوریه را علیه منافع سیاسی و سقوط خود می دیدند .

هفته های اخیر سال 2016 ، نقطه تحول بزرگ در جنگ سوریه میباشد ، روسیه و ترکیه با یکدیگر در توقف جنگ به نتیجه رسیدند و آتش بس بین مبارزان سوریه و دولت بشار اسد را پیشنهاد کردند . برای حفظ و حمایت صلح ، ترکیه و روسیه ضمانت آتش بس را دادند و اکثر کشورهای عربی از آتش بس حمایت نمودند . رئیس اردگان سعی نمود تا با بشار اسد به توافق برسد ، اما بشار اسد به دعوت اردگان توجه نکرد .

دوازده حرکت مقاومت سوریه در وثیقه ای امضاء نمودند و قبول کردند که در کنفرانس «کازخستان» بتاريخ 23 جنوری 2017 اشتراک می

نمایند. اشتراک کنندگان اعلام داشتند که قطعنامه 2254 ملل متحد و فیصله 2912 جنیف را تأیید می نمایند.¹¹

اما آقای «انس العبد» رئیس ائتلاف سوریه و «ریاض حجاب» رئیس گروه مذاکره کننده اعلان کردند که مقاومت سوریه هیچ نوع همکاری را با نظام بشار اسد و ایران نمی پذیرد. حکومت ائتلافی بریاست بشار اسد از نظر مبارزین، پیشنهاد صحیح برای حل مشکل سوریه نبود.

روسیه در نهایت مجبور است از منطقه به نفع امریکا خارج شود و امریکا استراتژی محکم را در شرق اسلامی زیر نام عدم مداخله در امور داخلی سوریه و عراق و گذاشتن روسیه در بحر از مشکلات برنامه سازی کرد و با اینکه آقای «پوتین» در آغاز مداخله اش در سوریه اعلان کرده بود که سه تا هفت ماه در سوریه باقی می ماند لیکن با برنامه های استراتژی امریکا مدتها و با پرداخت قیمت گزاف باقی ماند تا بالاخره وضعیت جنگی و سیاسی در سوریه تغییر یافت و مجاهدین قدرت را بدست گرفتند.

¹¹. قطعنامه 2254 شورای امنیت سازمان ملل متحد، که در تاریخ 18 سامبر 2015 تصویب شد، یک قطعنامه سیاسی و دیپلماتیک است که به طور ویژه برای حل و فصل بحران سوریه طراحی شده است. محتوای اصلی قطعنامه عبارت بود از:

1. آغاز مذاکرات صلح بین دولت سوریه و گروه های مخالف برای یافتن راه سیاسی مورد قبول همه اطراف.
2. آتش بس سراسری در تمام نقاط سوریه به جز مناطق تحت کنترل گروه های تروریستی مانند داعش و جبهه النصره.
3. روند قانون اساسی: تدوین قانون اساسی جدید، برگزاری انتخابات آزاد، تشکیل حکومت انتقالی فراگیر، مبارزه با تروریسم، حمایت از مردم سوریه.

روسها با مخالفت شدید مسلمانان سنی در سوریه و عراق و شرق میانه مواجه اند. مبارزین مسلمان در سوریه، روسیه را حمایت کننده بشار اسد و نظام او میدانند. سیاستمداران روسیه تا هنوز از روش قدیم و کلاسیک در سیاست خارجی پیروی می کنند در حالیکه امریکا از روش جدید و معاصر و وسائل پیشرفته برای تثبیت امپراطوری جدید خود استفاده می نماید.¹

حضور روسیه در سوریه جدید نیست، از سال 2011 حضور نظامی روسیه به هدف حمایت نظام بشار اسد و مبارزه با آزادی خواهان شروع می شود. 30 دسامبر 2015 قوای نظامی روسیه مستقیماً داخل جنگ در پهلوی نظامیان سوری شدند. اشتراک قوای نظامی روسیه در جنگ داخلی سوریه اولین مشارکت نظامی روسیه خارج سرحدات روسیه بعد از ختم جنگ سرد و شکست در افغانستان میباشد. اشتراک نظامی روسیه در جنگ سوریه به هدف نشان دادن اهمیت نظریه استراتژی روسیه در منطقه شرق میانه و جهان می باشد.

روسیه در درگیری ها و کشمکش های بین المللی حاضر برای هدف رسیدن به آب های گرم در «البحر الأبيض المتوسط» داخل سوریه شد و چند پایگاه نظامی را در لیبیا نیز اعمار کرد.

روسها با استفاده از بی نظمی و نزاع داخلی سوریه حضورش را تقویت بخشید و دو قاعده یکی هوایی در جنوب شرق شهر لاذقیه، و دوم قاعده عسکری بحری در شمال میناء و بندر بحری شهر طرطوس را تأسیس نمود.

¹ العربی الجدید 12 مارچ 2017، www.alaraby.com.uk/opinion/2017/3/12/1

روسها برای تقویت تسلط خود در منطقه شرق میانه، در سال 1917 معاهده نظامی با نظام بشار اسد امضاء کرد که به موجب آن قوای روسیه بدون پرداخت پول از بنادر بحری سوریه برای مدت 49 سال استفاده می کند. همچنان معاهده برای روسها اجازه می داد تا ده کشتی نظامی که با طاقت اتمی کار میکنند در طرطوس داشته باشد، بندر بحری طرطوس نخستین بندر روسیه در خارج روسیه قبل از قاعده بحری در لیبیا می باشد.

داخل شدن روسها بصورت مستقیم در نزاع و کشمکش های شرق میانه، مبارزه جدید را برای دریافت منابع طاقت و انرژی در شرق میانه باز کرد. کشورهای اروپایی باین باور اند که روسها در سوریه برای مدت طولانی تا اینکه شکل مبارزه بین المللی وضاحت یابد باقی می مانند.

طبق راپور های که به نشر رسیده، اروپا در کوشش است تا منابع انرژی غیر از روسیه را دریافت کند، اروپایی ها باین باور اند که خط انتقال گاز روسیه که از قلمرو اوکراین عبور میکند ممکن است بعد از 31 دسامبر 2024 زمانی که معاهده انتقال گاز که مدت آن پنج سال است خاتمه پیدا کند. موقف روسها در برابر اروپا مثبت می باشد و روسها اراده دارند تا معاهده انتقال گاز را تمدید کنند.¹

موجودیت روسها در سوریه، ابعاد مبارزه بین المللی موجود را وضاحت بیشتر میدهد. روسها استراتیژی خاص به هدف فشار بالای کشورهای غربی را دارد، و برای تحقق این موارد صدر اعظم اسرائیل تنیاهو مشارکت روسیه

¹. هل تنسحب روسيا من سوريا؟ الجزيرة نت 2024/11/18، همچنان وکالت تاس روسی. اگر اداره ترامپ با روسیه در مسأله اوکراین به اتفاق برسد، در این صورت نقش روسیه در اروپا و روابط اقتصادی بین روسیه و اروپا کاملاً تغییر میکند.

را در شرق میانه می‌خواهد. هئیت عالرتبه اسرائیل بریاست وزیر شئون استراتیژی «رون درمر» در هفته اول ماه نومبر 2024 از مسکو دیدار کرد. وزیر اسرائیلی از مسکو خواست تا برای آتش بس بین اسرائیل و سوریه عمل کند و اجازه ندهد که اسلحه های ایران از طریق عراق و سوریه به حزب الله برسد.

بعد از اتفاق بین اسرائیل و روسیه، نظامیان روس از «تل الحارة» عقب نشینی کردند و ارتفاعات جولان را بخاطر امنیت اسرائیل خالی گذاشتند و سوریه را در مبارزه با اسرائیل تنها گذاشتند. اسرائیل هر روز خاک سوریه را بمباران می‌کند، در حملات هوایی اسرائیل بالای دمشق که قوای نظامی روسیه در آنجا موجود است لیکن قوای روسیه سکوت می‌کنند و طبق مواد معاهده از خاک سوریه دفاع نمی‌کنند. هدف مشترک بین اسرائیل و روسیه در تقسیم منابع اقتصادی و پایگاه های نظامی در سوریه مانع می‌شود تا نظامیان روسی از خاک سوریه در مقابل حملات هوایی اسرائیل دفاع کنند. راکت های S 300 و S400 روسی که پیشرفته ترین اسلحه دفاع هوایی است و حکومت بشار تعداد از آن را دارد، لیکن حکومت بشار اجازه استفاده را از آنها نداشت.

اسرائیل در نقشه جدید شرق میانه روسیه را با امریکا شریک می‌داند و روسها در سوریه در صورتیکه تغییرات سیاسی و نظامی رخ ندهد مدت طولانی باقی می‌ماند.

استاد مروان قبلان، نویسنده و محقق سوری نقش امریکا را در سوریه و شرق میانه زیر عنوان: «**بماذا تفکر جنرالات امریکا؟**» / به چه فکر میکنند جنرال های امریکا؟» به بحث گرفته می‌نویسد:

رئیس او با 500 سرباز به سوریه فرستاد و رئیس جدید آمریکا 400 سرباز دیگر را به سوریه فرستاد تا با کردها مشترکاً علیه جنگجویان داعش جنگ نمایند. تعداد عساکر آمریکا در شمال شرق سوریه و شمال غرب عراق بین 9 تا 10 هزار میرسید و این تعداد به مرور زمان بیشتر شد. دولت آمریکا برای قوای نظامی اش پایگاه های منظم در امتداد خط «الرمیلان - عین العرب - تا منبج» غرب نهر فرات تأسیس کرد و در این پایگاه ها نظامیان آمریکائی با اسلحه ثقیله جابجا شدند. پایگاه های آمریکا در سوریه و شمال عراق و غرب آن موازی به سرحدات سوریه در امتداد سرحدات ترکیه و ایران به 12 پایگاه میرسد و این پایگاه ها اهمیت فوق العاده را در سطح جهانی دارند.

قوای نظامی آمریکا، روسیه، ترکیه، ایران و اسرائیلی در منطقه بعد از جنگ جهانی دوم بزرگترین تجمع عسکری به حساب می آیند. رئیس ترامپ تصمیم دارد تا رابطه بین پایگاه ها شرق عربی را با افغانستان مستحکم سازد. دیده شود که رئیس ترامپ در سال 2025 چه نوع سیاست را در قبال شرق میانه خصوصاً عراق و سوریه و افغانستان در پیش خواهد گرفت.

تا آنجا که معلوم است، رئیس ترامپ با آوردن فشار سیاسی و اقتصادی بالای کشورهای عربی، می خواهد عربستان سعودی را با اسرائیل در یک پیمان سیاسی و امنیتی متحد کند و سرزمین های اشغالی فلسطین را به دلیل اینکه اسرائیل به مساحت بیشتر ضرورت دارد به دولت نام نهاد اسرائیل ببخشد. بالای امارت اسلامی (طالبان) و دولت ایران فشار اقتصادی بیشتر خواهد شد. رئیس ترامپ تصمیم قاطع دارد تا ایران را از خاورمیانه خارج کند.

در مورد فلسطین، محو حرکت حماس بطور کل و تشکیل قوای نظامی از کشورهای عربی و اسرائیل برای اداره غزه. فشار بالای حزب الله تا اینکه

تمام اسلحه های خود را به قوای نظامی لبنان تحویل دهد سیاست رئیس ترامپ را می سازد.

جنرال جوزف ووتل (Joseph Votel) قوماندان عمومی قوای امریکا که از سرحدات چین تا سواحل بحر اطلیسی در غرب را زیر اداره خود داشت (CENTCOM) تأکید به ادامه حضور نیرو های امریکایی در مناطق استراتیژی می نماید . نامبرده در مارچ 2017 در جلسه کمیته نظامی سنا گفت: قوای امریکا در سوریه بعد از شکست داعش برای مدت طولانی باقی می ماند تا از بازگشت داعش جلوگیری شود . جنرال ووتل اضافه کرد که تصادم بین عرب ها و کردها در سوریه حتمی است و برای حفظ امنیت موجودیت قوای امریکا برای مدت طولانی ضرورت است. او اضافه نمود که سعی و کوشش میکند تا معاهده « صوفا » که امریکا با عراق بامضاء رسانیده بود تجدید شود تا امریکا بتواند قوای بیشتر را در عراق داشته باشد.¹

¹. معاهده ای که بین عراق و امریکا در سال 2008 منعقد شد، به نام توافق نامه وضعیت نیروها یا (SOFA ” Status of Forces Agreement) شناخته میشود. این توافق نامه نوعی قرار داد امنیتی و نظامی است که شرایط حضور نیروهای امریکایی در عراق و همکاری های امنیتی دو کشور را تعریف می کند.

هدف اصلی این معاهده تنظیم شرایط و قوانین حاکم بر حضور نظامیان امریکایی در عراق و تعیین مدت زمان باقی ماندن آن ها در این کشور بود. ای معاهده شامل چند بخش بود. تعریف شرایط حضور، مدت حضور، همکاری امنیتی و آموزشی.

همچنان دیده شود: العربی الجدید 14 مارچ 2017.

جنرال ووتل بغیر از مبارزه با داعش، نگرانی را در باره نفوذ ایران در عراق مطرح کرد و هوشدار داد که سپاه قدس ایران و گروه های شبه نظامی تحت حمایت ایران ممکن است

بهار عرب اولین تجربه سیاسی برای ملت های عرب بود . بهار عرب نهضت های معتدل اسلامی را به قدرت رسانید و اگر قدرت های بزرگ و اسرائیل می گذاشتند تا این تجربه سیاسی کامیاب شود و نهضت های معتدل اسلامی داخل میدان سیاسی شوند نا ممکن بود حرکت های افراطی مثل القاعده و داعش و غیره نفوذ در بین جوانان مسلمان پیدا کنند . حرکت های افراطی در غیاب حرکت های معتدل و خصوصاً اخوان المسلمین صاحب قدرت بیشتر شدند و جنگهای که بین قوای غربی و داعش در عراق و شام صورت گرفت و تا هنوز ادامه دارد ملیاردها دالر خساره مالی و صدها هزار انسان قربانی داشت و مبارزه امریکا با افراطی گرایی تا هنوز بی نتیجه است و سالهای بعدی قضیه را روشن تر خواهد ساخت . متأسفانه مبارزه علیه داعش و القاعده به مرور زمان به مبارزه علیه اسلام تبدیل شد .

امریکا و اسرائیل با همکاری و تعاون با نظامیان مصری اولین حکومت آزاد و انتخاب شده از طرف مردم مصر را سقوط دادند و از قتل هزارها انسان که اکثرآ دانشمندان مصری بودند چشم پوشی شد . زندانی شدن بیش از 60 هزار مصری زیر عنوان مبارزه با تروریست و مهاجرت نزدیک به یک میلیون دانشمند مصری، ساحة سیاسی مصر را برای افراط گرایان باز ساخت و جزیره سینا به مرکز مبارزات علیه نظام عسکری مصر، اسرائیل و امریکا تبدیل شد¹.

تهدیدی برای ثبات عراق باشند اظهارات جنرال جوزف ووتل در این جلسه نشان دهنده نگرانی های امریکا درباره آینده عراق و پیچیدگی های سیاسی ، نظامی و فرقه ای آن بود .¹ نظامیان مصری به حمایت امریکا و اعتراف بین المللی ضرورت داشتند . رئیس السیسی از اسرائیل کمک خواست تا میان نظامیان و رئیس او باما میانجی گیری کند . صدراعظم اسرائیل نتیهو شخصاً در واشنگتن با رئیس او باما ملاقات کرد و او را قناعت داد که

در مبارزه علیه نهضت های دیموکراسی و سرنگون ساختن نهضت های معتدل اسلامی در شرق اسلامی کشور های خلیج عربی با اسرائیل و امریکا همکاری مشترک داشتند. عربستان سعودی، بحرین و امارات عربی بلوین ها دالر جهت سقوط نظام دیموکراسی در مصر مصرف نمودند و از نظام دیکتاتوری عسکری بقیادت جنرال السیسی مرد اول اسرائیل حمایت کردند. عربستان سعودی، مصر، بحرین و امارات متحده عربی نهضت اخوان المسلمین را که یک حرکت سیاسی، تعلیمی، تربیتی و دعوتی رسمی بود در لست سیاه و تروریسم قرار دادند و کوشش دارند تا امریکا و اروپا نهضت های معتدل اسلامی را بصفت حرکت های تروریستی در امریکا و اروپا نیز بشناسند. مجلس سنا امریکا تا هنوز اخوان المسلمین را در لست سیاه قرار نداده است، اگر قرار داده شود انجمن های اسلامی و اکثر مساجد در سراسر امریکا مسدود خواهد شد.

فعالیت های دیپلوماسی و عسکری غرب و امریکا و روسیه در شرق اسلامی محدود نیست و این نوع فعالیت ها شامل کشور های اسلامی در افریقا و آسیای مرکزی نیز می شود.

امریکا و انگلستان و فرانسه و ایتالیا عملیات نظامی را در افریقا براه انداختند و در سقوط نظام قذافی با مخالفین اش همکاری نمودند و اما بعد از سقوط نظام قذافی لیبیا را به حالت غیر عادی گذاشتند و با نظام جدید بزعامت احزاب اسلامی در لیبیا همکاری نکردند و برعکس جنرال «حفتر»

انقلاب مصر علیه داکتر مرسی به نفع اسرائیل و امریکا است. رئیس او باما به مشوره اسرائیل حکومت نظامی مصر را برسمیت شناخت و وعده کمک های اقتصادی بیشتر به مصر داد. این معلومات را یکی از ارکان دولت مصر به تلویزیون مکملین ارائه کرد.

یکی از جنرالهای نظام قذافی را تقویت مادی و نظامی کردند و جنرال حفتر فعلاً ربع مساحت لیبیا را در کنترل خود دارد.

ایتالیا، روسیه از بی نظمی سیاسی لیبیا بیشترین سود را بردند، روسیه صاحب پایگاه هوایی و بحری در لیبیا شد، ایتالیا که زمانی لیبیا را اشغال نظامی کرده بود بار دوم به لیبیا آمد. ترکیه از دولت انتخاب شده لیبیا بزعامت اخوان المسلمین حمایت نمود در مقابل مصر، ایتالیا و روسیه از مخالفین دولت لیبیا حمایت نظامی کردند و کوشش کردند تا پای فرانسه را نیز به لیبیا بکشانند. لیبیا بعد از سقوط دولت القذافی آرامش نیافت. امریکا در سیاست های خود نسبت به لیبیا اشتباهات زیاد نمود، نخواست از نظام دیموکراسی لیبیا بزعامت اخوان المسلمین حمایت کند، سیاست اشتباه آمیز امریکا سبب آن شد تا روسیه بصورت دائمی در لیبیا مستقر شود.

کوشش کشور های غربی و خلیج عربی برای سقوط نظام دیموکراسی در تونس و حزب « نهضت » که شاخه از اخوان است سبب شد تا نظام دیکتاتوری جدید در تونس روی کار و نهضت دیموکراسی تونس سرکوب و زعمای آن زندانی شوند.

بعد از سقوط بهار عرب و سقوط بن علی رئیس تونس و معمر القذافی در لیبیا و دکتور مرسی در مصر کشور های غربی کوشش کردند تا پای روسیه را به کشور های اسلامی در افریقا بکشند و در جنگهای داخلی روس را شریک سازند. بی بی سی بتاريخ 15 مارچ راپور میدهد که قوای خاص روسی در یکی از پایگاه نظامی مصر قریب لیبیا جاگزین شدند تا در جنگهای داخلی لیبیا به طرفداری جنرال حفتر در خاک لیبیا داخل شوند. مداخله نظامی و سیاسی روسیه در افریقا و همکاری نظامی و سیاسی بین

روسیه و مصر بدون موافقه امریکا غیر ممکن است به دلیل اینکه مصر دومین کشور در جهان است که بعد از اسرائیل از کمک های امریکا خصوصا در ساحت نظامی استفاده میکند و نظام سیاسی مصر قدرت ادامه را بدون حمایت اسرائیل و امریکا ندارد. سیاست غرب در قبال روسیه این است که روسیه را در مشکلات شرق میانه و شمال و غرب افریقا شامل سازند و بدین ترتیب قوای سیاسی و نظامی و اقتصادی روسیه را زیر فشار داشته باشند. سیاستمداران روسی از مداخله نظامی روسیه در سوریه نا راضی هستند و راه خروج را جستجو می کنند و از کنفرانس کزاخستان و جنیف برای حل مشکلات سوریه حمایت میکنند و با دولت ترکیه برای حل مشکلات سوریه همکاری نزدیک دارند. مداخله ای روسیه در افغانستان و همکاری با طالبان نیز ضمن همین سیاست است.

امریکا کامیاب شد تا ایران را در عراق و سوریه و یمن مشغول سازد و ممکن نیست ایران از این قبرستان به سلامت بیرون شود. به همین ترتیب پای روسیه را به سوریه کشانید و روسیه امروز نمی تواند به سلامت از شرق اسلامی خارج شود. عربستان سعودی را مشغول یمن ساخت و یمن ویتنام جدید برای عربستان سعودی است و سعودی برای اولین بار از بانک جهانی قرضه دریافت کرد. حملات نظامی مشترک امریکا، عربستان سعودی، امارات متحده عربی با همکاری (حوتی) ها، سقوط نظام دیموکراسی یمن را بزعامت (حرکت اصلاح اجتماعی) شاخه از اخوان المسلمین آماده کرد. این سه کشور کمک های نظامی و مالی برای حرکت حوتی کردند. اما بعد از سقوط حکومت انتخابی یمن با حوتی ها درگیر شدند. عربستان سعودی در سقوط حکومت به زعامت حرکت اصلاح اجتماعی موفق شد، و اما یمن را

به خاک و خون کشانید و پای ایران را در یمن داخل کرد و امروز ایران صاحب
امرو نهی در یمن است.

اختلاف بین ایران و عربستان سعودی از اختلاف سیاسی و نفوذ در شرق
میانه به اختلافات مذهبی تبدیل شد، عربستان سعودی و امارات متحده
عربی و بحرین جهت مبارزه با نفوذ ایران در یمن و سوریه و لبنان بیشتر به
امریکا و اسرائیل نزدیک شدند. آقای ترامپ در ریاست‌اولش کوشش داشت
تا عربستان سعودی، اسرائیل را برسمیت بشناسد و اعتراف کند که قدس
پایتخت اسرائیل است. اگر جنگ در نوار غزه واقع نمی شد، عربستان
سعودی به وجود اسرائیل اعتراف رسمی می کرد.

اسرائیل کوشش دارد تا کناره غرب نهر اردن را ضمن خاک اسرائیل اعلان
کند و انتظار دارد تا آقای ترامپ در این مرحله کناره غربی را جزء خاک
اسرائیل بشناسد. قبلاً آقای ترامپ علام داشته بود که اسرائیل بزرگ شده و
به خاک بیشتر ضرورت دارد¹.

روزنامه معاریف می نویسد که اولویت امریکا اعتراف عربستان به دولت
اسرائیل است نه اعتراف بر اینکه کناره غرب نهر اردن جزء قلمرو اسرائیل
باشد. امریکا در کوشش است تا پیمان نظامی جدید که بنام «ناتو عربی» یاد
میشود بزودی تشکیل یابد و عربستان سعودی، امارات متحده، اسرائیل
، مصر و امریکا اعضای آن باشند. هدف از ایجاد پیمان جدید همکاری و
تعاون دفاعی مشترک بین سعودی و اسرائیل در مقابل ایران است.

¹ کرانه باختری و قدس شرقی از رود اردن در شرق تا خط سبز (مرز پیش از 1967 با اسرائیل
(دز غزب امتداد دارد.

روزنامه می نویسد که هدف صدراعظم اسرائیل نتنیا هو از اعلان کناره غربی نهر اردن فشار بالای سعودی است تا اسرائیل را برسمیت بشناسد. اتفاق بین اسرائیل و عربستان، از اسرائیل می خواهد تا بعض تنازلات « گذشت ها» را قبول کند خصوصاً آنچه متعلق به قضیه فلسطین است. اگر نتنیا هو بخواهد با سعودی معاهده امنیتی امضاء کند و سعودی به موجب آن اسرائیل را برسمیت بشناسد، در این صورت باید اسرائیل از بسا قضایا تنازل نماید. خصوصاً پلان گرفتن کناره غربی نهر اردن.¹

سیاست امریکا در کشور های اسلامی از بین بردن تمام اسلحه های روسی بود به عبارت دیگر قطع هر نوع رابطه بین نظامیان کشور های اسلامی و دولت روسیه. برای تحقق این امر جنگ های داخلی افغانستان بهترین وسیله برای تخریب و سائل نظامی روسی در افغانستان بود و در عراق آقای « پول بریمر / Paul Bremer» حاکم امریکا برای عراق نظام عسکری عراق را از بین برد و صاحب منصبان عراقی که آشنائی به اسلحه روسی داشتند ایشان را به تقاعد سوق داد. امریکا در افغانستان پلان 300 هزار عسکر به پول امریکا و اسلحه امریکا و تحت حمایت و امر امریکا ساخت و همین سیاست را در عراق نیز عملی کرد و در آینده نزدیک امریکا خواهان تشکیل نظامی به اسلحه امریکایی در سوریه می باشد. اما نظام جدید سوریه نزدیک به امریکا نیست.

جهت ادامه حضور نظامی امریکا در عراق، امریکا مردم عراق را به اساس مذاهب و نژاد تقسیم کرد و کرد ها را آزادی داخلی بیشتر داد و همین سیاست را در افغانستان نیز عملی کرد و ادامه مقاومت را بهترین وسیله

¹. معاریف، 2024/11/16 / ترجمه آن در روزنامه الجزیره نت به همان تاریخ.

برای بقاء خود در افغانستان دانست و در عراق شیعه را در مقابل سنی تقویت کرد و در مقابل شیعه حرکت داعش را ساخت و از آن حمایت کرد و پای ایران را به عراق و سوریه کشانید تا جنگ بین شیعه و سنی برای مدت ها ادامه داشته باشد . به همین ترتیب ملت واحد افغانستان را به اقوام و مذاهب تقسیم نمودند و برای جلب دوستی اقوام مختلف را در دولت بدون در نظر داشت لیاقت و صداقت و امانت شریک ساختند و سران اقوام و مذاهب را با دادن پول و رتبه های نظامی در خدمت خود قرار دادند . این تجربه در افغانستان به دلیل عدم اخلاص زعمای جهادی و قومی و مقاومت طالبان به ناکامی انجامید.

امریکا در افغانستان اشتباهات بسیار را مرتکب شد اولین اشتباه امریکا همکاری و تقویت فساد و مفسدین و کسانی بود که مردم افغانستان ایشان را به تاریخ سپرده بودند . امریکا در مبارزه با طالبان گروه هایی را تقویت نمود که مردم افغانستان آنها را دشمنان خود می دانستند . موقف امریکا سبب شد تا طالبان دوباره روی کار آیند و تا حدی حمایت مردم را داشته باشند و جنگ امریکا علیه طالبان متأسفانه به جنگ علیه اسلام تبدیل شد و گروهی طالبان از اشتباهات امریکا و فساد دولت تحت حمایت و سکوت علماء استفاده خوب کرد.

سقوط بهار عرب و اعادت نظامهای استبدادی و عسکری به کمک امریکا در جهان اسلام از یک جانب و حمایت امریکا از نظامهای فاسد و مفسدین زیر نام حکومت های دیموکراسی و ساختن پایگاه های نظامی در جهان اسلام ، امت اسلامی بطور عموم و حرکت های دیموکراسی و اسلام معتدل همه ضد سیاست امریکا شدند و برای نابودی نفوذ سیاسی و عسکری امریکا در منطقه متحداً همکاری می نمایند .

سقوط حکومت های دیموکراسی و قیام نظامهای استبدادی و فاسد در جهان اسلام، اشغال عراق و افغانستان بصورت مستقیم و حرکت های مسلحانه ضد امریکا در منطقه سبب شد تا روسیه و چین و هندوستان صاحب قدرت و نفوذ بیشتر شوند و رابطه مستقیم با مخالفین امریکا سرأ و علناً قائم نمایند .

افغانستان در بین مبارزات جهانی قربانی سیاست امریکا شد . حکومت تحت حمایت افغانستان مثل تمام حکومت های استبدادی و ناکام کوشش داشت تا ناکامی های خود و اشغال نظامی افغانستان را به دیگران نسبت دهد . سقوط پاکستان یکی از پلانهای بزرگ جهانی است و سقوط پاکستان موجودیت افغانستان را به مخاطره می اندازد و مهاجرت ملیونها پاکستانی به افغانستان مناطق پشتون نشین افغانستان را تهدید می کند . مردم افغانستان درک داشته باشند که افغانستان عمق استراتیژی برای پاکستان و پاکستان عمق استراتیژی برای افغانستان است و اگر طرفین عمق استراتیژی یکدیگر را صحیح درک نکنند و مصلحت مشترک را احترام نکنند موجودیت هر دو کشور به خطر خواهد افتاد .

نقش روسیه شرق اسلامی و افریقا

روسیه در اواخر قرن بیستم و اوائل قرن بیست و یکم مجدداً بحیث یک قوه فعال و قابل ملاحظه نظامی و اقتصادی در ساحه سیاسی جهان عرض اندام نمود و از مشکلات سیاسی و اقتصادی جهان معاصر و ضعف سیاست امریکا در شرق میانه و افریقا و افغانستان استفاده سیاسی کرد و بزودی با همکاری دوستان و همپیمانان سابق صاحب پایگاه های نظامی شد و با تعدادی از کشورهای اسلامی معاهدات همکاری را با مضاء رسانید .

ایران ، عراق ، سوریه ، شرق لیبیا و سودان روسیه را همکاری سیاسی و نظامی نمودند و دولت ایران پایگاه های هوایی خود را در اختیار روسیه قرار داد . هدف از همکاری ایران با روسیه حمایت اقلیت شیعه در سوریه و شرق میانه بود .

روسیه برنامه های اقتصادی ، سیاسی و استراتژیکی خاص را در شرق میانه و افغانستان دارد و در مبارزه با افراطیت و نهضت های اسلامی معتدل با سیاست امریکا متفق النظر است .

آقای « فلادیمیر فرولوف / Vladimir Frolov » دیپلمات روسی سابق و متخصص در شئون بین المللی اهداف روسیه را در شرق اسلامی و افریقا به بررسی گرفته این طور خلاصه می کند :

روسیه از جنگ سوریه و فرستادن قوای نظامی به خاک مصر در سرحدات لیبیا و آماده گی به حمله مشابه سوریه در لیبیا به حمایت از جنرال متقاعد لیبی سه هدف دارد :

- روسیه به دنبال افزایش نفوذ خود در این مناطق است تا به عنوان یک بازیگر مهم در صحنه بین المللی شناخته شود و بتواند در تصمیم گیری های جهانی تأثیر گذار باشد .
- بازگشت به شرق میانه و اشتراک در حل مشکلات بزرگ معاصر و محدود ساختن نفوذ امریکا در منطقه .
- حمایت نظامی های استبدادی از قیام مردم در شرق . روسیه این مداخله را زیر نام مبارزه با افراطیت و تروریزم می نماید .

- شعار حمایت از نظام های منطقه و سهم داشتن برای باز سازی سوریه و لیبیا که در نتیجه مداخلات خارجی ویران شده است.¹
 - بازاریابی برای فروش اسلحه روسی و همکاری نظامی و تأسیس پایگاه های عسکری در منطقه به هدف مبارزه با افراطیت و تروریسم و همچنان اشتراک در منابع گاز و بترویل و حمایت راه مواصلت آن.
- بعد از نشر خبر ارسال قوای نظامی روسی به مصر و آماده گرفتن برای حمله به لیبیا ، رئیس کمیته دفاع و امنیت در پارلمان روسیه آقای « فیکتور اوزیروف » گفت : حمله به لیبیا بدون فیصله مجلس امنیت ملل متحد و دعوت حکومت لیبیا صورت نمی گیرد .

آقای « سیرگی بالماسوف » متخصص در شئون شرق اوسط در پارلمان روسیه هدف از مداخله روسیه را در لیبیا اینطور تفسیر و بررسی و می نویسد :

اهداف روسیه در لیبیا نسبت به سوریه تفاوت میکند . در لیبیا روسیه میخواهد معاهدات که قبلا با زعیم لیبیا معمر القذافی امضاء شده بود حیا گردد خصوصا معاهده ساخت خط ریل بین « سرت و بنغازی » به قیمت 2.2 ملیار دالر امریکائی . او اضافه میکند که روسیه می خواهد پولهای که در لیبیا سرمایه گذاری نموده بود بدست بیاورد و برای تحقق این اهداف مسکو از جنرال متقاعد لیبی « حفتر » حمایت می نماید و او را برای گرفتن قدرت در لیبیا همکاری می کند .

¹. فلادیمیر فروولوف دیپلوماسی روسی و سابق معاون سفیر روسیه در واشنگتن بود و حالا بحیث تحلیل گر سیاسی در وسائل مطبوعات روسیه در مسائل روابط روسیه با خارج و روابط بین المللی کار می کند. او اهداف روسیه را در مصاحبه با « اسوشیتد پرس » بیان کرد.

روزنامه « نیز اویسیمایا گازیتا / Nezavisimqya Gazeta »¹ مقاله تحت عنوان « جنرال حفتر » می نویسد که جنرال حمایت روسیه را دارد. لیبیا برای روسیه نسبت به سوریه اهمیت بیشتر دارد به دلیل منابع نفت و برای رسیدن به این اهداف روسیه با اطراف داخل جنگ در لیبیا بدون رضایت غرب دست به کار شده است.²

به همین ترتیب روسیه با پاکستان با اینکه پاکستان با امریکا و چین پیمان استراتژیک دارد و همچنان با ایران روابط خوب و نزدیک قائم نمود . روسیه برنامه های سیاسی و اقتصادی و استراتژیک را جهت عملی کردن در افغانستان دارد و کوشش دارد تا با مخالفین مسلح حکومت کابل زیر نام مبارزه با داعش همکاری داشته باشد و برای این هدف با زعمای حرکت طالبان نیز داخل مذاکره است . از طرف دیگر روسیه همکاری اقتصادی و سیاسی و نظامی را با نظام کابل در نظام جمهوریت بامضاء رسانید و رابطه کابل با مسکو هر روز بهتر می شد . سیاست روسیه در قبال امارت اسلامی ، ثابت نیست ، یکزمان از امارت اسلامی دفاع و در وقت دیگر امارت اسلامی را نقد شدید می نماید. دیده شود که بعد از اتفاق بین امریکا و روسیه در مورد اوکراین و شرق میانه ، مسکو چه نوع سیاست را در قبال افغانستان بازی خواهد کرد.

¹. یک روزنامه مستقل روسی است که از سال 1990 منتشر می شود. این روزنامه به پوشش اخبار سیاسی، اقتصادی و فرهنگی روسیه و جهان می پردازد.

². العربی الجدید 17 مارچ 2017

مسکو از نفوذ اسلامگر در وسط آسیا ترس دارد . جنبش اسلامی تاجکستان، ازبکستان، ترکمنستان سبب تشویش روسیه شده. روسیه میداند که نهضت های اسلامی که علیه حکومت های استبدادی در آسیا مرکزی می جنگند از پیروزی نهضت طالبان الهام می گیرند.

Changes in the Middle East & Their Implication for Afghanistan

Fazl Ghani Ali Mogaddedi